





دانشکده: فقه و حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی

عنوان:

عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد از دیدگاه فقه جزایی مذاهب اسلامی و حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر محمد جعفری هرندي

استاد مشاور:

دکتر محمود ویسی

نگارش:

غزل پرویزی

پاییز ۱۳۹۹

چکیده

حکومت‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که امنیت شهروندان خود را حفظ و احترام به قوانین و مقررات را در تمام قلمرو سرزمینی خود نهادینه کنند. بارها پیش آمده که بزه‌کاران پس از ارتکاب بزه از کشور محل ارتکاب گریخته و به کشوری غیر از محل ارتکاب فعل یا ترک فعل متواری گشته‌اند. با پیشرفت تکنولوژی، گسترش وسایل حمل و نقل و پیچیده‌تر شدن شیوه‌های ارتکاب جرم توسط مجرمین و فرار آنان به این سو و آن سو، نیاز به سازمانی بین‌المللی برای همکاری و هماهنگی کشورها جهت استرداد آنان و تامین امنیت حقوق داخلی کشورها بیش از پیش احساس می‌شد. سازمان بین‌المللی پلیس جنایی^۱ سازمانی است که نه به ابتکار کشورهای جهان بلکه در یک تلاش هماهنگ و منسجم از سوی افسران پلیس و جمعی از حقوق‌دانان تاسیس گردید. سازمان بین‌المللی پلیس جنایی در امر تعقیب، جلب و بازداشت و استرداد مجرمان، نقشی انکارناپذیر در تبادل اخبار و اطلاعات و معاضدت پلیسی - قضایی ایفا می‌کند در تحقیق حاضر با تبیین ساختار سازمان پلیس بین‌الملل و بررسی مفهوم و چگونگی جلب در حقوق ایران به بررسی ماهیت این جلب در فقه اسلامی با عملکرد این نهاد پرداخته خواهد شد.

کلید واژگان: اینترپل، جلب، بازداشت، قاعده نفی سبیل، فقه جزایی

^۱ International criminal police organization (Interpol)

المخلص

سعت الحكومات دایما الى الحفاظ على امن مواطنيها و ارساء احترام القوانين و الانظمه فى جميع انحاء اراضيها . و قد حدث فى كثير من الاحيان ان المجرمين فروا من بلد الجانى بعد ارتكاب الجريمة و فروا الى بلد غير المكان الذى تم فيه ارتكاب الفعل او التخلّى عنه. مع تقدم التكنولوجيا و توسع وسائل النقل و تعقيد الجريمة من قبل المجرمين و هروبهم مجيئا و ذهابا و الحاجه الى منظمه دوليه للتعاون و التنسيق بين الدول لتسليمهم و ضمان امن الحقوق الداخليه اكثر و اكثر كان محسوسا المنظمه الدوليه للشرطه الجنائيه هى منظمه لم تنشأ بمبادره من دول العالم و لكن بجهود منسقه و متماسكه من قبل ضباط الشرطه و مجموعه من الحامين . تلعب المنظمه الدوليه للشرطه الجنائيه دورا لا يمكن انكاره فى ملاحقه المجرمين و اعتقالهم و تسليمهم فى تبادل الاخبار و المعلومات و المساعدات بين الشرطه و القضاء. و سوف ندرس طبيعه هذا الجذب فى الفقه الاسلامى مع اداء هذه المؤسسه .

الكلمات المفتاحيه : الانتربول , الاتقال , قاعده نفى السبيل , الاجتهاد الجنائى

فهرست مطالب

فصل اول

کلیات و تبیین مفاهیم

بخش اول: کلیات

- الف: بیان مسئله..... ۲
- ب: ضرورت تحقیق..... ۳
- ج: بیان سؤال های تحقیق..... ۳
- د: فرضیه های تحقیق..... ۴
- ه: پیشینه تحقیق..... ۴
- و: جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق..... ۴
- ز: روش تحقیق..... ۵
- ح: اهداف انجام تحقیق..... ۵
- ط: کاربرد یا کاربردهای تحقیق..... ۵
- ی: استفاده کنندگان از نتیجه پایان نامه ۵

بخش دوم: مفاهیم

- گفتار اول: مفهوم عملکرد ۶
- مطلب اول: مفهوم لغوی عملکرد..... ۶
- گفتار دوم: مفهوم پلیس..... ۶
- مطلب اول: مفهوم لغوی پلیس..... ۶
- مطلب دوم: نیروی انتظامی به مفهوم اصطلاحی پلیس در ایران..... ۶
- گفتار سوم: مفهوم بین الملل ۶
- مطلب اول: بین الملل در لغت ۶
- مطلب دوم: بین الملل در اصطلاح حقوقی ۶
- گفتار چهارم: مفهوم جلب ۷
- مطلب اول: جلب در لغت..... ۷
- مطلب دوم: جلب در اصطلاح حقوقی..... ۷
- گفتار پنجم: مفهوم فقه ۷
- مطلب اول: فقه در لغت ۷

- مطلب دوم: فقه در اصطلاح حقوقی..... ۷
- گفتار ششم: مفهوم جزا..... ۸
- مطلب اول: جزا در لغت ۸
- مطلب دوم: جزا در اصطلاح حقوقی ۸
- گفتار هفتم: مفهوم مذاهب اسلامی..... ۸
- مطلب اول: مذاهب اسلامی در لغت ۸
- مطلب دوم: مذاهب اسلامی در اصطلاح ۸
- گفتار هشتم: مفهوم حقوق ۸
- مطلب اول: حقوق در لغت ۸
- مطلب دوم: حقوق در اصطلاح ۸
- گفتار نهم: تاریخچه اینترنت ۹
- گفتار دهم: شخصیت حقوقی اینترنت ۱۰
- گفتار یازدهم: ساختار و تشکیلات سازمان اینترنت ۱۱
- مطلب اول: مجمع عمومی..... ۱۱
- مطلب دوم: کمیته اجرایی..... ۱۱
- مطلب سوم: دبیرخانه کل..... ۱۲
- مطلب چهارم: مشاورین..... ۱۳

فصل دوم: وظائف و اختیارات پلیس بین المللی

- گفتار اول: اهداف و وظایف سازمان..... ۱۵
- مطلب اول: تأمین ارتباط جهانی میان پلیس کشورهای عضو..... ۱۵
- مطلب دوم: تأمین خدمات اطلاع رسانی و ایجاد پایگاه های اطلاع رسانی..... ۱۶
- مطلب سوم: ارائه خدمات حمایتی و پشتیبانی از عملیات های پلیس..... ۱۸
- گفتار دوم: جرایم موضوع صلاحیت سازمان..... ۱۹
- مطلب اول: مواد مخدر..... ۱۹
- مطلب دوم: جرایم مالی ۲۰
- مطلب سوم: جرایم علیه امنیت عمومی و تروریسم ۲۰
- مطلب چهارم: ژنوساید و جنایات علیه بشریت ۲۱
- گفتار سوم: اهم مأموریت های سازمان پلیس بین الملل و اینترنت ایران..... ۲۲

- گفتار چهارم: ضرورت انجام معاضدت های حقوقی..... ۲۳
- مطلب اول: مصادیق عملی معاضدت های حقوقی..... ۲۴
- گفتار پنجم: کارکرد پلیس بین الملل در انجام معاضدت های حقوقی..... ۲۷
- مطلب اول: ضرورت استفاده از ظرفیت های پلیس بین الملل..... ۲۷
- مطلب دوم: نقش پلیس بین المللی در انجام معاضدات حقوقی در پرتو اسناد بین المللی..... ۲۸

فصل سوم: جلب افراد از منظر فقه اسلامی

- مقدمه ۳۱
- گفتار اول: قاعده نفی سبیل..... ۳۲
- گفتار دوم: مبانی استدلال به قاعده نفی سبیل..... ۳۳
- مطلب اول: قرآن..... ۳۳
- مطلب دوم: روایات..... ۳۴
- مطلب سوم: اجماع..... ۳۵
- مطلب چهارم: عقل..... ۳۵
- مطلب پنجم: قیاس..... ۳۵
- گفتار سوم: تبیین قاعده نفی سبیل در قانون اساسی در روابط خارجی..... ۳۶
- گفتار چهارم: حربه..... ۳۷
- گفتار پنجم: همکاری با اینترپل از منظر فقهی..... ۳۹

فصل چهارم: چالش های تقنینی موجود در جلب مجرمین از سوی پلیس بین الملل از منظر حقوق ایران

- گفتار اول: اینترپل و تعقیب مجرمین ۴۲
- گفتار دوم: جلب و استرداد توسط اینترپل ۴۳
- مطلب اول: دولی که حق تقاضای استرداد دارند..... ۴۴
- مطلب دوم: مواردی که چند دولت حق تقاضای استرداد دارند..... ۴۴
- مطلب سوم: جرایم غیر قابل استرداد..... ۴۴
- مطلب چهارم: وضعیت شخص درخواست شده برای استرداد..... ۴۵
- گفتار سوم: جلب در حقوق ایران..... ۴۵
- مطلب اول: لزوم پایبندی به دستور مقام قضایی..... ۴۵
- مطلب دوم: حفظ مصلحت اجتماع..... ۴۶
- مطلب سوم: احقاق حق شاکی..... ۴۶

مطلب چهارم: تسريع در رسيدگى.....	۴۶
گفتار چهارم: چگونگى جلب در قانون ائين دادرسى كيفرى.....	۴۷
مطلب اول: شناسايى متهم.....	۴۷
گفتار پنجم: محاکمى كه حق صدور جلب را در ايران دارند.....	۵۰
مطلب اول: صدور برگ جلب متهم از دادسرا.....	۵۰
مطلب دوم: صدور برگ جلب متهم از سوى دادگاه هاى كيفرى.....	۵۴
مطلب چهارم: صدور برگ جلب متهم از سوى مرجع تجديدنظر.....	۵۷
مطلب پنجم: صدور برگ جلب به اعتبار اشخاص خاص.....	۵۹
گفتار ششم: درخواست جلب متضمن درخواست استرداد توسط اينترپل.....	۶۱
نتيجه گيرى.....	۶۴
منابع.....	۶۶

فصل اول:

کلیات و تبیین مفاهیم

بخش اول: کلیات

الف: بیان مسئله

در عصر حاضر، امکانات نقل و انتقال، مسافرت سریع، استفاده از فناوری جدید ارتباطی و وقوع جرم در فضای مجازی، عملاً مرزها را از بین برده و تجارت به ورای مرزها گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است. جهانی شدن نیز به گسترش و ارتباطات فرامرزی و اساساً بی اثر شدن مرزها بیشتر دامن میزند و این موضوع، نقش و اهمیت پلیس بین الملل را دوچندان میکند. سازمان اینترپل در قرن حاضر بر پیشگیری از جرایم بین المللی تأکید نموده و آن را در کانون توجه خود قرار داده است. این سازمان در قلمرو مأموریت های بین المللی و داخلی خود، در زمینه پیشگیری از جرایم بین المللی تأکید خاصی دارد. در این راستا و با تأکید بر افزایش همکاری های بین المللی، سازمان پلیس جنایی بین المللی (اینترپل) تأسیس گردیده است. اینترپل رسالت مهمی در پاسخ حقوقی و پلیسی به جرایم بین المللی برعهده دارد. از مهم ترین رسالت های این نهاد، استرداد مجرمین است. کارکرد اینترپل در پاسخ به جرایم بین المللی در دو جهت عمده استوار است، نخست، کارکرد اصلی این نهاد به عنوان متصدی امر استرداد مجرمین که به گواهی اساسنامه آن و رویه حاکم بر آن در بستر همکاری های قضایی و پلیسی به صورت مستقیم در امر پیشگیری موثر واقع می گردد. به لحاظ عدم بهره مندی اینترپل از خصوصیات حاکم بر نهادهای عدالت کیفری بین المللی رسمی همانند دیوان کیفری بین المللی نظیر آمره بودن قواعد حاکم بر آن و داشتن ضمانت اجرایی در این راستا، این نهاد صرفاً دارای نقشی تکمیلی است. حمایت تابعان حقوق بین الملل از این نهاد و به خصوص هم ردیف شدن آن با دیوان کیفری بین المللی از جمله مهم ترین پیشنهادات اجرایی در این مسیر است. دومین کارکرد اینترپل در استرداد مجرمین، تعامل این نهاد با سایر نهادهای بین المللی در راستای پیشگیری از جرایم است که به صورت غیرمستقیم مورد توجه است. از این رو همکاری های بین المللی اینترپل نقش ویژه ای در نظم بین المللی دارد. برقراری نظم در جرایمی که از حیث بزهکار، بزه‌دیده یا گستره جغرافیایی، بعد بین المللی دارند، به توسعه همکاری های بین المللی نیاز دارد. بدین ترتیب باید اذعان داشت که تسهیل نقل و انتقالات و مسافرت به نقاط مختلف جهان سبب شده مجرمین بتوانند برای فرار از مجازات به خارج از کشور متواری شوند. با توجه به سرزمینی بودن حاکمیت دولت ها، تعامل مثبت بین - دولتی، بالاخص بین کشورهای عضو سازمان اینترپل میتواند در جهت استقرار یک نظام عادلانه کیفری موثر واقع شده به طوری که هیچ کشوری مامن مجرمین متواری نشود. با توجه به این موضوع که تعداد متهمین مسترد شده (غیر از منطقه اروپا) در مقابل تعداد مجرمین تحت پیگرد ناچیز است، هدف این تحقیق بررسی عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد است که از این منظر به بررسی قوانین و مقررات ایران و واحد پلیس بین الملل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز پرداخته خواهد شد، برای مثال فلسفه تشریع حدود در فقه جزایی جلوگیری از تکرار مجدد جرم است و این با موازین بین المللی در سازگاری واضح می باشد مثلاً دستگیری مجرمین که مورد تأیید فقه جزایی و قوانین پلیس بین الملل است. آنچه مسئله اساسی این تحقیق است و نگارنده در پی واکاوی آن است تحلیل عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد است که می تواند به نوعی تسهیل کننده رابطه بین نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس بین الملل باشد درواقع با بررسی عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد و استرداد مجرمین و بررسی تطبیقی این اختیارات از منظر فقه جزایی اسلامی

و قوانین ایران می تواند معضلات و مشکلات و محدودیت هایی که در مورد استرداد مجرمین وجود دارد برداشته شود. فقه جزای اسلامی با لحاظ کردن قاعده نفی سبیل می تواند در مواردی موافق با موازین جزایی پلیس بین الملل باشد و جایی که منافات با قاعده نفی سبیل پیدا شود با آنها موافق نباشد. همچنین بررسی این اختیارات و قواعد فقهی و اختیارات حاکم اسلامی در محاکمه و مجازات مجرمین که در قلمرو سرزمینی حاکم اسلامی نیستند مسائلی است که در این پایان نامه بدان پرداخته خواهد شد. و بالاخره پژوهشگر برآنست تا تعامل حکومت اسلامی را با در نظر گرفتن قاعده نفی سبیل در این راستابه بحث بگذارد. در همکاری با پلیس بین الملل چه بسا ممکن است با قاعده نفی سبیل تعارضاتی بوجود آید که در این لزوما شامل تعقیب جرایم مورد اتفاق عقلا نخواهد بود و همچنین ممکن است « سبیل » خصوص در نوشته توضیح داده می شود که مسئله تعاون بر اثم هم مطرح گردد که البته از این لحاظ مورد بسیار کم خواهد بود. در تمام این موارد و موارد مشابه پژوهشگر بر آن است که به نکات متفاوت و احیاناً متعارض با ظواهر احکام فقهی پردازد و از این لحاظ پژوهش کامل و در عین حال مورد نیاز در پیش رو دارد.

ب: ضرورت تحقیق

دولت ها خاصه زمانی که روابط دوستانه و حسنه با یکدیگر داشته اند، پناهندگان و دشمنان خود را به یکدیگر تسلیم می کردند. در گذشته علت بیشتر استردادها ارتکاب جرم سیاسی یا نظامی بوده است. از قرن هجدهم به بعد جلب و استرداد از صورت خصوصی خارج شده کم کم جنبه جهانی و بین المللی به خود گرفته است و در حال حاضر، به ندرت کشوری یافت می شود که از این امر، به صورت مؤثر در جهت پیشگیری، پیگرد، محاکمه و مجازات مجرمان در ورای صلاحیت سرزمین خود بهره برداری نکند. به همین دلیل است که قراردادهای جلب و استرداد میان دولت ها به صورت فزاینده ای رو به افزایش و قوانین خاص در این رهگذر به تصویب مراجع قانونگذاری می رسد. تعداد کم مجرمین جلب و استرداد شده در طول سالیان گذشته به نسبت تعداد پرونده های متشکله در این رابطه، نشان از وجود موانع شکلی و ماهوی بر سر راه پدیده استرداد است. به منظور رفع مشکلات و موانع موجود در راه جلب و استرداد مجرمین متواری به خارج از کشور و بالعکس و بستر سازی برای همکاری بیشتر مراجع ذی مدخل در این امر با هدف تحقق عدالت کیفری و احقاق حقوق زیاندیدگان از جرائم، ضروری است ناهماهنگی ها و موانع مربوطه شناسایی و مجموعه عواملی که موجب شده پدیده جلب مجرمین و به تبع آن استرداد در کشورمان مهجور بماند، مشخص و راهکارهای رفع این مشکلات مشخص شود.

ج: بیان سؤال های تحقیق

سؤال های اصلی:

- ۱- عملکرد پلیس بین الملل در جلب مجرمین از منظر فقه جزایی دارای چه جایگاهی است؟
- ۲- عملکرد پلیس بین الملل در جلب مجرمین از منظر قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران دارای چه جایگاهی است؟

سؤال فرعی تحقیق:

۱- پلیس بین الملل چه گونه ایجاد شده و تحت چه موازینی با کشورهای جهان می تواند تعامل داشته باشد؟

د: فرضیه های تحقیق

- ۱- عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد و همکاری با مقامات قضائی و انتظامی حکومت اسلامی به لحاظ اصولی روا است؛ مگر آن که نوع رویداد با اصول مسلم اسلامی مخالف باشد که در این صورت از اصل تحفظ استفاده می شود.
- ۲- حکومت اسلامی می تواند با حفظ موقعیت برابر و بدور از شائبه شمول "قاعده نفی سبیل" عضویت پیمان ها و کنوانسیون را پذیرا شود، می تواند با پلیس بین المللی هم همکاری نماید.
- ۱- پلیس بین الملل به تلاش افسران پلیس و جمعی از حقوقدانان تاسیس شد و فارغ از نظام تعریفی کفر است و با کشورهای جهان در تعامل است.

ه: پیشینه تحقیق

اگر چه در مورد پلیس بین الملل کارهای تحقیقی زیادی صورت گرفته است :

مانند مقاله " اینترپل چیست و چه قدرتی دارد " نوشته مسعود سالاری ، نوشته شده در سایت euronews

مقاله " بررسی نقش پلیس بین الملل در اجرای قراردادهای استرداد مجرمین " نوشته محمدرضا عبدی و اسماعیل کشکولیان که محل انتشار آن سومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی در کشور ترکیه میباشد ، مقاله نقش اینترپل در زمینه استرداد مجرمین و راههای بهینه کردن آن " نوشته حمیدرضا مخدوم چاپ شده در فصلنامه ی علمی کارآگاه پاییز ۱۳۸۷ .

و دو پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان " موانع استرداد مجرمین در حقوق ایران و حقوق بین الملل ، در دانشگاه مازندران رشته حقوق و " جایگاه پلیس بین الملل در حقوق بین الملل عمومی ، در دانشگاه شیراز رشته حقوق ، ولی در مورد موضوع خاص عملکرد پلیس بین الملل در جلب مجرمین از منظر قوانین و مقررات ایران و فقه جزایی علی رغم جستجوی نگارنده اثر تحقیقی ویژه ای یافت نشد که در استعلام سامانه ایرانداک نیز این مهم مبرهن گشته است .

و: جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

جنبه جدید بودن و نوآوری در این تحقیق در پیوند فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران در مورد پلیس بین الملل آن هم از حیث عملکرد آن در جلب افراد است چراکه تاکنون تحقیقات صورت پذیرفته صرفاً به معرفی این واحد پرداخته و کار تطبیقی دقیقی در خصوص نوع و نحوه جلب افراد از منظر قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا نوآوری این تحقیق در این است که با توجه به مسئل حقوقی نظام عدالت کیفری ایران و همچنین اصول و قواعد فقه جزایی به تشریح عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد می پردازد درواقع بازشناسی و باز تعریف دقیقی از انطباق این اختیارات در نظام حقوقی ایران و فقه جزای اسلامی جنبه جدید بودن این موضوع را می رساند.

ز: روش تحقیق

روشی که در این تحقیق نگارنده به کار گرفته است، روش توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و فیش برداری می باشد.

ح: اهداف انجام تحقیق

تبیین وضعیت و عملکرد پلیس بین الملل در حوزه اختیارات جلب مجرمین
تبیین عوامل موثر در عملکرد پلیس بین الملل در جلب مجرمین
تبیین نقایص و چالش های موجود در عملکرد پلیس بین الملل در جلب مجرمین
تبیین چالش های تعامل پلیس بین الملل با کشورهای عضو
تبیین انطباق عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد از منظر فقه جزایی
تبیین معضلات و نقایص موجود در عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد از منظر قوانین و مقررات ایران

ط: کاربرد یا کاربردهای تحقیق

این تحقیق ضمن بازتعریف دقیقی از عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد تحقیقی تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی است از این رو می تواند کاربردهای متفاوتی در زمینه نوع همکاری های داخلی با پلیس بین الملل داشته باشد ضمن اینکه بررسی تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی در زمینه میزان عملکرد پلیس بین الملل در جلب افراد می تواند برای نیروی انتظامی داخلی نیز الگو و نمونه مناسبی را فراهم آورد.

ی: استفاده کنندگان از نتیجه پایان نامه

استفاده کنندگان از این تحقیق می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. نیروهای انتظامی داخلی و همچنین واحد پلیس بین الملل
۲. اساتید و دانشجویان دانشکده های فقه و حقوق و حتی حقوق بین الملل
۳. محاکم قضایی

بخش دوم: مفاهیم

گفتار اول: مفهوم عملکرد

مطلب اول: مفهوم لغوی عملکرد

عملکرد اسم مرکب به معنای نتیجه‌ی کار و میزان کار است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۶۳۷۲) و در اصطلاح هم همان معنای لغوی به کار برده می‌شود.

گفتار دوم: مفهوم پلیس

مطلب اول: مفهوم لغوی پلیس

واژه پلیس از Polity به معنای شکلی از حکومت یا یک هیأت سیاسی، گرفته شده است. پلیس کسی است که مأمور اجرای قانون است. ریشه این کلمه از کلمه یونانی Πόλις به معنی شهر گرفته شده است. (پلیس در جوامع توسعه یافته، ۱۳۸۴، ص ۵)

مطلب دوم: نیروی انتظامی به مفهوم اصطلاحی پلیس در ایران

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بخشی از نیروهای مسلح بوده و به مجموعه سه نیروی شهربانی، ژاندرمری و کمیته انقلاب اسلامی قدیم اطلاق که با تصویب قانون ناجا این سه نیرو در مورخه ۱۳۷۰/۱/۱۲ با هم ادغام و تشکیل نیروی واحدی بنام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که وابسته به وزارت کشور و تحت فرماندهی کل قوا می‌باشد. (فرخاری، ۱۳۸۸، ص ۸) ماده ۲ قانون ناجا مصوب سال ۱۳۶۹/۴/۲۷ در تعریف نیروی انتظامی اشعار داشته، «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور. تبصره: فرمانده آن نیز از طرف فرمانده کل قوا منصوب می‌شود.» ماده ۹ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۷، کارکنان نیروی انتظامی را کسانی دانسته که برابر شرایط و مقررات مندرج در این قانون یا قانون خدمت وظیفه عمومی به خدمت پذیرفته شده‌اند و شامل کارکنان پایور، پیمانی و وظیفه می‌باشند.

گفتار سوم: مفهوم بین الملل

مطلب اول: بین الملل در لغت

اسم مرکب یعنی میان ملت‌های مختلف، میان مردم سرزمینهای مختلف (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۲۸۵)

مطلب دوم: بین الملل در اصطلاح حقوقی

برای مثال حقوق بین الملل خصوصی قسمتی از علم حقوق است که روابط میان افراد ملت را با افراد خارجی معین می‌کند.

ریشه لغوی حقوق بین الملل را باید در کلمه لاتین *jus gentium* جستجو کرد. این کلمه به مفهوم حقوق بین الملل نزدیک تر است. در حقوق روم در مقابل *jus civil* (حقوق مدنی) بکار می رفت و چیزی جز قوانین ملی امپراطوری روم در ارتباط با روابط آن کشور با سایر کشورها و اتباع بیگانه نبوده است. حقوق بین الملل حقوق جامعه بین المللی است. یعنی مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر جامعه ی بین المللی حاکم است و در آن جامعه قابلیت اجرایی دارد. (حقوق بین الملل عمومی، ۱۳۸۶، ص ۲)

گفتار چهارم: مفهوم جلب

مطلب اول: جلب در لغت

جلب، در لغت به معنی طلب، کشش، جذب کردن و در اصطلاح حقوقی، کسی را از راه پله های قانونی به محاکمه فراخواندن است. (جعفری مجد، ۱۳۹۱، ص ۱۹)

مطلب دوم: جلب در اصطلاح حقوقی

جلب در حقوق کیفری نهادی مستقل است که دارای مفاهیم و تعریف خاص خود می باشد. قانونگذار در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تعریفی از آن ارائه نمی دهد و به ناچار برای درک این مفهوم باید به تعاریف ارائه شده از دکتربین مراجعه شود. برخی از حقوقدانان در ایران جلب را این گونه تعریف کرده اند: «دستگیری و محدود ساختن موقت آزادی رفت و آمد شخص». (خالقی، ۱۳۹۶، ص ۶۳) در این تعریف توجهی به دستور مقام قضایی نشده است و آن را با معنای دستگیری یکی دانسته است. برخی دیگر جلب را این گونه تعریف نموده اند «جلب و دستگیری، در مرحله تحقیقات مقدماتی، اقدامی است که به موجب آن، مظنون به طور موقت و به عنف برای تحقیقات در اختیار ضابطین و سپس مقام قضایی قرار می گیرد». (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵) در حقوق آمریکا جلب را این گونه تعریف نموده اند: دستور کتبی صادر شده توسط قاضی یا مقام مسئول دیگر که فرمان توقیف شخص خاص و همراهی وی تا قبل از دادگاه است (H. Lynch et al. 2008, State of New Hampshire: 38) مهمترین شاخص این قانون استنتاج تعریف دستگیری است که متضمن توقیف و همراهی وی تا نزد قاضی را دارد. در فرانسه حقوقدانان این کشور جلب را این گونه تعریف نموده اند: «دستور بازپرس به نیروی عمومی به هدایت فوری متهم به محضر اوست». (استفانی، بولوک، و لواسور، ۱۳۸۷، ص ۸۲۳)

ذکر کلمه بازپرس در این تعریف خصوصیت دارد یعنی مقنن در این کشور نظر است که فقط مقام تحقیق مجاز به دستور جلب است که می تواند قابل توجه باشد به اینکه در دادگاه نباید متهم را جلب کرد. چرا که دادگاه محل محاکمه است نه تحقیق. در هر حال معنای حقوقی جلب از معنی لغوی آن دور نیست. در مباحث حقوقی، منظور از جلب، اجرای دستور مقام قضایی پرونده کیفری مراجع قضایی به دستگیری اشخاص مذکور در قانون مثل متهم، شاهد، مطلع توسط ضابطین دادگستری و حاضر کردن بلافاصله آنها علی رغم میل شان در نزد مقام قضایی برای تحقیقات مقدمات، محاکمه و اجرای حکم است.

گفتار پنجم: مفهوم فقه

مطلب اول: فقه در لغت

فهمیدن چیزی، دانستن، دریافتن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۹۳)

مطلب دوم: فقه در اصطلاح حقوقی

فقه در اصطلاح علما این کلمه به فقه الحکام اختصاص یافته است. فقه در اصطلاح متداول امروزی عبارت است از علم به احکام شرعی عملی، به استناد مدارک و منابع تفصیلی مورد قبول. (آشنایی با علوم اسلامی، ۱۳۷۸، جلد ۳، ص ۶۹)

گفتار ششم: مفهوم جزا

مطلب اول: جزا در لغت

پاداش را جزاء گویند چون از حیث مقابله و برابری در آن کفایت هست. در قرآن مجید جزا هم در پاداش و هم در کیفر و عذاب هر دو آمده است. (مثل بقره ۱۹۱ و مائده ۲۹)

مطلب دوم: جزا در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح حقوقدانان رشته ای از حقوق عمومی است که حاوی قواعد و قوانینی است که انواع جرم و اجرای مجازات را در کشور تنظیم و تنسيق می کند و هدف آن جلوگیری از عملیاتی است که مخل نظم اجتماعی محسوب می شوند (عبدالحسین علی آبادی؛ ۱۳۷۳؛ ج ۱؛ ص ۱۲۶)

گفتار هفتم: مفهوم مذاهب اسلامی

مطلب اول: مذاهب اسلامی در لغت

مذاهب جمع مذهب به معنای عقیده، اصل، راه و روش است (سایت المعانی لکل رسم معنی) در مغرب زمین معادل واژه ی مذهب religion می باشد.

مطلب دوم: مذاهب اسلامی در اصطلاح

این اصطلاح در زبان عربی و فارسی به دو مفهوم به کار رفته است
مفهوم خاص که عبارت است از شاخه ای مخصوص از دین مانند مذاهب شیعه و تسنن نسبت به دین اسلام
مفهوم عام و کلی که با مفهوم دین مترادف و همسان است چنانکه گفته می شود مذاهب اسلام و مذهب زرتشت که مقصود دین اسلام و دین زرتشت می باشد. (ویکی فقه، دانشنامه ی حوزوی)

گفتار هشتم: مفهوم حقوق

مطلب اول: حقوق در لغت

حقوق عبارت است از مجموعه ی قوانین اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان برای برقراری قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می شود تا سعادت جامعه را تامین سازد. (فلسفه حقوق بشر، ۱۳۷۵، ص ۷۰)

مطلب دوم: حقوق در اصطلاح

حقوق در اصطلاح عبارت است از مجموعه ی قواعد و مقرراتی که بر روابط افراد یک جامعه در زمان معین به کار برده می شود. به دیگر سخن حقوق مجموعه ای از باید ها و نباید هایی است که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آن هستند و دولت ضمانت اجرای آن را بر عهده دارد مانند حقوق ایران، حقوق مصر. تقریباً همه ی جوامع انسانی از گذشته تا کنون به نوعی با این الزام های حقوقی همراه بوده اند.

در مفهومی دیگر حقوق به معنای علم حقوق است که منظور از آن دانش حقوق است و در مقابل سایر علوم و دانش ها به کار می رود، مانند علم روانشناسی و علم جامعه شناسی. در اسلام در این معنا واژه "فقه" را به کار برده اند. کسی که این دانش را دارد او را فقیه می نامند. (کریمی نیا، مجله معرفت؛ شماره ۷)

گفتار نهم: تاریخچه اینترپل^۲

با نگاهی گذرا به چگونگی شکل گیری سازمان بین المللی پلیس جنایی روشن می گردد که این سازمان چه مسیر پر پیچ و خمی را طی کرده است. نخستین کنگره ی بررسی مسائل مربوط به پلیس به دعوت پادشاه موناکو در سال ۱۹۱۴ و با حضور عده ایی از افسران عالی رتبه ی پلیس و حقوق دانان برگزار شد. بیشتر مسائل مورد بحث در این اجلاس حول محور چگونگی بازداشت مجرمان فراری، توسعه ی فنون مربوط به تشخیص هویت و ایجاد هماهنگی برای استرداد مجرمان بود. برگزاری این کنگره اولین تلاش برای شکل گیری سازمانی بود که نوعی پلیس بین المللی باشد. اما شروع جنگ جهانی اول ادامه ی این تلاش ها را برای چندین سال به حالت تعلیق درآورد. (کشکولیان، ۱۳۹۵، ص ۵)

بعد از جنگ جهانی اول و در سپتامبر سال ۱۹۲۳ میلادی دومین کنگره در کشور سوئیس و با حضور روسای پلیس کشورهای اتریش، دانمارک، مصر، آلمان، فرانسه، یونان و مجارستان برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس بر بی اثر بودن روش سنتی پلیس در برخورد با جنایات مجرمین، ایجاد یک سیستم جدید برای مقابله با جرایم و ضرورت ایجاد یک مجمع یا سازمانی بین المللی برای تبادل اطلاعات و اخبار پلیس در سطح بین الملل تبادل نظر کردند. بر این اساس کمیسیون بین المللی پلیس جنایی تاسیس و مقر آن شهر وین مقرر گردید. با شروع جنگ جهانی دوم بار دیگر فعالیت های سازمانی که می خواست یک سازمان بین المللی پلیسی را در مقابله با جرایم به وجود آورد به حالت تعلیق درآمده و از حرکت باز ایستاد. با شروع جنگ جهانی دوم بار دیگر فعالیت های سازمانی که می خواست یک سازمان بین المللی پلیسی را در مقابله با جرایم به وجود آورد به حالت تعلیق درآمده و از حرکت باز ایستاد.

اما بعد از جنگ جهانی دوم و با ابتکار رئیس پلیس بلژیک در سال ۱۹۶۴ کنفرانس بروکسل شکل گرفت. اساسنامه ی جدید مورد تصویب قرار گرفت و چندین کشور دیگر به این سازمان پیوستند. در همین راستا نام اختصاری اینترپل برای کمیسیون بین المللی پلیس جنایی انتخاب شد. اساسنامه ی جدید در ۱۹۶۵ اصلاح شد و کمیسیون بین المللی پلیس جنایی به سازمان بین المللی پلیس جنایی تغییر نام داد.

^۲ اسم کامل اینترپل، سازمان بین المللی پلیس جنایی است که عنوان انگلیسی آن INTERNATIONAL CRIMINAL POLICE ORGANIZATION می باشد

مقر جدید در سن کلود حومه پاریس برپا شد و پس از وقوع یک بمب گذاری از سال ۱۹۸۹ به لیون منتقل شد. اینترپل، بزرگترین سازمان پلیسی است و تنها دول بسیار اندکی باقی مانده که هنوز تصمیمی درخصوص عضویت اتخاذ نکرده اند. نگاهی به اسامی دول غیرعضو نیز نشان می دهد که آن ها اغلب جزو کشورهای ذره ای محسوب می شوند. اعضای اینترپل هم دولتی هستند هم غیر دولتی. (Shanks, and Kaplan 2001:43).

کشور ایران در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۳ به عضویت سازمان درآمد و از جمله نخستین دول عضو اینترپل به شمار می آید. لازم به ذکر است که به موجب پیمان ماستریخت (۱۹۹۲) توجه به این واقعیت ضروری است که سازمان در هیچ کشوری رأساً عملیات اجرایی از قبیل توقیف و دستگیری مجرمانی را که از سوی یک یا چند کشور دیگر تحت تعقیب باشند انجام نمی دهد. بلکه به عنوان یک هماهنگ کننده بین پلیس کشورهای عضو، این قبیل امور را تسهیل کرده و زمینه های تبادل اطلاعات و همکاری پلیس کشورهای ذیربط برای شناسایی و دستگیری این قبیل مجرمان فراهم می کند و عملیات اجرایی در هر کشوری صرفاً توسط همان کشور انجام خواهد شد. (نجابتی، ۱۳۸۲، صص ۳۴۵-۳۴۴)

به عبارت دیگر، اینترپل سازمانی مبتنی بر همکاری است و نباید آن را سازمانی فراملی پنداشت. در حقیقت «تلاش هایی که برای ایجاد سازمان های بین المللی فراملی به عمل آمده است، تا کنون راه به جایی نبرده و تنها در بخش کوچکی از قاره اروپا به ثمر رسیده است». (فلسفی، ۱۳۷۱، ص ۲۵) ملاحظه می گردد که اولاً سازمان بین المللی پلیس جنایی را کشورها تاسیس نکردند تا یک سازمان به اصطلاح حکومتی باشد و بنیان گذاران آن رؤسای پلیس شرکت کننده در کنفرانس یوین بودند. (کریمی، بیابانی، ۱۳۸۷) در نتیجه این نهاد بین المللی یک سازمان بین المللی غیر دولتی است.

دوما سازمان بین المللی پلیس جنایی وابسته به هیچ کشوری نیست و امور جاری خود را با هماهنگی با پلیس کشورهای مستقر در آن کشورها انجام می دهد. از این رو شاید بتوان گفت که نقش سازمان بین المللی پلیس جنایی ایجاد هماهنگی بین پلیس کشورهای عضو است. سازمان بین المللی پلیس جنایی که از این به بعد نام اختصاری آن اینترپل خواهد آمد دارای پرچم مخصوص به خود است.

گفتار دهم: شخصیت حقوقی اینترپل

در سال ۱۹۷۱ ترتیبات خاصی میان اینترپل و سازمان ملل متحد منعقد و متعاقباً اینترپل از وضعیت مشاوره ای خارج شد. در پنجاه و هشتمین جلسه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد قواعد مربوط به طرز کار آن شورا تغییر و ماده ۷۹ جدید به موجب ماده ۷۰ منشور ملل متحد مبنی بر عضویت سایر سازمان های بین الدولی تصویب شد. مطابق این ماده نمایندگان سازمان های بین الدولی مانند ناظران دائم منتخب مجمع عمومی و نمایندگان سایر سازمان های بین الدولی و یا نمایندگان موقت و یا دائم شورای امنیت که به دفتر شورای اقتصادی اجتماعی توصیه می شود در شورای امنیت با توجه به اهداف و فعالیت های آن سازمان ها شرکت می کنند. (لاله، ۱۳۹۵، ص ۳۵)

شناسایی اینترپل به عنوان یک سازمان بین المللی به همراه سایر بازیگران بین المللی به مانند شناسایی سازمان ملل متحد کار بسیار دشواری نبود. در بسیاری از موافقت نامه های همکاری که میان اینترپل و سایر سازمان های بین المللی منعقد شده است، شناسایی اساس نامه اینترپل به عنوان شرطی صریح درج شده است. بیان شده که اینترپل صراحتاً در توافقنامه میان اینترپل و سازمان کشورهای امریکایی سازمانی بین المللی شناسایی می شود و در موافقت نامه میان اینترپل و دفتر دادستان دیوان بین

المللی کیفری به روشنی به اساس نامه اینترپل به عنوان سازمان بین المللی اشاره شده است. صلاحیت ورود دفتر مذکور به توافقات بین المللی ناشی از پیش بینی اساس نامه ۱۹۹۸ رم می باشد. همچنین اساسنامه دیوان بین المللی کیفری اساسنامه اینترپل را در زمانی که درخواستی از آن برای تعقیب متهم دارد را مبنای شناسایی قرار داده است. (همان، ص ۳۶)

البته لازم به ذکر است که اینترپل چون از جانب رئیس پلیس کشورها نیز شکل گرفته و به گونه مستقل از بسیاری از محافظه کاری هاس سیاسی عمل میکند استقلال رای خود را در بسیاری از مواقع دارا می باشد. (مخدوم، ۱۳۸۷، ص ۹۵ و ۹۶)

گفتار یازدهم: ساختار و تشکیلات سازمان اینترپل

ارکان تشکیل دهنده سازمان پلیس بین المللی عبارتند از: (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۸)

۱. مجمع عمومی ۲. کمیته اجرایی ۳. دبیرخانه کل ۴. اینترپل کشورها ۵. مشاورین

مطلب اول: مجمع عمومی

برابر اصل ۶ اساسنامه سازمان، مجمع عمومی مرجع عالی اداره کننده اینترپل بوده و از هیأت های نمایندگی منصوب شده از جانب کشورهای عضو تشکیل می گردد. همچنین مطابق با اصل هفتم هر کشور عضو می تواند یک یا چند نماینده داشته باشد. اما فقط یک نفر که توسط مقام ذیصلاح کشور متبوع منصوب می گردد، ریاست هیأت نمایندگی را دارا خواهد بود. به دلیل ماهیت فنی سازمان کشورهای عضو باید تلاش کنند تا در هیأت نمایندگی خود افرادی با شرایط زیر حضور داشته باشند:

الف- مقامات عالی رتبه اداری که با امور پلیسی سر و کار دارند.

ب- مقامات رسمی که وظایف عادی آنان با فعالیت های اینترپل در ارتباط است.

ج- متخصصین در موضوعات دستور جلسه.

رئیس هیأت نمایندگی می تواند عضوی از آن هیأت را برای اقدام و رأی دادن به نیابت از کشور متبوعش در جلسات کمیته ها و سیر گروه ها تعیین کند. اجلاس مجمع عمومی به صورت سالانه برگزار می گردد. البته در صورتی که ضرورت اقتضاء کند، ممکن است بنا به درخواست کمیته اجرایی یا اکثریت اعضاء در طول سال نیز مجمع عمومی جلسه فوق العاده ای تشکیل دهند. (کریمی و بیابانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴)

لازم به ذکر است که مجمع تمام تصمیمات مهم راجع به سیاست گذاری، منابع، روش های کاری، منابع مالی، فعالیت ها و برنامه ها را اتخاذ می کند.

مطلب دوم: کمیته اجرایی

برابر اصل ۱۵ اساسنامه اینترپل کمیته اجرایی مرکب از رئیس سازمان، سه نایب رئیس و نه نفر نماینده می باشد که با دو سوم اکثریت آرای مجمع عمومی از میان نمایندگان از ۴ منطقه مختلف جهان انتخاب می شوند. براساس تصمیم مورخ اکتبر

۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان در دهلی نو، مقرر گردید که کنفرانس های منطقه ای به صورت منظم در ۴ قاره آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا برگزار می گردد. و آنها به عنوان کمیته های مجمع عمومی محسوب می شوند.

لازم به ذکر است که منطقه ای مجزا نیز با عنوان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تأسیس شده است. که متشکل از ۱۷ دولت (۱۲ دولت در خاورمیانه و ۵ دولت شمال آفریقا) بوده و ایران نیز در میان این کشورها قرار دارد. نهادهای منطقه ای وابسته به این بخش از سازمان، در ۴ کشور الجزایر، مصر، لبنان و امارات متحده عربی قرار دارند. این تقسیم بندی به هر منطقه ای امکان می دهد تا به نگرانی ها و انتظارات خاص خود توجه کند. و اولویت های مورد نظر خود را تعیین نماید. کمیته اجرایی، ارگان تصمیم گیرنده با مسئولیت محدود در برابر سازمان می باشد. در حالیکه مجمع عموم ارگان تصمیم گیرنده جامع و مطلق آن است. برابر اصل ۲۲ اساسنامه، وظایف کمیته اجرایی به شرح زیر است:

الف- نظارت بر اجرای تصمیمات مجمع عمومی

ب - تهیه دستور جلسه اجلاس های مجمع عمومی

پ - ارائه هرگونه برنامه کاری یا پروژه های مفید به مجمع عمومی

ت- اجرای کلیه اختیارات محول شده از طریق مجمع

ث- کمیته اجرایی می تواند اصلاحیه هایی برای اساسنامه و دیگر قوانین و مقررات (مقررات کلی، مقررات مالی، مقررات پرسنلی، دستورالعمل حذف اطلاعات پلیسی نگهداری شده توسط دبیرخانه و را پیشنهاد نماید.

ج- کمیته اجرایی در مورد موضوعات مربوط به امور مالی، تهیه پیش نویس بودجه، تصویب دستورالعمل کاربرد مقررات مالی، دبیرکل را راهنمایی می کند.

کلیه تغییر به عمل آمده بودجه در طی سال مالی را تصویب و درباره مجازات هایی که به خاطر حق عضویت های عقب افتاده در مورد کشورها باید اعمال گردد، تصمیم گیری می نماید.

ج - کمیته اجرایی نماینده ای را برای پست دبیرکلی، به مجمع عمومی پیشنهاد می نماید.

ح- کمیته اجرایی توسط یکی از اعضاء خود در هیأت نظارت بر کنترل داخلی آرشیو اینترنتی حضور می یابد.

مطلب سوم: دبیرخانه کل

دبیرخانه کل یک نهاد دائمی اداری، فنی می باشد که اینترنتی از طریق آن انجام وظیفه می نماید. دبیرخانه کل تصمیمات اتخاذ شده از سوی مجمع عمومی و کمیته اجرایی را به مرحله عمل در آورده، هماهنگی و نظارت و سرپرستی در زمینه مبارزه علیه بزهکاری بین المللی را بر عهده دارد. همچنین ضمن جمع آوری اطلاعات مربوط به جرم و مجرمین با مسئولین ملی و بین المللی تماس و ارتباط برقرار می سازد. دبیرخانه به وسیله دبیرکل که به پیشنهاد کمیته اجرایی و از سوی مجمع عمومی برای یک دوره پنج ساله انتخاب می شود، اداره می گردد. در حال حاضر «رونالد روبل» سمت دبیرکلی سازمان را بر عهده دارد. مقر دبیرخانه در لیون فرانسه واقع بوده و تمام سال و شبانه روز با مدیریت دبیرکل فعال است.

کارشناسانی از تقریباً ۸۰ کشور در سازمان به چهار زبان رسمی فعالیت می کنند. به عبارت دقیق تر تمام ۵۴۱ مقامی که در دبیرخانه، دفاتر منطقه ای و دفتر ملل متحد تا پایان سال ۲۰۰۶ کار می کردند، تبعه ی ۷۹ کشور جهان بوده و ۴۲ درصد آنها زن

هستند. همچنین سازمان دارای شش دفتر منطقه ای در آرژانتین، ساحل عاج، السالوادور، کنیا، تایلند و زیمبابوه بوده و یک دفتر ارتباطی در مقر ملل متحد در نیویورک دارد.

مطابق اصل ۳۱ اساسنامه، سازمان به منظور پیشبرد اهداف خود نیاز به همکاری مداوم و مستمر اعضای آن دارد که این خود همخوانی فعالیت های آن ها در سازمان اینترپل با قوانین کشورهای متبوع را می طلبد. برای نیل به این هدف هر کشور عضو باید هیأتی را که به عنوان «اداره کل مرکزی ملی» انجام وظیفه می کند تشکیل و معرفی نماید تا قادر به برقراری ارتباط با ادارات مختلف کشور متبوع و همچنین با دبیرخانه کل سازمان و اینترپل سایر کشورها باشد.

درخصوص کشورهایی که چنین همکاری تمرکز یافته ای را مجاز نمی دانند، دبیرخانه کل باید ضمن مذاکره با آنها، مذاکره، مناسبترین راهکار را اتخاذ نماید. کشور ما از راه حل معمول تبعیت نموده است. بر همین اساس اینترپل تهران تا سال ۱۳۷۰ به صورت یک دفتر تحت عنوان دفتر ارتباط پلیس بین الملل در اداره کل تشخیص هویت شهربانی سابق مستقر بوده لیکن بعد از ادغام نیروهای انتظامی و تشکیل نیروی انتظامی واحد با توجه به اهمیت وظایف محوله به صورت یک اداره کل تحت تابعیت معاونت تحقیقات و کشف جرایم وقت ناجا سازماندهی شد. از مرداد ماه سال ۱۳۷۷ با صلاحدید مسئولین ناجا ساختار سازماندهی اداره کل گسترش یافته و ضمن خارج شدن از تابعیت معاونت تحقیقات و کشف جرایم ناجا به صورت یک اداره کل مستقل با چهار اداره و چهار دایره مستقل، انجام وظایف محوله را عهده دار شد. لازم به ذکر است سی و هفتمین اجلاس اینترپل در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) با حضور نمایندگان پلیس ۱۰۳ کشور جهان در تهران برگزار شد. (کریمی و بیابانی، پیشین، ص ۲۳۲)

مطلب چهارم: مشاورین

سازمان ممکن است در امور علمی، فنی و تخصصی با مشاورین مشورت نماید. این مشاورین از بین افرادی انتخاب خواهند شد که دارای شهرت و اعتبار جهانی در برخی رشته های مورد نظر سازمان باشند. مشاورین برای مدت ۳ سال و توسط کمیته اجرایی منصوب می شوند.

فصل دوم:

وظائف و اختیارات پلیس

بین الملل

در این فصل وظایف و اختیارات اینترپل بررسی می گردد. ساختار اینترپل بیان و مهمترین وظایف و کارکردهای این نهاد بین المللی بیان می گردد. اهداف تاسیسی سازمان پلیس بین الملل که در اساسنامه این سازمان موجود است بیان و عملکرد سازمان در زمینه بازداشت و استرداد مجرمین تبیین می گردد. همچنین کارکرد پلیس بین الملل در انجام معاضدت های حقوقی بررسی خواهد گردید.

گفتار اول: اهداف و وظایف سازمان

در ابتدا توجه به این واقعیت لازم است که اساسنامه ی سازمان هر نوع مداخله یا فعالیت با خصیصه سیاسی، نظامی، مذهبی یا نژادی را ممنوع می کند. هدف اصلی سازمان، تسهیل همکاری بین المللی میان پلیس دولت هاست. حتی اگر روابط دیپلماتیک میان آنان وجود نداشته باشد. لذا اقدامات سازمان در چهارچوب محدودیت های موجود در قوانین انجام می شود.

بدیهی است که اینترپل یک سازمان همکاری جهت اجرای حقوق می باشد. موضوعی که در قطعنامه شماره ۱۶۹۹ بدان اشاره شده است. در این قطعنامه شورای امنیت بر این واقعیت تأکید می کند که تنبیهات و مجازات های شورای امنیت اغلب بایستی بر حسب مقررات و قواعد داخلی از جمله در مواردی که حقوق کیفری قابل اعمال است، اجرا شوند و این حقیقت را مورد اشاره قرار می دهد که همکاری فزاینده میان ملل متحد و اینترپل، اجرای آن بخش از قوانین دولتی را افزایش می دهد.

اهداف و وظایف سازمان را می توان در ۴ محور مورد مطالعه قرار داد.

۱. تأمین ارتباط جهانی میان پلیس کشورهای عضو.
۲. تأمین خدمات اطلاع رسانی و ایجاد پایگاه های اطلاع رسانی.
۳. ارائه خدمات حمایتی و پشتیبانی از عملیات های پلیس.
۴. آموزش و توسعه واحدهای پلیس.

البته یکی از مهمترین کارکردهای اینترپل معاضدت حقوقی و پلیسی نیز می باشد. نقش اینترپل در انجام معاضدات حقوقی و پلیسی و در تسهیل و تسریع تعاملات بین المللی در ابعاد جنایی و پلیسی بسیار مهم و تأثیرگذار است. همکاری فنی و تخصصی با سازمان های پلیسی داخلی و نهادها بین المللی با رعایت اصل احترام به حاکمیت کشورها و کنوانسیون ها بین المللی باعث برجستگی بیشتر نقش این سازمان بین المللی شده است. (فروغی، ۱۳۹۴، ص: ۶۹)

مطلب اول: تأمین ارتباط جهانی میان پلیس کشورهای عضو

توانایی پلیس جهت تبادل اطلاعات حیاتی به گونه ای سریع و مطمئن، جهت حفظ امنیت بین المللی و صلح پایه اصلی اجرای مؤثر حقوق بین الملل است. به همین دلیل است که اینترپل سیستم ارتباط جهانی ۱-۷/۲۴ را توسعه داده است.

این سیستم، دبیرخانه اینترنتی در لیون فرانسه را به دفاتر ملی اینترنتی^۳ در دول عضو و نهادهای منطقه ای متصل نموده و شبکه ای جهانی جهت تبادل اطلاعات پلیس فراهم می کند و به مقامات اجرا کننده قانون در دول عضو این امکان را می دهد که به پایگاه های اداری و دیگر خدمات دسترسی فوری داشته باشند.

اینترنت در تلاش است تا خدمات نوین و برنامه های آموزشی را توسعه دهد. تا استفاده کنندگان قادر به استفاده کامل از سیستم ۱-۷/۲۴ باشند. این سیستم در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد و کانادا اولین کشوری بود که به سیستم متصل گردید. و سومالی به عنوان آخرین دولت عضو در ۱۰ جولای ۲۰۰۷ از این امکان بهره مند گردید. اداره اینترنتی کشورمان نیز در سال اول راه اندازی این سیستم بدان ملحق شد.

این سیستم از آن جهت با اهمیت رخ می نماید که با تبادل اطلاعات مختلف میان کشورها ممکن است اطلاعات به ظاهر نامرتبط بتواند به تکمیل یک مجموعه تحقیقات کمک نموده و از کار فرو بسته ای گره بگشاید. می توان از این سیستم در دیگر نهادهای ملی مثل گمرک استفاده نمود. این سیستم به مأمور کنترل گذرنامه و یا مأمور مرزی اجازه می دهد به سرعت از جعلی یا مسروقه بودن گذرنامه شخص مظنون یا خودروی در حال گذر از مرز اطلاع حاصل نماید.

مطلب دوم: تأمین خدمات اطلاع رسانی و ایجاد پایگاه های اطلاع رسانی

جهت مبارزه با جرایم بین المللی که نقش مؤثری در از بین بردن امنیت نیز دارند، پلیس به اطلاعاتی نیاز دارد که او را در انجام تحقیقات یا اقدامات مربوط به جلوگیری از ارتکاب جرم کمک نماید. در این ارتباط، اینترنتی چندین پایگاه داده ها را اداره می کند که ادارات اینترنتی را در کلیه ی کشورهای عضو از طریق سیستم ارتباطات ۲۴-۷/۱ در دسترس قرار می دهد. و حاوی اطلاعات اساسی در مورد مجرمان و اقدامات مجرمانه می باشد. این اطلاعات عبارتند از:

بند اول: ایجاد شبکه اطلاع رسانی^۴

در این ارتباط، اینترنتی، پایگاهی اطلاعاتی در مورد گذرنامه، کارت های شناسایی و روایدهای مسروقه یا گم شده که از سوی کشورها گزارش داده شده اند را اداره می کند. این پایگاه افسر بررسی کننده را قادر می سازد تا سریعاً موضوع مسروقه بودن یا مفقودی بودن سند هویت را مشخص نماید. همچنین اطلاعات مشابهی در مورد اشیاء مسروقه و اشخاص فراری وجود دارد. استفاده از شبکه گدو سود اصلی دارد.

الف: دسترسی به اطلاعات بین المللی

ب: متصل شدن به سیستم موجود

^۳NBC

^۴mind/ find

^۵SLTD

^۶mind/find

این سیستم از سوی نهادهای و سازمان های مهم بین المللی از جمله گروه ۸، اتحادیه اروپا، گروه همکاری اقتصادی آسیا، اقیانوسیه، سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) و شورای امنیت سازمان ملل متحد (به موجب قطعنامه شماره ۱۶۱۷ مصوب ۲۹ جولای ۲۰۰۵) مورد حمایت قرار گرفته است.

بند دوم: جمع آوری اطلاعات در مورد مجرمان (از جمله اسامی و عکسها) و فراهم نمودن موجبات استرداد آنها از جمله مجرمان مالی

مفهوم لغوی استرداد عبارت است از: بازگرداندن، تسلیم شدن و باز فرستادن، پس فرستادگی اما در اصطلاح حقوق استرداد عبارت است از تحویل یک متهم یا فرد مجرم به کشوری که متهم یا مجرم در قلمرو آن کشور مرتکب جرم گردیده یا متهم به ارتکاب آن می باشد. پروفیسور گارو استرداد را چنین تعریف می کند: «قدرت هر کشور محدود است به سرحدات آن کشور ولی دولت ها برای اجرای احکام کیفری و قضایی خود با یکدیگر نوعی همکاری متقابل دارند که به این همکاری متقابل استرداد می گویند». (گارو، ۱۳۹۲، ص ۳۷۹-۳۷۸) در سال ۱۳۳۹ قانون استرداد مجرمین در ایران نیز تصویب شد. با بررسی تطبیقی که در قوانین چند کشور صورت گرفته نشان داده که تقریباً متن اکثر قوانین از یک الگوی مشابه تبعیت می کند. علت این امر بین المللی بودن موضوع قانون یعنی استرداد است. این قانون در ۲۶ ماده و یک تبصره به تصویب رسیده که در فصل اول آن شرایط استرداد در فصل دوم ترتیب استرداد معین گردیده و در ماده ۱ قانون مذکور چنین پیش بینی شده است: در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده، استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده یا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد، استرداد طبق مقررات این قانون و شرط معامله متقابل انجام خواهد شد. این ماده هم وضع معاهدات دو جانبه را مشخص نموده و هم اینکه چنانچه نقضی در قرارداد وجود داشته یا موردی در آن پیش بینی نشده باشد، برابر مفاد قانون عمل می شود. با توجه به این ماده از مواد قانون نتیجه می گیریم که منشأ و منبع حقوقی استرداد در کشور ما قراردادهای دو جانبه است. در صورتیکه با کشوری قرارداد دو جانبه استرداد منعقد نشده باشد برابر ماده یک مذکور می تون به شرط اقدام و عمل متقابل کشور درخواست کننده، نسبت به مسترد نمودن مجرمین فراری آن ها اقدام نمود. ادارات ملی اینترپل در کشورهای مختلف، بازوی اجرایی مقامات قضایی کشورها در امر استرداد می باشند. و وظیفه ی مکاتبات اولیه جهت جستجوی متهم یا مجرم فراری را بر عهده دارند. فعالیت های اولیه این سازمان از طریق ارتباط با کشوری که مجرم یا متهم بدانجا پناهنده شده می باشد. و اقدامات تکمیلی و مؤثر از طریق دیپلماتیک انجام می شود. (عباسی، ۱۳۷۳، ص ۹۵)

بند سوم: صدور گواهی سوء پیشینه برای اتباع مقیم خارج از سوی ادارات ملی اینترپل

بر این اساس، اداره کل پلیس بین الملل برای کلیه هموطنان مقیم خارج از کشور و نیز اتباع خارجی که مدتی در ایران اقامت داشته اند و متقاضی دریافت گواهی عدم سوء پیشینه می باشند، در صورت نداشتن سوء سابقه و نیز با رعایت مقررات و تأیید نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با هماهنگی ادارات ذیربط گواهی عدم سوء پیشینه به زبان انگلیسی صادر می کند.

بند چهارم: ثبت اطلاعات در مورد اسناد مسافرتی مسروقه یا گم شده

از سال ۲۰۰۲ و پس از روشن شدن ارتباط میان عملیاتهای تروریستی و استفاده از اسناد جعلی مسافرتی، شورای امنیت به موجب قطعنامه شماره ۱۶۱۷ مورخ ۲۹ جولای ۲۰۰۵ از دول عضو خواسته تا در چهارچوب اینترپل بویژه از طریق استفاده از پایگاه های اطلاعاتی اینترپل نسبت به حفظ اطلاعات در مورد اسناد مسافرتی مسروقه یا گم شده جهت تقویت اجرای اقدامات علیه القاعده، اسامه بن لادن و طالبان و دیگر سازمان های مربوط با همدیگر همکاری نمایند.

بند پنجم: اقدام در خصوص ردیابی و استرداد آثار هنری و فرهنگی مسروقه

سرقت از آثار هنری از جمله جرمی محسوب می شود که به علت اثرات جبران ناپذیر آن در میراث فرهنگی کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین علت اینترپل دارای یک بایگانی ویژه برای آثار هنری سرقت رفته، بوده و تلاش های فراوانی برای بخشنامه کردن این مسایل به کشورهای عضو به عمل می آورد.

اینترپل هر ساله دوبار، یک پوستر حاوی عکس و شرح شش عدد از آثار هنری مسروقه را برای جلب اذهان به اهمیت مسأله، انتشار می دهد. بدیهی است که در انجام این مهم، «وجود حسن تفاهم بین کشورها بویژه بین کشورهای متقاضی و درخواست شونده نقش اصلی را دارد». (قربان حسینی، ۱۳۷۰، ص ۴۱) فی الواقع این کار در جهت تقویت صلح میان کشورها انجام می یابد تا دولت ها علاوه بر احترام به آثار فرهنگی و هنری، اقدامات لازم را جهت برطرف نمودن هرگونه سوء تفاهم بین المللی ایفاء نمایند.

مطلب سوم: ارائه خدمات حمایتی و پشتیبانی از عملیات های پلیس

اینترپل در پی آن است که نقش ادارات ملی اینترپل و نهادهای منطقه ای آن را افزایش داده و پاسخ دبیرخانه کل به نیازها و درخواست های آنان را گسترش دهد. این اقدامات از جمله شامل توسعه حمایت های اورژانسی و فعالیت های عملیاتی می گردد که در حوزه های اولویت دار برخورد با جرایم منعکس می گردد. که می توان آن را در چند محور بررسی نمود.

- مرکز فرماندهی و هماهنگی (CCC) بیست و چهار ساعته به چهار زبان اصلی سازمان به فعالیت می پردازد. و اولین نقطه ارتباط با دولت عضو به هنگام مواجه با وضعیت بحرانی است اعضاء این مرکز بر کانالها و پیام های جدید اینترپل که میان دول عضو مبادله می شود نظارت می کند تا منابع کامل سازمان هروقت و هرکجا که لازم باشد در دسترس و آماده باشد.

- اگر یک جمله تروریستی یا بیماری طبیعی رخ دهد (CCC) و گروه «حمایت از رفع بحران» بسیج شده و واکنش سازمان را پیشنهاد داده و آن را هماهنگ سازد. تمامی پیام ها و تقاضاهای اطلاعات و کمک از سوی دولت آسیب دیده در اولین وقت بررسی می گردد.

- به علاوه، «تیم های واکنش به اتفاقات» و «شناسایی قربانیان حادثه» متشکل از افسران حاضر در دبیرخانه و دول عضو ممکن است ظرف چند ساعت پس از وقوع حادثه به صحنه فرستاده شوند. همچنین (CCC) می تواند نقشی هماهنگ کننده را ایفاء کند. اگر حمله یا حادثه به چند کشور مربوط شود.

- دیگر جزء از این وظیفه اساسی، سیستم هشدار اینترنتی می باشد که جهت مراقبت پلیس از فراریان، تروریست های مظنون، مجرمان خطرناک، اشخاص گم شده یا سلاح های تهدید کننده صادر می گردد. در حال حاضر شش کد هشدار وجود دارد. (قرمز، آبی، سبز، زرد، مشکی و نارنجی) علاوه بر هشدارهای مذکور؛ «اعلان خاص اینترنتی - ملل متحد» برای گروه ها یا افراد وابسته به القاعده و طالبان صادر می شود که از سوی سازمان ملل متحد تحت تعقیب قرار دارند. هشدارهای مذکور از اهمیت بسیار خاصی برخوردار است و در تأمین تعقیب و النهایه استرداد مجرمان از جمله تبهکاران مالی، نقشی به سزا ایفاء می نماید.

گفتار دوم: جرایم موضوع صلاحیت سازمان

اینترنت در سالهای اخیر به عنوان پل ارتباطی مابین کشورها در تعقیب و استرداد مجرمان عمل کرده است. کنوانسیون های بین المللی نیز به نوعی به این سازمان جهانی پلیسی اختیارات ویژه ای برای هماهنگی و معاضدت های لازم اعطا نموده است.

مطلب اول: مواد مخدر

ماده هفتم کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر در بند هشتم خود به نقش مهم اینترنتی در مواقع ضروری و حفظ ارتباطات مکرر در این مورد اشاره می کند. (UN Convention Against Illicit Trafficking in Narcotic Drugs and) Article 7(8) (Psychotropic substances (Viena-1988)) مهمترین مواد مخدر مورد تاکید اینترنتی شامل حشیش، کوکائین، هروئین و داروهای روانگردان می باشد.

الف: کوکائین: سالانه میلیاردها دلار در جهان از طریق قاچاق این ماده از سوی گروه های تبهکار تحصیل می گردد. سه کشور کلمبیا، پرو و بولیوی بزرگترین منابع اولیه کشت برگ کولا هستند. ۸۷ درصد کوکائین جهان در قاره آمریکا بویژه در ایالات متحده و پس از آن در کشورهای کلمبیا، پرو، بولیوی، ونزوئلا، مکزیک و برزیل مصرف می شود و نزدیک به ۱۳ درصد در قاره اروپا و به ترتیب در کشورهای اسپانیا، هلند، ایتالیا، فرانسه و آلمان مصرف می گردد. (<http://www.interpol.int/Public/Drugs/cocaine/default.Asp>)

ب: هروئین: سه ناحیه عمده تولید هروئین در جهان عبارتند از:

۱. آسیای جنوبی غربی (افغانستان)
۲. آسیای جنوب شرقی (میانمار: منطقه مرزی میان میانمار، تایلند و لاوس)
۳. آمریکای لاتین (کلمبیا و مکزیک)

لازم به ذکر است که تولید هروئین در آسیای جنوب شرقی برخلاف جنوب غربی در حال کاهش است. در زمان حکومت طالبان، بر اثر صدور فتاوی شرعی از سوی علمای این گروه، تولید هروئین کاهش یافت. اما پس از اشغال این کشور مجدداً افزایش یافت و نزدیک به ۹۰ درصد میزان تولید را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۰۶ سطح زمین های زیر کشت تریاک در افغانستان ۵۹ درصد افزایش داشته و به ۱۵۶ هزار هکتار رسیده است. انتقال هروئین افغانستان به اروپا از طریق ایران، پاکستان و آسیای مرکزی انجام می شود. و ۴۰ درصد مواد هروئین و مورفین از خاک ایران منتقل می شود. مرکز مصرف عمده هروئین اروپاست که یک سوم هروئین جهان را تولید می کند.

مطلب دوم: جرایم مالی

بند چهارم از ماده هجدهم کنوانسیون بین المللی منع حمایت مالی از تروریسم مصوب سال ۱۹۹۹ هر نوع درخواست مبارزه با تروریسم مالی را از طریق معجری اینترپل قابل اعمال می داند. Draft International Convention for the suppression of Terrorist Financing (1999) (A.C.6/54/c.16) Article 18 از مهمترین این جرایم می توان به: جعل اسکناس، پولشویی، قاچاق کالا؛ جرایم مربوط به مالکیت معنوی، کارت های اعتباری و جرایم ناشی از کاربرد فناوری های جدید اشاره کرد.

مطلب سوم: جرایم علیه امنیت عمومی و تروریسم

مبارزه با تروریسم در دهه ۹۰ میلادی شدت گرفت. از جمله شورای امنیت با صدور قطعنامه های ۱۲۶۷ (مصوب ۱۹۹۹)، ۱۳۳۳ (مصوب ۲۰۰۰)، ۱۳۹۰ (مصوب ۲۰۰۲)، ۱۴۵۵ (مصوب ۲۰۰۳)، ۱۵۲۶ (مصوب ۲۰۰۴)، ۱۶۱۷ (مصوب ۲۰۰۵) و ۱۷۳۵ (مصوب ۲۰۰۶) به این معضل واکنش نشان داد و اینترپل با کمیته ۱۲۶۷ شورای امنیت که مسئول تهیه لیست افراد و سازمان های مرتبط با القاعده و طالبان و اجرای مجازات ها علیه افراد و نهادهای متصل به القاعده و طالبان می باشد همکاری به موجب درخواست شورای امنیت در قطعنامه شماره ۱۶۱۷ مورخ ۲۹ جلائی ۲۰۰۵ و پذیرش این درخواست از سوی مجمع عمومی اینترپل، نوع خاص از اعلان های بین المللی اینترپل با عنوان (اعلان های ویژه شورای امنیت، اینترپل) ایجاد گردید که در سال ۲۰۰۶، ۲۷۳ مورد از این نوع اعلان ها صادر پیشد.

در مورد افراد و سازمان های مرتبط با القاعده و طالبان صادر می گردد که اسامی آن ها از سوی کمیته ۱۲۶۷ صادر شده است و شمار آن ها به این ترتیب اعلام شده است:

الف: لیست افراد وابسته به طالبان: ۱۴۲ نفر.

ب: لیست افراد وابسته به القاعده: ۲۳۰ نفر.

ج: لیست تشکیلات وابسته به طالبان: صفر.

د: لیست تشکیلات وابسته به القاعده: ۱۱۲ تشکیلات.

همچنین شورای امنیت قطعنامه ۱۶۹۹ را جهت افزایش همکاری میان ملل متحد و اینترپل صادر نمود. اینترپل همکاری های وسیعی با شورای امنیت در مبارزه با این معضل جهانی انجام داده است. که می تواند به صدور ۱۳ قطعنامه از سوی این سازمان در خصوص انواع و اشکال مختلف تروریسم از جمله مبارزه با تروریسم هسته ای و رادیولوژیکی (با کمک سازمان بین المللی انرژی اتمی) و تروریسم با استفاده از جنگ افزارهای میکروبی اشاره نمود. ([http:// www. interpol. int/. Public/ Terrorism / default. Asp](http://www.interpol.int/Public/Terrorism/default.Asp))

همچنین اینترپل اقدام به برگزاری دو کنفرانس بین المللی موفق در این خصوص در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ با گردهمایی صدها پلیس ارشد و کارشناس نموده است تا راهنمایی های لازم را به دولت ها در مواجهه با این تهدید ارائه دهند.

۴. قاچاق انسان از جمله قاچاق زنان و کودکان.

۵. مجرمان فراری:

بازداشت و دستگیری مجرمان فراری از طریق صدور اعلان نامه ها بویژه اعلان نامه قرمز انجام می پذیرد. اینترپل در راستای تأمین مؤثرتر دستگیری مجرمان فراری، (بخش تحقیقات مربوط به مجرمان فراری) را تأسیس نموده است. در سال ۲۰۰۷ نزدیک به ۲۰ هزار اعلان نامه صادر شده که به بازداشت ۵۲۰۰ نفر انجامیده است. از سال ۲۰۰۰ شاهد روند رو به افزایش بازداشت های صورت گرفته براساس اعلان های قرمز هستیم. به این ترتیب سال ۲۰۰۰، ۵۳۴ مورد، سال ۲۰۰۱، ۱۵۵۴ مورد، سال ۲۰۰۲، ۱۶۶۷ مورد، سال ۲۰۰۳، ۲۳۵۷ مورد، سال ۲۰۰۴، ۲۴۰۰ مورد، سال ۲۰۰۵، ۳۵۴۵ مورد و در سال ۲۰۰۶ بازداشت ها نزدیک ۴۲۵۹ نفر بوده است. اینترپل با دادگاه های کیفری بین المللی مثل یوگسلاوی، رواندا و سیرالئون همکاری نزدیک داشته است. لیست رسمی اسامی اشخاص فراری در سایت اینترپل قرار داده شده است و دولت ها با پلیس محلی که شخص به آنجا فرار کرده است رجوع می کنند. دولت اروپایی، سه دولت آمریکای، استرالیا و هند در قاره آسیا نیز از سایت ملی مربوط به اشخاص فراری برخوردار هستند. دادگاه های ویژه کیفری بین المللی (یوگسلاوی سابق و رواندا) نیز در سایت رسمی خود نام اشخاص مورد تعقیب را منتشر نموده. و از جمله از اینترپل نیز جهت دستگیری این اشخاص درخواست کمک دارند. ([http:// www. interpol. int/. Public/Wanted/ fugitive Invest Serv. Asp](http://www.interpol.int/Public/Wanted/fugitive%20Invest%20Serv.Asp))

مطلب چهارم: ژنوساید و جنایات علیه بشریت

در جهت مبارزه با جنایات مهم فوق الذکر، اولین اجلاس بین المللی کارشناسان جنایات جنگی، ژنوساید و جنایات علیه بشریت در لیون فرانسه در روزهای ۲۳ تا ۲۵ مارس ۲۰۰۴ برگزار گردید و در آن ۹۳ کارشناس و ناظر از ۳۹ دولت و سازمان بین المللی شرکت نمودند. متعاقب برگزاری این اجلاس، در روزهای ۲۱ و ۲۲ جولای ۲۰۰۴ و در اجرای توصیه نامه شماره ۹ اجلاس کارشناسان، اولین جلسه گروه کاری در مقر دبیرخانه برگزار شد و ۱۴ هیأت نمایندگی از ۱۲ کشور و دو سازمان بین المللی در آن شرکت نمودند. (وسفی ۱۳۹۶)

همچنین در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۴ مجمع عمومی سازمان قطعنامه ای صادر نمود و به دفاتر ملی دول عضو توصیه نمود تا در چهارچوب مقررات داخلی و بین المللی با همدیگر و با سازمان های بین المللی و دادگاه های ویژه و سازمان های غیردولتی در

جهت جلوگیری از ارتکاب جنایات ژنوسید، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی و تعقیب و محاکمه مجرمان همکاری نمایند و نمایندگان مجمع عمومی به سازمان اجازه دادند که با ICC موافقتنامه همکاری دو جانبه علیه جرایم فرامرزی منعقد نمایند. این موافقتنامه به ICC اجازه دسترسی به شبکه ارتباطی و پایگاه های اطلاع رسانی اینترپل را می دهد. لازم به ذکر است که دومین اجلاس گروه کاری نیز در دبیرخانه سازمان در روزهای ۲۳ و ۲۴ فوریه ۲۰۰۵ برگزار شده است. (<http://www.interpol.int/Public/CrimesAgainstHumanity/default.Asp>)

گفتار سوم: اهم مأموریت های سازمان پلیس بین الملل و اینترپل ایران

در خصوص مأموریت های سازمان جهانی پلیس جنایی باید چنین عنوان نمود که این مأموریت ها به صورت سالانه و همزمان با برگزاری مجامع عمومی به طور فزاینده ای توسعه داده می شوند و در هر اجلاس قطعنامه ای در خصوص فعالیت های مرتبط با پلیس و معاضدت های قضایی به این سازمان محول می گردد. در هر حال می توان اهم فعالیت های این سازمان را به شرح ذیل طبقه بندی نمود. هرچند به علت پویایی این سازمان و وجود جرائم بین المللی جدید شاید بتوان از منظری دیگر نیز این وظایف را دسته بندی نمود.

۱. پیگیری کلیه امور پلیسی در سطح دنیا
۲. ایجاد بانک اطلاعاتی از اطلاعات واصله از کشورهای عضو در زمینه های مختلف از جمله سیاهه مجرمین بین المللی، اتومبیل های مسروقه، اموال فرهنگی مسروقه و... به منظور بهره برداری کشورهای عضو.
۳. برگزاری سمینارها و کنفرانس های بین المللی در زمینه های فنی و تخصصی پلیسی.
۴. تدوین و انتشار پولتن های تخصصی در زمینه جرائم بین المللی.
۵. همکاری با کشورها در زمینه مبارزه با جرائم سازمان یافته بین المللی نظیر قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، پولشویی، تروریسم، جرائم رایانه ای، جرائم زیست محیطی و ...
۶. مدرن سازی فرایندها و ایجاد شبکه های ارتباط رایانه ای با ادارات پلیس بین الملل کشورهای عضو.
۷. تبادل اطلاعات علمی و تکنولوژی در زمینه های مختلف پلیسی و کشف علمی جرائم.
۸. صدور اعلان های بین المللی بنا به درخواست کشورهای عضو.

جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای قدیمی سازمان بین المللی پلیس جنایی به شمار می رود و برابر سوابق موجود در سازمان پلیس بین الملل تاریخ رسمی عضویت پلیس بین الملل تهران سال ۱۹۳۸ (مطابق ۱۳۱۷ هجری شمسی) می باشد. در حال حاضر پلیس بین الملل تهران تنها کانال ارتباطی رسمی مراجع انتظامی و قضایی داخل کشور با خارج از کشور بوده و از طریق سیستم رایانه ای اختصاصی به صورت لحظه ای با کشورهای عضو و دبیرخانه کل سازمان ارتباط دارد. اهم مأموریت های پلیس بین الملل ناجا عبارتند از:

۱. همکاری با مقامات قضایی در زمینه استرداد مجرمین.
۲. پیگیری جرائم ایرانیان در خارج از کشور.
۳. انعکاس جرائم اتباع بیگانه در جمهوری اسلامی ایران به کشور متبوع آن‌ها.
۴. تبادل اطلاعات پلیسی با دبیرخانه مرکزی سازمان پلیس بین الملل و پلیس بین الملل کشورها در کلیه زمینه های مرتبط با امور پلیسی.
۵. همکاری با پلیس بین الملل کشورها در خصوص مبارزه با جرائم سازمان یافته بین المللی.
۶. صدور گواهد عدم سوء پیشینه به زبان انگلیسی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور.
۷. استعلام سوابق کیفری اتباع کشورهای خارجی، حسب خواسته مراجع قضایی و انتظامی از کشور متبوع آن‌ها.
۸. اقدام در خصوص ردیابی و شناسایی گمشدگان ایرانی در خارج از کشور و اتباع خارجی گمشده در داخل جمهوری اسلامی ایران.
۹. اعلام مشخصات آثار فرهنگی و هنری مسروقه به سایر کشورها و اقدام در جهت ردیابی و کشف آثار هنری مسروقه اعلامی از طرف سایر کشورهای عضو پلیس بین المللی در داخل کشور.
۱۰. ایجاد هماهنگی های لازم برای شرکت نمایندگان ناجا در کنفرانس ها و سمینارهای بین المللی.
۱۱. پیگیری جرایمی که در چند کشور به وقوع پیوسته و به نحوی با منافع یا اتباع جمهوری اسلامی ایران مرتبط باشد.

۲-۴- عملکرد پلیس بین الملل در معاضدت قضایی مرتبط با مجرمین

همانگونه که در بالا نیز بیان گردید پلیس بین الملل در روابط خود با کشورها سعی نموده است که با حفظ ارتباطات منسجم از طریق دفاتر خود و دفتر مرکزی نقشی مستمر و مفید در تعقیب، دستگیری و استرداد مجرمین داشته باشد. در زیر به اهم این معاضدت ها اشاره خواهیم نمود.

گفتار چهارم: ضرورت انجام معاضدت های حقوقی

جهانی شدن و گسترش علوم ارتباطی همچنان که فرصت رشد مناسبات و همکاری های سازنده میان کشورها را فراهم کرده است باعث تحول های عمیقی در ماهیت پدیده مجرمانه شده است تا جایی که نرخ کم و سطح کیفی ارتکاب انواع جرائم را با افزایش چشمگیری رو به رو نموده است. بارزترین نمونه قابل اشاره در تأیید مطلب فوق در عصر حاضر، به وجود آمدن جرائمی است که در فضای سایبری ارتکاب یافته و به جرائم اینترنتی نیز معروف شده اند.

هرچند تنوع و تفاوت های حاکم بر جوامع از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و گوناگونی ساختارهای حقوقی و پلیسی از موانع انجام همکاری های محسوب می شود. وی حساسیت دول بر اصول حاکمیتی خود و تمایل کشورها در حفظ منافع مشترک در سطوح ملی و بین المللی، جامعه جهانی را به انجام معاضدات حقوقی و پلیسی از نظام همکاری بین المللی در قلمرو کیفری زاییده هم محدودیت و هم ضرورت رویارویی با بزهکاری فراملی است. محدودیت، زیرا قلمرو حاکمیت دولتها بیرون از سرزمین در تلاقی با حاکمیت دولت دیگر متوقف می ماند و هرگز مأموران یک دولت بدون استعانت از قوای عمومی دولت بیگانه نمی توانند به ساده ترین صورت های معاضدت نظیر احضار متهم، ضبط اموال و ابلاغ احکام و غیره بپردازند. ضرورت، زیرا منافع دولت ها ایجاد می کند که خود را به قواعدی پایبند کنند که ضامن و حافظ منافع مشترک همه آنهاست. پس به منظور حفظ اصول حاکمیت دولت ها می بایست همکاری های مشترک بین نهادهای مختلف بین المللی افزایش یابد. (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۴۰)

مطلب اول: مصادیق عملی معاضدت های حقوقی

معاضدت حقوقی دارای مصادیق فراوانی می باشد که با توجه به اهمیت موضوع به بحث درباره اهم آن ها می پردازیم:

بند اول: شهادت یا توضیحات از اشخاص

شهادت در لغت به معنای حضور و معاینه و اطلاع است و شاهد کسی است که بر امری شهادت می دهد و ادای شهادت کرده باشد یا تحمل شهادت، یعنی امری را احساس یا از آن اطلاع کرده باشد. (جعفری لنگرودی؛ ۱۳۸۲، برابر معنای شهادت)

این نوع معاضدت با توجه به اینکه از ادله های مهم اثباتی است. و در سیستم های حقوقی به اجرای عدالت کمک فراوانی می کند. در این عللی به صورت مکرر مورد تأیید قرار گرفته است. از جمله ماده یازدهم الگوی معاضدت متقابل در امور جنایی که به توصیه هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین (قطعه نامه ۱۱۷/۴۵ منبع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰) به تصویب رسید در خصوص نحوه شهادت در کشور دیگر بیان می دارد دولت متقاضی عنه مطابق قوانین خود و بنا به درخواست دولت متقاضی شهادت رسمی با قید سوگند یا اظهارات شخصی را اخذ یا از آن ها می خواهد و سایل خود را برای انتقال به دولت متقاضی ارائه نمایند. (UN treaty on mutual Assistance in criminal matters, network, 19 December 1990, Article 11)

این افراد فارغ از هرگونه تهدید احتمالی برای خود یا افراد خانواده از سوی مجرمان در مراجع قضایی و انتظامی حاضر شوند و به اجرای عدالت کمک کنند. در بند یک ماده ۷۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در این باره تأکید دارد که دیوان با همکاری سایر کشورها می بایست تدابیر مناسب را به منظور و حفظ امنیت و سلامت جسمی، روانی، روحی و شأن امور شخصی مجنی علیهم و شهود اتخاذ کند. (Rome, of the international criminal court (Rome, 1998), Article 68)

در این باره و به منظور استقرار عدالت کیفری بحث حفظ امنیت شهود و بزه دیدگان مسئله بسیار مهمی است. لذا لازم است که زمینه ای فراهم گردد که در این راستا در ماده ۱۸ کمیسیون پالمو؛ به منظور کاهش اطاله دادرسی، کاهش هزینه های سفر،

حفظ امنیت شهود و بزه دیدگان و کارشناسان، حفظ آزادی های شخصی افراد و افزایش اعتبار گواهی شهود درباره اخذ شهادت شهود با استماع نظرات کارشناسان به شیوه های جدید مانند استفاده از کنفرانس ویدئویی زنده یا ارسال از طریق ضبط به مراجع رسیدگی کننده اشاره گردیده است.

سازمان پلیس بین المللی جنایی با در اختیار داشتن امکانات و فناوری های ارتباطی و مخابراتی پیشرفته می تواند در این باره با همکاری نهادهای ملی و بین المللی زمینه ساز تحولی بزرگ در این زمینه باشد. علاوه بر این که ضرورت نیاز به بازنگری در قوانین داخلی کشورها در مورد استناد پذیری ادله الکترونیکی نیز درباره اخذ شهادت یا توضیحات از اشخاص امری اجتناب ناپذیر است.

بند دوم: تأمین اطلاعات و اسناد

در اصطلاح آیین دادرسی کیفری تأمین دلیل، صورت برداری دادگاه به تقاضای ذی نفع از دلایل اثباتی قبل از نیاز به اثبات به منظور حفظ آن از زوال است. با توجه به اهمیت تأمین اطلاعات، دلایل و اسناد معتبر در اثبات جرائم و اجرای عدالت این نوع معاضدت در فرایند دادرسی بسیار مهم و تأثیرگذار می باشد، ماده ۱۰ کنوانسیون معاضدت متقابل و همکاری بین ادارات گمرکی (بروکسل، ۱۹۹۷) در این باره بیان می دارد بنا به درخواست مقام متقاضی، مقام و ظرف تقاضا همه اطلاعاتی را که ممکن است وی را قادر به کشف و تعقیب جرائم نماید به مقام متقاضی عهه مخابره خواهد نمود. (Convention on Mutual Assistance and cooperation between customs Administration , brussels T 1997 (article 10

دفاتر ملی مرکزی پلیس بین الملل با ایجاد شبکه ارتباطی پیشرفته بین دبیرخانه کل و کشورهای عضو و ایجاد زمینه های مناسب در محدوده ای وسیع می تواند در امر تأمین اطلاعات، اسناد و تبادل سریع و دقیق آن ها با استفاد از ظرفیت ها و امکانات وسیع و پیشرفته خود نقش مهمی را ایفاء کند.

بند سوم: اجرای احکام اجرایی و انتقال محکومین به حبس

اجرای سریع احکام اجرایی بخصوص در محل های ارتکاب جرم و با توجه به اثرگذاری وسیع جرائم بر افکار عمومی جامعه، علاوه بر بازدارندگی و جنبه پیشگیرانه، موجب پریشانی خاطر بازدارندگان و عبرت و ارعاب سایر مجرمان خواهد گردید، بدین منظور تمام نمادهای حقوقی و پلیسی مؤثر در این خصوص می بایست زمینه های این نوع معاضدت را فراهم کرده و سعی کنند با استفاده از روش های جدید و بدیع احکام جزایی را به اجرا درآورند.

انتقال محکومین به حبس از موارد دیگر معاضدات حقوقی است که در اسناد بین الملل زیادی به آن اشاره شده است از جمله الگوی سازمان ملل برای انتقال زندانیان خارجی در خصوص انتقال محکومین به حبس است، (کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داورى بین المللی - نیویورک - ۱۹۵۸) که به طور ماهرانه ای تنظیم شده است و با توجه به اهمیت موضوع به چند بند آن اشاره می کنیم:

الف - انتقال زندانیان باید براساس احترام متقابل به حاکمیت و صلاحیت ملی انجام شود.

ب - تصمیم به انتقال زندانی باید بدون تأخیر انجام شود.

ج - انتقال ممکن است براساس توافق دولت فرستنده یا اجرا کننده یا شخص زندانی انجام شود.

د - باید دولت اجرا کننده مجازات، فرصت بررسی رضایت آزادی زندانی را به وی دهد.

انجام هماهنگی ها و همکاری های لازم برای حفظ، نگهداری و انتقال مجرم و جلوگیری از فرار آن بین نهادهای مجری قانون و دیگر ارگان ها مانند سازمان های حمل و نقل اعم از هواپیمایی، دریایی یا زمینی از وظایف ذاتی و اولیه دفاتر ملی مرکزی و دبیرخانه کل می باشد.

بند چهارم: بازرسی اشیاء و اماکن

یکی از موارد حائز اهمیت در کشف جرائم، بازرسی اشیاء و اماکن مورد استفاده در ارتکاب جرم توسط مجرمین بوده که در جرائم بین المللی به علت انتقال و استفاده از اشیاء و فراوانی به کارگیری اماکن از اهمیت به سزایی برخوردار است. در همین راستا بند دوم ماده ۱۸ طرح معاضدت حقوقی بین کشورهای مشترک المنافع بیان می دارد در درخواست های بازرسی اشیاء و اماکن می بایست به نحوه مناسب تعیین کننده موارد ذیل باشد:

الف - اسناد، سوابق یا اموالی که باید بازرسی شود.

ب - نمونه اموالی که باید بررسی، بازرسی یا انتقال شوند.

ج - محلی که باید دیده و یا عکسبرداری شوند.^۷

اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز بیان می دارد بررسی اماکن یا مراکز بخصوص نبش قبر و آزمایش اجساد مدفون در گودال های دسته جمعی یکی از موارد همکاری دولت ها با دیوان است. پلیس بین المللی با ارائه آموزش های لازم با استفاده از آزمایشگاه و پایگاه های قوی اطلاعاتی می تواند نقش مهمی را در این زمینه ایفاء نماید.

بند پنجم: ابلاغ اوراق قضایی

ابلاغ یعنی رساندن یک سند رسمی به اطلاع شخصی یا اشخاص معین با رعایت تشریفات قانونی و خاص. این عمل در سطح ملی با توجه به همکاری های نزدیک حوزه های قضایی با مشکل زیادی روبه رو نخواهد بود. ولی در سطح بین الملل با توجه به حساسیت دولت ها به اصول حاکمیتی خود و اختلافاتی که ممکن است در روابط کشورها پیش آید با پیچیدگی های فراوانی روبروست. لذا نیاز مبرم به همکاری و هماهنگی وسیع میان کشورها و استفاده از سریع ترین و امن ترین مسیر برای ابلاغ اوراق امری ضروری است و امکانات و ظرفیت های پلیس بین الملل در ایجاد هماهنگی و همکاری در این مسیر نقش تعیین کننده ایفاء می کند.

^۷Scheme relations mutual Assistance in criminal Matters within the common wealth T Hare, 1989 , as amended 1990.

بند ششم: تشخیص منشأ و ردیابی اموال، ابزار و ضبط و مصادره آن ها در مقام اثبات جرم

مصادره یا ضبط عبارت است از «استیلاى دولت بر تمام یا جزئى از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه» (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱) در تعریف دیگر عمل مصادره عبارت است از «تصرف مال خصوصی توسط دولت بدون جبران نمودن خسارات که اغلب متعاقب محکومیت فرد به ارتکاب جرم معین یا به دلیل مغایر بودن مالکیت افراد با قانون می باشد. (آقایى، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹)

با توجه به اهداف جرائم مختلف که اکثراً کسب منافع مادی می باشد ضبط، مصادره و بازگردانی اموال از راهکارهای مؤثر مبارزه با جرائم فراملى است. لذا باید به استفاده از رویه های ساده و سریع و با از بین بردن موانع موجود در انجام آن و ارتقاء سطح هماهنگی های بین المللی حداکثر استفاده را از این نوع معاضدت در کاهش دادن جرائم فراملى نمود.

گفتار پنجم: کارکرد پلیس بین الملل در انجام معاضدت های حقوقی

پلیس بین الملل در انجام معاضدات حقوقی بخصوص انجام استرداد که با آزادی های شخصی افراد رابطه مستقیم دارد نقش مهمی را ایفاء می کند. سرعت، دقت و امنیت سه عامل اساسی در انجام معاضدت حقوقی است و همچنین اصول حقوق بشر و اجرای عدالت خواهد بود. امکانات و ظرفیت های پلیس بین الملل نیز زمینه تأمین هرچه بهتر این سه فاکتور را فراهم می کند.

مطلب اول: ضرورت استفاده از ظرفیت های پلیس بین الملل

به دلایل ذیل استفاده از کانال ارتباطی پلیس بین الملل در انتقال درخواست ها نسبت به سایر روش های متداول مفیدتر است.

بند اول: تسهیل در انجام معاضدت های حقوقی

اگر این سازمان به عنوان مرجعی واجد برای انجام معاضدات حقوقی در سطح بین الملل تبدیل شود ضمن اینکه روند انجام معاضدت حقوقی و پلیسی از حیث شکلی هماهنگ تر می شود. این هماهنگی باعث تسهیل در انجام معاضدات و جلوگیری از پیچیدگی یا سیاسی شدن موضوع می شود.

بند دوم: سرعت در انتقال درخواست ها

استفاده از امکانات مخابراتی پلیس بین الملل ضمن تسریع در انتقال درخواست ها باعث سرعت بخشیدن به روند دادرسی و در نتیجه افزایش جنبه های ارجاعی و پیشگیرانه مجازات ها می شود و علاوه بر این باعث تضمین بیشتر حقوق و آزادی های شخصی افراد نیز خواهد شد.

بند سوم: امنیت در انجام معاضدت های حقوقی

انتقال درخواست ها از طریق سنتی خطرات فراوانی را برای شهود، زیان دیده گان و افراد مرتبط با یک جرم دربر خواهد داشت. زیرا مجرمان فراملى برای نجات خود و سازمان وابسته، از هیچ گونه اقدامی مثل تغییر یا حذف اسناد، مدارک، افراد و

غیره فروگذار نیستند. لذا استفاده از تجهیزات الکترونیکی و رمزکننده های متعددی و پیشرفته پلیس بین الملل در مسیر انتقال و یا استفاده از متدهای جدید ضریب امنیتی انتقال اسناد، مدارکش و درخواست ها را افزایش خواهد داد.

بند چهارم: تعاملات در سطوح وسیع با نهادهای ملی و بین المللی

به منظور انجام معاضدات حقوقی و پلیسی در سطوح وسیع و بین المللی، پلیس بین الملل با استفاده از امکانات و ظرفیت های فراوان و داشتن تعاملات و همکاری های گسترده با نهادها و ارگان های مختلف بین المللی مثل سازمان ملل، اتحادیه اروپا، دادگاه های بین المللی و منطقه ای، نقش مهمی را در تأمین زمینه های همکاری و افزایش هماهنگی میان کشورهای عضو ایفاء می کند. در سازمان پلیس بین الملل جنایی این تعاملات از طریق دفاتر ملی مرکزی یا همان ادارات داخلی پلیس بین الملل و ایجاد شبکه ارتباطی بین دبیرخانه کل و کشورهای عضو و دیگر نهادهای بین المللی انجام می گیرد. - ICPO (international criminal police review, 1991-no433- p.23)

مطلب دوم: نقش پلیس بین المللی در انجام معاضدات حقوقی در پرتو اسناد بین المللی

کشورهای جهان با آگاهی از امکانات و ظرفیت های این سازمان به نقش مهم آن در انجام معاضدات حقوقی در کنوانسیون های مختلف بین المللی اشاره کرده اند و بیشتر به نقش محوری انتقال درخواست ها و مبادله اطلاعات بخصوص در مواقع ضروری پرداخته اند. هرچند که به جزئیات بحث وارد نشده اند. در ذیل به چند کنوانسیون مهم اشاره می شود:

بند اول: کنوانسیون سازمان ملل علیه قاچاق مواد مخدر

بند هشتم از ماده هفتم کنوانسیون مورد اشاره به نقش کلیدی پلیس بین الملل در انتقال درخواست ها بخصوص در مواقع ضروری این گونه اشاره می کند: «هرگونه ارتباط معاضدت قضایی دو طرفه بین اعضای این کنوانسیون باید از طرق مصرحه در آن انجام گرفته و در مواقع ضروری نیز ارتباطات از طریق سازمان پلیس بین المللی جنایی انجام می گیرد». (UN convention against Itlieit trafficking inter narcotic Drags and psycho tropic sub stances (Viena 1998) Article 7(B))

بند دوم: پیش نویس کنوانسیون بین المللی خلع حمایت از تروریسم (مصوب ۱۹۹۹)

بند چهارم از ماده هیجدهم کنوانسیون مورد اشاره و ماده ۱۸۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در این خصوص بیان می دارند «انتقال درخواست ها و مبادله اطلاعات در زمینه مبارزه با تروریسم می تواند از طریق پلیس بین الملل یا هر سازمان منطقه ای دیگر انجام گیرد». (Draft international convention for the suppertion of (terrorist Financing (1999) (A. C. 6/58/C.16) Article 18)

بند سوم: کنوانسیون تشکیل یوروپل

بند دوم از ماده ۴۲ تشکیل اساسنامه تشکیل پلیس کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیان می دارد «یوروپل در راستای وظایف بیان شده در ماده ۳ اساسنامه می تواند روابط خود را با دول و سازمان های دیگر از جمله پلیس بین الملل جهت

مبارزه با جرائم و پیشگیری از آن ها برقرار کند». (Convention of the setting up of a European police office (Europol) Brussels, 1995 , Article 92/2)

بند چهارم: کنوانسیون اروپایی انتقال دادرسی مسائل جزایی (استراسبورگ، ۱۹۷۲)

بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون فوق الذکر در خصوص نقش پلیس بین الملل در انتقال درخواست ها بیان می دارد: «در موارد ضروری درخواست ها و ارتباطات ممکن است از طریق پلیس بین الملل جنایی به کشورهای متقاضی عه فرستاده شود». (Convention on Transfer of proceeding sin criminal matters (Strasbourg , 1972)

فصل سوم:

جلب افراد از منظر فقه اسلام

مقدمه

یکی از مسائل اساسی در مورد اجرای احکام خارجی در ممالک اسلام، مسئله قاضی صادر کننده حکم در حوزه عملیات اجرایی محل خدمت خود و سپس اجرای حکم صادره از قاضی دیگر در مکانی دیگر می باشد.

جایز است که قاضی ای از اختیارات عام برخوردار شود، ولی تنها در حوزه ی جغرافیایی معینی مجاز به رسیدگی باشد و برای نمونه، مسئولیت دادرسی به طور عام و در همه ی مسائل، اما در یکی از نواحی یک شهر یا در محله ای از یک شهر به او سپرده شود. در چنین صورتی، آن قاضی به رسیدگی به همه ی مسائل قضایی در ناحیه یا محله ای که در آن مسئولیت یافته است می پردازد و به امور قضایی ساکنان ناحیه یا محله و نیز کسانی که از آن گذر می کنند رسیدگی می کند؛ زیرا کسی که از این ناحیه یا محله گذر می کند، همانند کسی است که در آن سکونت دارد، مگر در صورتی که تنها به قاضی حق داده شده باشد به امور ساکنان و نه دیگران با کسانی که از آن ناحیه یا محله می گذرند رسیدگی کند. در چنین صورتی او حق ندارد از آنچه به او سپرده شده است فراتر برود. اگر قاضی ای بر همه ی یک شهر گمارده شده باشد. تا فقط در یکی از نواحی آن یا در یک محله و یا یک برزن از آن به امور قضایی رسیدگی کند، برای او جایز است در هر ناحیه و محله ای از این شهر به رسیدگی به امور قضایی بپردازد؛ زیرا هنگامی که ولایت یک قاضی عام و اختیارات او فراگیر باشد، نمی توان او را در محدوده ی خاصی از رسیدگی منع کرد. حتی اگر این محدودیت شرطی برای اصل عقد ولایت انتصاب او قرار داده شود. موجب بطلان عقد می شود و در نتیجه احکام آن قاضی، خواه در آن محدوده و خواه در غیر آن، مردود است. اگر قاضی ای بدین ترتیب منصوب شود که تنها درباره ی کسانی که در خانه یا در مسجد به حضور وی رسند به امور قضایی رسیدگی کند این انتصاب درست است و البته برای آن قاضی قضاوت کردن در خارج خانه یا مسجد خود جایز نیست؛ چرا که ولایت وی تنها به کسانی که به خانه یا مسجد او می روند محدود شده است و از دیگر سوی این کسان جز با رسیدن به حضور او مشخص و معین نمی شوند. از همین روی، داوری کردن این قاضی درباره ی این کسان شرطی بر اوست. ابو عبدالله زبیری می گوید: مدتی است در بصره فرمانروایان قاضی را به مسجد جامع می گمارند و او را قاضی مسجد می نامند. صلاحیت وی آن است که به دعاوی دویست درهم یا بیست دینار و کمتر از این مقدار رسیدگی کند، خرجی مقرر دارد و از جای خود و نیز از مبلغی که برای وی تعیین شده است فراتر نرود. (حبیب ماوردی، ۱۳۸۳، صص ۱۵۴ و ۱۵۵)

بنابراین در قلمرو اقدامات تحقیق و تعقیب اجرای دستور قاضی دیگر و در سرزمین دیگر از مهمترین نکات فقه جزایی است که در فقه به دلیل منع برتری و سلطه کافر بر مسلم انجام تعقیب و استرداد متهم به خارج از سرزمین اسلام انجام بازداشت و استرداد با چالش روبه رو است. در زیر به اهم این موارد اشاره خواهیم نمود.

گفتار اول: قاعده نفی سبیل

یکی از قواعد حائز اهمیت و معروف در فقه اسلامی قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه کافر بر مسلمان است که در باب معاملات خصوصاً در سیاست و اقتصادیات و نیز در کلیه روابط بین جامعه اسلامی و جوامع غیرمسلمان و نیز در روابط فردی مسلمانان با کافران، به صورت یک قانون کلی حاکم است. برای بررسی اهمیت این قاعده و محدوده کاربرد آن توجه به این نکته کافی است که اصل استقلال و آزادی مسلمین و حفظ عزت و کرامت جامعه اسلامی و در نهایت تحقق آرمان پیروزی اسلام «لیظهره علی الدین کله»^۸ و هدف نهایی جهاد «حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله الله»^۹ به اجرای دقیق این قاعده در همه روابط و مناسبات بستگی دارد.

سبیل و سلطه نوعی ولایت و اختیارداری است که به صاحب آن مشروعیت می دهد که نسبت به طرف مقابل برتری داشته باشد و اعمال اقتدار نماید. اختیار و اقتدای که شریک در خریدن و تملک سهم فروخته شده علی رغم اشتراک شخص ثالث و تملک وی در مورد شفعه دارد و می تواند با اجرای عقد به طور قهری سهم شریک خود را تملک نماید و یا اختیار و اقتداری که ولی مقتول در اجرای قصاص از قاتل دارد، مصداق سبیل و سلطه ای است که در این قاعده منظور شده است.

هرگاه چنین اختیار و اقتدار سلطه آمیزی از طرف غیر مسلمان علیه مسلمانی اعمال گردد موضوع قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه کافر بر مسلمان صدق می یابد و براساس قاعده، در اسلام هر حکمی که مستلزم چنین سلطه ای باشد، منتفی است. بدیهی است حقی که کافر نسبت به دریافت دینی که بر عهده مسلمانی دارد اعمال می کند، نمی تواند مورد سبیل و سلطه باشد، زیرا اعمال چنین حقی هرگز توأم با برتری و اعتلا نیست. از این رو نفی سبیل و سلطه کافر بر مسلم به معنی نفی هر نوع حق مشروعی که بر اثر بیع، هبه، وهن و سایر معاملات به وجود می آید نیست و قاعده صرفاً شامل آن نوع اختیارات و سلطه ای است که نوعی تفوق و استیلا را ایجاب می کند.

از باب مثال و برای درک بهتر موضوع می توان به بررسی فرق میان دین وارث که اولی از قاعده خارج و دومی مشمول قاعده است (محمدحسن بن باقر نجفی، ج ۳۹، ۱۳۹۲، ص ۱۶) برای تبیین مفهوم سبیل و سلطه در این قاعده اشاره نمود؛ غیرمسلمان وقتی دین مشروع خود را از مسلمان مطالبه می کند، هرگز قهر و غلبه و استیلائی در اعمال چنین حقی مشاهده نمی شود؛ ولی وقتی غیر مسلمانی با وجود وارث مسلمان از مورث کافر یا مسلمان ارث می برد، مستلزم شر (محمدبن حسن، ج ۱۷، چاپ نهم، ۱۳۸۷، ص ۳۷۶، ح ۱۰) و نقص (همان، ح ۸) و ضعف (همان، ص ۳۲۶، ح ۱۴) است. و در برابر ارث بردن مسلمان به جای وارث کافر، قوت (همان) و شدت و عزت (همان) محسوب می شود.

^۸. توبه، ۳۳.

^۹. انفال، ۳۹.

اما هنگامی که مورث مسلمان برای فرزند کافر خویش وصیت می کند، چنین حقی تسلیط و سیل محسوب نمی گردد. (همان، ص ۳۷۵، ح ۳) صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه ارث کافر را با وجود وارث مسلمان به دلایلی و از آن جمله به استناد «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» نفی می کند. (ر.ک.: شیخ صدوق، ج ۱۴۱۳، ۴.ه.ق ص ۵۶۶)

گفتار دوم: مبانی استدلال به قاعده نفی سیل

مطلب اول: قرآن

در استدلال به قرآن چندین آیه به عنوان مستند مسلم قاعده ذکر شده است.

بند اول: «ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلاً» (نساء، ۱۴۱)

مفاد این آیه نفی جعل هر حکمی است که موجب سیل و سلطه کافر بر مؤمن می گردد. منظور از کافر کسی است که به دینی به جز اسلام گرویده باشد و یا با وجود قبول اسلام، «ما یعلم من الدین بالضروره» را انکار کند به نحوی که انکار آن به انکار رسالت، یا تکذیب پیامبر (ص) و یا تنقیض شریعت اسلام منتهی گردد. (امام خمینی، ج ۱، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸) بنابراین کافر شامل کلیه اهل کتاب و سایر پیروان ادیان غیراسلام و آن دسته از مسلمانانی می شود که محکم به ارتدادند.

مراد از مؤمن کسی است که با شهادت به توحید و رسالت پیامبر اسلام (ص) ملتزم به احکام اسلام گردیده است و بدین معنی کلیه فرق و مذاهب اسلامی (به جز آنها که محکوم به ارتدادند) مشمول حکم آیه شریفه می گردند. (ر.ک.: مکارم شیرازی، ۱۳۸۳ ج ۱، ص ۱۷۰) کلمه ی مؤمن را در آیه به این دلیل باید اعم دانست که در روایات، مؤمن و مسلم از نظر احکام و آثار یکسان تلقی شده اند. در کافی از حمran بن اعین از امام صادق (ع) نقل می کند:

«فهل للمؤمن من فصل علی المسلم فی شیء من الفضائل و الاحکام و غیر ذلک فقال: لا هما یجریان فی ذلک مجری واحد». بدیهی است این حدیث، به معنی نفی فرق ماهوی بین ایمان و اسلام نیست. زیرا در ایمان، به مقتضای آیات و روایات متعدد، به جز اعتقاد قلبی و اظهار به زیان، التزام عملی و تقید به منهج و صراط عمل که طریق امامت است، نیز منظور شده است. (کلینی، ج ۲، ۱۳۸۷ ص ۲) چنان که ایمان نیز به نوبه خود درایا درجات متعدد و متفاوتی است. (همان، ص ۳۵) (باب درجات الایمان) «فاما الذین آمنوا فزادتهم ایماناً و هم یستبشرون». (توبه، ۱۲۴). فرق ایمان و اسلام را می توان از آیه: «قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا و لکن قولوا اسلمنا» (حجرات، ۱۴) و نیز از صدر روایتی که نقل شد، استفاده کرد.^{۱۰}

کلمه سیل به معنی راه، عقاب، عتاب (نکوهش)، دین، راه هموار، راه حق، غلبه، حجت، استیلا، سلطه و اختیارداری آمده است. (مفردات راغب) ولی هنگامی که با حرف «علی» به کار می رود به معنی عقاب، عتاب، غلبه، سلطه و استیلا استعمال می گردد. با مطالعه موارد مشابه در آیات دیگر می توان مفهوم سیل در آیه مورد بحث را به دست آورد:

۱. «ما علی المحسنین من سیل». (توبه، ۹۱)

۲. «فاولئک ما علیهم من سیل». (شوری)

۳. «انما السبیل علی الدین یظلمون الناس». (شوری، ۴۲)

^{۱۰}. «الایمان ما استقر فی القلب و افضی به الی الله عز و جل و صدقه العمل باطاعه اله و التسلیم لامره الاسلام ما ظهر من قول او فعل و هو الذین علیهم جماعه الناس من الفرق کلهما و به حقت الدماء و علیه جرت الموارث و جاز النکاح».

۴. «انما السبيل على الذين يستأذنونك و هم اغنياء». (توبه، ۹۳)

۵. «فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا». (نساء، ۳۴)

۶. «فما جعل الله لكم عليهم سبيلا». (نساء، ۹۰)

از مجموع این آیات می توان معنی مشترک و واحدی را برای سبیل استفاده کرد و آن معنی چیزی جز حاکمیت، استیلا و سلطه نمی تواند باشد.

بند دوم: «الذين يتخذون الكافرين اولياء من دون المؤمنين ايتغون عندهم العزه فان العزه الله جميعاً». (نساء، ۱۳۹)

طبق این آیه هر نوع عمل و رابطه ای که موجب ولایت کفار و سلطه و استیلاي آنان بر مؤمنین گردد و سلب عزت اسلام و مسلمین شود و مستلزم تفوق و سرافرازی کافر بر مسلمان گردد، نامشروع و نهی شده است. زیرا معنی اختصاص سرافرازی و عزت و عظمت به خدا، نفی آن از کافران و اثبات آن بر مسلمین است: «و الله العزه و لرسوله و للمؤمنين و لكن المنافقون لا يعلمون». (منافقون، ۸) بنابراین اسلام هیچ گونه حکمی که مستلزم ولایت و استیلاي کفار بر مسلمین باشد تشریع ننموده و چنین حکمی از اسلام نخواهد بود.

بند سوم: «لايتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا منهم تقيه و يحذرکم الله نفسه و الى الله المصير». (آل عمران، ۲۸)

گرچه این آیه صراحت آیات قبل را ندارد ولی به طور عام سلطه و استیلاي کافران را جز در موارد تقیه نفی می کند و هر نوع عمل و رابطه ای را که منشأ چنین سلطه و استیلاي گردد محکوم می شمارد. مفاد این آیه و آیات مشابه که در زمینه نفی ولایت کفار و نهی از تفویض اختیارات به کفار و پشتیبان گرفتن و وابسته شدن به آنان، در موارد متعدد در قرآن آمده، همان قاعده نفی سلطه کافران از مؤمنان است.

بند چهارم: «و لا تركزوا الى الذين ظلموا فتمسکم النار و مالکم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون». (هود، ۱۱۳)

رکن به معنی اساس در آیه کنایه از قدرت است. اعتماد کردن و پآیه و پشتیبان گرفتن و منشأ قدرت قرار دادن کفار، نامشروع و جرم بزرگی است که عامل آن به آتش کیفر می شود. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «هر حکمی که موجب گردد مسلمانان به جای تکیه بر نیروی خود بر قدرت کفار تکیه کنند و یا متلازم با ركون به ظالمانه باشد، از اسلام نبوده و اثر حقوقی بر آن مترتب نخواهد بود».

مطلب دوم: روایات

برای اثبات قاعده می توان به روایات زیر استناد کرد:

صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند:

^{۱۱}. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی و مجمع البیان، ركون به معنی قبول دوستی و نصیحت و اطاعت تفسیر شده است و برخی از مفسران نیز ركون را به معنی هرگونه تمایل ذکر کرده اند. (سید رشید رضا، تفسیر المنار).

«الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۷، و حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۶) این حدیث دارای دو قسمت است که هر کدام مستقلاً می تواند مستند قاعده باشد:

قسمت اول حدیث «الاسلام یعلو» نشان دهنده استعلا و استیلا و مداوم اسلام است. و دلالت بر این دارد که احکام اسلام دائماً در جهت برتری دادن به مؤمنین و تفوق آنان بر کافران است. و مفهوم این جمله آن است که هیچ حکمی در اسلام در جهت خلاف این هدف - یعنی ایجاد تفوق و سلطه کافران بر مؤمنان - وجود ندارد. قسمت دوم به طور صریح اعتلا و استیلا بر اسلام و مسلمین را نفی می کند و هر نوع عمل و رابطه و حکمی را که مستلزم تفوق باطل و غیر مسلمان بر اسلام و مسلمین باشد، نامشروع و محکوم می شمارد.

مطلب سوم: اجماع

اجماع نیز یکی دیگر از ادله فقهی است و آن عبارت است از توافق همه علماء در مورد حکم یک مسئله که خودش به اجماع منقول و اجماع محصل تقسیم می شود. (فرهنگ دلیر، ۱۳۹۷، ص ۸۸)

مطلب چهارم: عقل

در این مبحث قاعده نفی سبیل از منظر مناسبت حکم و موضوع قابل بررسی است.. صاحب عناوین در این مورد می نویسد اعتبار عقلی در تایید این قاعده وجود دارد چرا که شرف و برتری اسلام حکم می کند که مسلمان مقهور و تحت سلطه کافر نباشد مگر این که سبب این تسلط به واسطه خود شخص مسلمان ایجاد شود که در این صورت خود او احترام خویش را ساقط نموده است این امر گر چه به خودی خود دلیل محسوب نمی شود اما یک موید قوی می باشد که مستند به عبارات وارده در شرع می باشد. به نظر می رسد صاحب عناوین این دلیل را برای اثبات قاعده کافی ندانسته اما آن را به عنوان یک موید قوی برای قاعده دانسته است که مستند به عبارات وارده در شرع است. (حسینی، ناظری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱)

برخی فقها معتقدند مناسبت حکم و موضوع به این معناست که شرف اسلام و عزت آن مقتضی بلکه علت تامه ی آن است که در احکام و شرایعش حکمی را که موجب ذلت و خواری مسلمانان باشد وضع نکرده باشد؛ زیرا که خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید عزت را به خودش و رسولش و مومنین منحصر نموده است. (همان)

دیگران نیز نوشته اند با این دلیل نیز قطع پیدا می کنیم که به مناسبت حکم و موضوع، اسلام در مقام قانونگذاری اصلاً نمی تواند قانونی را تشریع کند که سبب عزت کافر و ذلت مسلمان شود، زیرا این امر با این دین مقدس سازش ندارد. (همان، ص ۱۵۱)

مطلب پنجم: مطلب پنجم: قیاس

قیاس کنندگان برای پی بردن به علت حکم راه های متعددی را برمی گزینند که یکی از آن ها روش سیر و تقسیم است. (هرندی، ۱۳۹۴، ص ۴۶) فقهای اهل سنت برای ادله ی این قاعده به قیاس نیز استناد می کنند، منتهی فقهای امامیه قیاس را به معنایی که اهل سنت بدان تمسک می ورزند، مورد قبول واقع نمی دارند و تنها تنقیح مناط و قیاس الویت را می پذیرند، با این حال فقه مذاهب اسلامی در این باره بیان می دارد: فروش عبد مسلمان و نیز فروش قرآن به کافران جایز نیست و علت قطعی این حکم نیز عبارت است از سلطه پیدا نکردن کافر بر مسلمان و مقدسات اسلام. همچنین ازدواج مرد غیر مسلمان با زن مسلمان

جایز نیست و علت قطعی آن نیز همان عدم سلطه کافر بر مسلمان بیان شده است. بر اساس قاعده تنقیح مناط، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد جایز نیست. بنابراین، قاعده نفی سبیل که دلالت دارد بر نادرستی هر عمل و حکمی که زمینه ساز حاکمیت و سلطه کافران باشد، با تنقیح مناط ثابت خواهد شد. فرق تنقیح مناط با استدلال دوم و سوم بر اهل فن پوشیده نیست. (رحمانی، ۱۳۸۲، ص ۶)

گفتار سوم: تبیین قاعده نفی سبیل در قانون اساسی در روابط خارجی

نظر به اهمیت قانون اساسی و نقش آن در تنظیم روابط داخلی و بین المللی به اختصار به اصولی که براساس قاعده نفی سبیل تدوین گردیده است اشاره می شود:

۱. در اصل بند ۲ ج: به نفی هر گونه سلطه پذیری تصریح شده است که از مصادیق قاعده نفی سبیل است.
۲. در اصل ۳ بند ۵: به طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب تصریح شده است که از مصادیق روشن و مبرهن قاعده نفی سبیل است.
۳. در اصل ۹: آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور، تفکیک ناپذیر و حفظ آنها وظیفه دولت و آحادی ملت اعلام شده است، که این اصل خصوصاً حفظ استقلال کشور، مقتضای قاعده نفی سبیل است.
۴. در اصل ۷۷: کلیه عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی به تصویب شورای اسلامی موکول شده تا در صورتی که مغایر با مفاد قاعده نفی سبیل تشخیص داده شود از آن جلوگیری شود.
۵. در اصل ۷۸: تغییرات جزئی مرزی با رعایت مصالح کشور، مشروط به لطمه نزدن به استقلال و تمامیت ارضی کشور شده است؛ روشن است حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور از مصادیق بارز قاعده نفی سبیل است.
۶. در اصل ۸۰: گرفتن وام یا کمکهای بدون عوض خارجی، موکول به بررسی و تصویب مجلس شده تا در صورتی که موجب استیلا و سلطه بیگانگان گردد از آن ممانعت شود.
۷. در اصل ۸۱: دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع گردیده است. تدوین این اصل اساساً براساس قاعده نفی سبیل است.
۸. در اصل ۸۲: استخدام کارشناسان خارجی از سوی دولت، ممنوع اعلام شده مگر در مواردی که با تصویب مجلس شورای اسلامی می باشد.
۹. در اصل ۱۴۳: ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسدار استقلال و تمامیت معرفی شده است.
۱۰. اصل ۱۴۵: استخدام فرد خارجی به عضویت ارتش و نیروهای نظامی ممنوع اعلام شده است. وضع این اصل نیز به مقتضای قاعده نفی سبیل است، لطماتی که از این رهگذر در طول سالیان متمادی متوجه استقلال کشور گردیده است، مبین اهمیت رعایت و التزام به این قاعده است.
۱۱. در اصل ۱۴۶: استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور ممنوع گردیده است.

۱۲. در اصل ۱۵۲: سیاست جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه پذیری و حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور و دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر اعلام شده است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی در واقع تفسیر قاعده نفی سبیل است.

۱۳. در اصل ۱۵۳: هرگونه قرارداد که موجب دخالت بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی و فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع اعلام گردیده است.

۱۴. اصل ۱۵۴ در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در هر نقطه از جهان اعلام حمایت شده است. در پایان به جرئت می‌توان گفت در مجموعه اصول قانون اساسی به نظر می‌رسد که هیچ یکی از قواعد فقه به اندازه قاعده نفی سبیل مورد توجه قرار نگرفته است و این به لحاظ اهمیت این قاعده است.

گفتار چهارم: حاسبه

نسبت میان حاسبه و قضا و دادرسی این است که حاسبه در دو چیز با قضا و دادرسی همانندی دارد، در دو چیز از آن فروتر و در دو چیز دیگر از آن فراتر است. وجوه همانندی حاسبه و دادرسی دو چیز است: (مطالب این بند برگرفته از از: (ماوردی: ۱۳۸۳: ۴۷۹ الی ۴۸۲)

نخستین همانندی حاسبه با دادرسی در این است که دادخواهی نزد محتسب و رسیدگی وی به دعوی شاکی بر ضد طرف دیگر در قلمرو حق الناس جایز است، هرچند این دادرسی همه ی دعاوی را دربر نمی‌گیرد و تنها به سه مورد محدود می‌شود:

- نخست آنچه به کم فروشی یا تقلب در پیمان و وزن مربوط می‌شود؛
- دوم آنچه به غش یا تدلیس در مبیع یا ثمن مربوط است؛
- و سوم آنچه به تأخیر بدهکار در پرداخت بدهی مستقر در فرض توانایی او بر این امر مربوط می‌شود.

اما دومین همانندی حاسبه و دادرسی این است که محتسب می‌تواند مدعی علیه را به ادای حقوقی که بر او هست الزام کند، هرچند در همه ی حقوق چنین صلاحیتی برای محتسب وجود ندارد و این صلاحیت تنها به قلمرو حقوقی محدود می‌شود که برای وی رسیدگی به دعاوی در خصوص آن‌ها جایز است. از این روی، اگر بدهی ای بر شخص به موجب اقرار او ثابت شود و وی در عین حال به بازپرداخت آن نیز توانا باشد، محتسب این اقرار کننده ی توانمند را به پرداخت بدهی به کسی که مستحق آن است الزام می‌کند، چه، تأخیر وی در این کار در شمار منکراهایی جای می‌گیرد که محتسب برای مبارزه ی با آن‌ها گمارده شده است. وجوه کاستی صلاحیت‌های محتسب نسبت به مقوله ی دادرسی و قضا نیز دو چیز است:

وجه نخست آن که محتسب صلاحیت رسیدگی به دعاوی ای چون دعاوی مربوط به عقود، معاملات و دیگر حقوق و مطالبات را که در قلمرو منکراهای آشکار جای نمی‌گیرند ندارد و بنابراین، نه جایز است در این باره دعوی را بشنود و نه جایز است در این خصوص به صدور حکم دست یازد، خواه آن دعاوی به حقوق و اموالی بسیار مربوط باشد و خواه به حقوق و اموالی اندک. حتی دیناری یا کمتر از آن، مگر آن که در متن فرمانی صریح، افزون بر اطلاق موجود در واگذاری امور حاسبه، چنین صلاحیتی به شخص داده شده باشد. در این صورت این کار برای او جایز است و وی با این صلاحیت افزوده شده هر دو قلمرو حاسبه و دادرسی را عهده دار می‌شود و به همین دلیل این شرط جدید برای وی لازم می‌آید که بایستی از اهل اجتهاد

باشد. اما در صورتی که صلاحیت شخص به همان که مقتضای اطلاق حسب است محدود مانده باشد، قاضیان و داوران در رسیدگی به این گونه دعاوی، خواه کم و خواه زیاد، سزامنتر خواهند بود.

وجه دوم آن که صلاحیت محاسب برای رسیدگی به انواع یاد شده ی دعاوی محدود به جایی است که حقوق مورد ادعا به اقرار مدعی علیه ثابت شود. اما آن جا که رد و انکار دعوی پیش می آید محاسب حق رسیدگی ندارد، چرا که حکم کردن در این گونه موارد، متوقف بر شنیدن بینه یا سوگند دادن طرف های دعواست، در حالی که برای محاسب نه رواست که بینه ای حاکی از اثبات حقی بشنود و نه رواست که سوگندی بر نفی حقی بدهد، و قاضیان و داوران به شنیدن بینه و سوگند دادن طرف های نزاع سزاوارترند.

و جوه زیادی قلمرو یا صلاحیت های محاسب بر مقوله دادرسی نیز دو چیز است:

نخست آن که برای محاسب جایز است بی آن که شاکی ای وجود داشته باشد رأساً به جست و جو درباره ی انجام معروف هایی که بدان ها امر می کند با ترک منکراهی که از آن ها نهی می کند پردازد؛ در حالی که قاضی تنها در صورتی حق پرداختن به این کار را دارد که شاکی ای وجود داشته باشد که سماع دعوی وی از سوی او جایز است. از همین روی، چنانچه قاضی بدون وجود شاکی به این امور پردازد از منصب ولایت خویش خارج می شود و در قلمروی که رسیدگی بدان به او سپرده شده است تعدی تلقی می گردد.

دوم آنکه محاسب در آنچه به نهی از منکر مربوط می شود از چنان اقتداری حکومتی و چنان حمایتی از سوی پاسبانان دولتی برخوردار است که قاضی از آن بهره ای ندارد؛ چرا که حسب اصولاً برای ترساندن متخلفان بنیاد نهاده شده است و از همین روی بهره جستن محاسب در کار خود از درشتی و خشونت نه ستم شمرده می شود و نه تجاوز از صلاحیت ها، در حالی که دادرسی برای پاسداشت انصاف و عدالت میان کسانی بنیاد شده و از همین روی در این عرصه رفتار آمیخته به خویشترداری و آرامش رواتر است و تجاوز از این گونه رفتار و روی آوردن به خشونت و درشتی ای که محاسب از آن بهره می جوید ستم ورزیدن و فراتر رفتن از صلاحیت ها تلقی می شود؛ چه، هریک از دو منصب یاد شده برای هدفی معین بنیاد شده اند و ستم ورزی و تعدی در هریک نیز به برون رفتن از حدود مقرر برای آن است.

اما درباره ی نسبت میان حسب و مظالم، میان آن ها مشابهت هایی همسوی کننده وجود دارد و هم ناهمانندی هایی تمایز بخش. همانندی هایی که این دو نهاد را به یکدیگر نزدیک می سازد در دو چیز است:

نخست آن که این هر دو بر بنیاد ایجاد ترس [در متخلفان] با بهره جستن از اقتدار حکومتی و نیروی بازدارندگی استواری یافته اند.

دوم آن که در هر دو جایز است به آنچه زمینه ی مصالح و منافع را فراهم می آورد و به جلوگیری از منکراهی آشکار می انجامد پرداخته شود.

ناهمانندهای این دو نهاد نیز در دو چیز رخ می نماید:

نخست آن که دیوان رسیدگی به مظالم برای عهده دار شدن چیزهایی که قاضیان از انجام آن ها ناتوان مانده اند بنیاد شده، در حالی که حسب برای رسیدگی به چیزهایی که منزلت قاضیان از انجام آن ها والاتر دانسته شده است و از این روی از آن ها معاف داشته شده اند شکل گرفته است.

بدین سان، دیوان مظالم در جایگاهی فراتر از قاضیان و حسبه در جایگاهی فروتر از ایشان قرار دارد و برای کسی که امور مظالم را بر عهده دارد جایز است فرمان هایی به قاضیان و محتسبان بنویسد، در حالی که برای قاضی جایز نیست نوشته ای به والی مظالم بفرستد، هرچند برای او دادن چنین نامه ای به محتسب جایز باشد، چنان که برای محتسب نیز جایز نیست که به هیچ کدام از دو گروه دیگر یعنی والیان مظالم و قاضیان دستوری بنویسد. این خود دومین تفاوت را می سازد و آن این که برای والی مظالم جایز است حکم براند در حالی که والی حسبه جایز نیست [به فراتر از خود] دستور بدهد.

گفتار پنجم: همکاری با اینترپل از منظر فقهی

سیاست خارجی اسلامی، خط مشی و روشی است که دولت اسلامی در برخورد با مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می کند. با توجه به همگانی بودن آرمانهای جهان اسلام و نیز گسترش ارتباطات در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دولت اسلامی نمیتواند خود را در محدوده جغرافیایی خاصی محصور کند. دولت اسلامی بر اساس آموزه های دینی و نیز نیازها و ضرورت های زندگی عصر کنونی باید با دیگر ملتها و دولتها ارتباط داشته باشد تا در پرتو روابط بین المللی بتواند دولت اسلامی نمی تواند پیام الهی را به گوش جهانیان برساند. (کرم زاده، فیض ۱۳۹۸، صص ۹۲ و ۹۳)

حکومت اسلامی با توجه به پیچیده شدن عمل مجرمان در سطح داخلی و بین المللی نمی تواند به تنهایی اقدام به جرایم بین المللی مخصوصا جرایم سازمان یافته نماید و در تعقیب همین افراد و در نیل به هدف نهایی که همان مجازات است سازمان پلیس بین الملل جنایی یا همان اینترپل شکل گرفته است. در معاضدت هایی قضایی پلیس بین الملل که یکی از موارد ان جلب مجرمین است احتراماً به قواعد و قانون کشور مورد نظر یکی از مهمترین موارد می باشد. احترام به حاکمیت ملی کشور مورد درخواست خود یکی از مقررهای مهم در اینترپل می باشد. پس در اینجا بحث استیلا یا تسلط به خودی خود مفهوم خود را در همکاری وم عاضدت با اینترپل از دست می دهد.

مسئله بعدی آن است که یکی از مهمترین وظایف اینترپل انجام اقدامات لازم در زمینه شناسایی، دستگیری و استرداد مجرمین متواری به خارج از کشور و انجام اقدامات لازم مشابه در زمینه درخواست های واصله از اینترپل سایر کشورها (به عنوان مثال در جلب) است. با عنایت به این که جرائم ارتكابی توسط مجرمین متواری به خارج از کشور جرائمی مهم نظیر قتل، کلاهبرداری کلان، اختلاس، جعل اسناد دولتی و... است، بدیهی است استرداد اینگونه مجرمین ضمن استیفای حقوق مال باختگان و زیان دیدگان و ناامن کردن سراسر دنیا برای مجرمین حرفه ای و بین المللی، آثار و تبعات مثبت و سازنده ای در ایجاد امنیت در داخل کشور خواهد داشت. (مخدوم، منبع پیشین، ص ۱۰۳)

بنابراین مشاهده می گردد که از این منظر نیز ما شاهد استیلا یا تسلطی بر حکومت اسلامی نخواهیم بود بلکه آنچه در حال شکل گیری است یک همکاری بین المللی مابین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در زمینه مبارزه با مجرمین و مجازات آنها برای برقراری امنیت می باشد. در موارد متعددی در کشور ما شاهد همکاری پلیس بین الملل با پلیس و دستگاه قضایی ایران برای تعقیب و جلب و استرداد آنها بوده ایم که شاهد جدیدترین مثال موردی آن را بتوان در جلب مجرم سکه ثامن

(<https://fa.alamtv.net/news/3828981/>) عنوان نمود.

در هرحال می توان گفت که اگر بحث جلب و استرداد متهم یا مجرم به نوعی در همکاری حکومت اسلامی با سازمان پلیس بین الملل مطرح گردد در هرحال نوعی تضاد در صورت موافقت با قاعده نفی سیبیل وجود خواهد داشت.

با فرض تمام بودن دلالت آیه نفی سیبیل که حق هم هم ین است یا صحت در بحث قاعده نفی سیبیل استرداد مجرمان، برای استنباط حکم اولیه می توان به این آیه و این قاعده استناد کرد و استرداد مسلمان به کشورهای غیراسلامی را به دلیل صدق تسلط و سیبیل کافر بر مسلمان، مشمول این آیه و این قاعده دانست. مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان نیز معاهده انتقال محکومان با کشور ژاپن را به دلیل اینکه فرستادن محکوم مسلمان به کشور غیراسلامی _ ولو به فرض رضایت محکوم _ منافی با آیه نفی سیبیل می دانند و آن را خلاف شرع بیان نمودند. اگرچه انتقال (یا بهتر بگوییم همان جلب) محکومان برخلاف استرداد مجرمان می باشد ولی هر دو در تعلیلی که ذکر شد، مشترک اند و اگرچه این رأی، رأی اکثریت مجمع بوده است؛ ولی رأی اقلیت هم منافاتی با مدعای ما ندارد؛ زیرا آنها انتقال محکوم را به دلیل اینکه خود محکوم، نسبت به به انتقال رضایت دارد، مشمول آیه نفی سیبیل نمی دانند. در حالی که در استرداد مجرمان (خلاف انتقال محکومان)، رضایت شخص متهم یا مجرم شرط نیست. به عبارت دیگر، حتی اقلیت مخالف این مجمع نیز با سیبیل بودن بازگرداندن مسلمان مجرم به کشور کافر، موافق بوده اند؛ ولی به دلیل رضایت داشتن خود مجرم، آن را سیبیل محسوب نکرده اند. (محمدی کرجی، ۱۳۹۵، صص ۸۳ و ۸۴)

فصل چهارم:

چالش های تقنینی موجود در جلب مجرمین از سوی پلیس بین الملل از منظر حقوق ایران

مقدمه

در این فصل چالش‌های تقنینی موجود در جلب مجرمین از سوی پلیس بین‌الملل از منظر حقوق ایران بررسی خواهد گردید. همانطور که بیان می‌گردد جلب افراد در حقوق ایران مبتنی بر قواعد خاصی است که در اصل منطبق بر اصول تبیین شده در قانون آئین دادرسی کیفری می‌باشد. جلب در ایران از سوی دادسرا صادر می‌گردد که که صدور حکم جلب از سوی اینترپل در قواعد اجرایی ما به دلیل عدم انطباق به مرجع صادره تبیین شده در قانون خود یک چالش قضایی می‌باشد که در این فصل به تفصیل بررسی خواهد گردید.

گفتار اول: اینترپل و تعقیب مجرمین

امروزه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت حقوق در جامعه جهانی دستیگری اشخاص تحت تعقیب و تروریست‌های بین‌المللی است. افراد فراری تهدیدی جدی برای امنیت جامعه محسوب می‌شوند. آنها متحرک و فرصت طلب می‌باشند. آنها غالباً هزینه مالی فعالیت‌های جنایی که ممکن است در بیش از یک کشور صورت گیرد را به وجود می‌آورند. این افراد به عنوان فراری در سیستم‌های دادگستری کیفری جهانی شناخته می‌شوند. فراریان ممکن است به دلیل نقض حقوق اگر چه هنوز توقیف نشده‌اند دارای مسئولیت باشند. آنها ممکن است از طریق وثیقه آزاد شوند و سپس از مجازات نجات یابند یا شاید از زندان فرار نمایند. وقتی فراریان می‌گریزند، قربانیان از برخورداری از عدالت محروم می‌شوند. یکی از وظایف اصلی سازمان پلیس جنایی بین‌الملل (اینترپل) تعقیب مجرمین تحت تعقیب می‌باشد. همچنین وظیفه اصلی مبارزه با مجرمین فراریر عهده دولت‌ها می‌باشد، دولتها می‌بایست با سازمان اینترپل در جهت شناسایی و اعلام اسامی مجرمین فراری که در آن کشور سکنی گزیدند همکاری نمایند یعنی یکسانی که مرتکب جرمی شده‌اند که جنبه بین‌المللی دارد. همچنان برای اینکه جرمی بین‌المللی تلقی گردد باید دارای یک عنصر فرامرزی باشد. یعنی اینکه کسی که مرتکب جرمی شده است بتوان به عنوان مباشر یا شریک یا معاون یا قربانی جرم دارای ملیت خارجی باشد و محل وقوع تمام یا بخشی از جرم یا محلی که تمام یا بخشی از اثرات جرم در آن اتفاق می‌افتد در کشوری خارجی باشد. (لاله، ۱۳۹۵، ص ۶۸)

فعالیت‌های سازمان پلیس جنایی بین‌الملل (اینترپل) در رابطه با فراریان و ترویس‌های بین‌المللی بخشی از فعالیت‌های آن را از زمان تاسیس سازمان تشکیل می‌دهد. اینترپل بنا به درخواست کشورهای عضو اقدام به انتشار الکترونیکی اعلامیه‌های حاوی مشخصات افراد مذکور و اطلاعات قضایی در رابطه با مجرمین تحت تعقیب در سطح جهانی می‌نماید. (همان)

اعلامیه قرمز اینترپل در بسیاری از کشور به عنوان داشتن ارزش قانونی برای دستگیری موقتی به رسمیت شناخته شده‌است. اشخاص ذینفع مورد تعقیب مقامات قضایی ملی یا دادگاه‌های بین‌المللی بوده و هدف اعلامیه قرمز کمک به پلیس برای شناسایی آنها یا مشخص نمودن محل این افراد به منظور دستگیری یا استرداد آنها می‌باشد. (همان، ص ۶۹)

اعلامیه قرمز اینترپل به مفهوم حکم بازداشت بین‌المللی نمی‌باشد. این اعلامیه‌ها فقط بخش کوچکی از اعلامیه‌های صادره از سوی سازمان اینترپل را تشکیل می‌دهند. این اشخاص مرتبط با این اعلامیه‌ها تحت تعقیب مقامات قضایی ملی یا دادگاه

های کیفری بین المللی می باشند و نقش اینترپل کمک به پلیس برای تشخیص هویت آنها و مشخص نمودن محل آنها به منظور توقیف و یا استرداد است. اعلامیه های قرمز امکان گردش حکم بازداشت به منظور توقیف و یا استرداد افراد مورد تعقیب را فراهم می آورد. دو نوع اعلامیه قرمز وجود دارد: یکی حکم توقیف که برای اشخاص تحت تعقیب برای پیگرد صادر می شود. دوم مبتی بر تصمیم دادگاه برای اشخاصی است که برای اعماد مجازات نسبت به آنها صادر شده است. اگر هر یک از افراد جامعه دارای اطلاعاتی در مورد یک فرد تحت تعقیب باشد باید ابتدا آن را در اختیار پلیس محلی که آن فرد در آنجا است قرار دهد و در وب سایت اینترپل فهرستی از افراد فراری تحت تعقیب وجود دارد که می توان آن را کپی و منتشر نمود. با این وجود باید بدانیم که این فهرست فقط حاوی بخش کوچکی از فهرست کامل است. هر نوع اصلاح غیر مجاز در هر بخش از اعلامیه های افراد فراری تحت تعقیب به عنوان جرم محسوب شده و فرد خاطی قابل تعقیب است. در ساد ۲۰۰۷ سازمان پلیس جنایی بین المللی (اینترپل) به انتشار نزدیک به ۲۰۰۰۰ اعلامیه پرداخت که منتهی به دستگیری بیش از ۵۲۰۰ نفر گردید. همکاری سازمان پلیس جنایی بین المللی (اینترپل) با دیوان بین المللی کیفری، دادگاه های بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه ویژه برای سیرالئون کمک نمود تا برخی از جنایتکاران جنگی مضمون تحت تعقیب دستگیر و تحویل داده شوند. (همان، ص ۶۹ و ۷۰)

گفتار دوم: جلب و استرداد توسط اینترپل

با دریافت دستور مرجع قضایی مبنی بر ردیابی و شناسایی و دستگیری و استرداد متهم اقدامات اولیه زیر صورت می گیرد: (کریمی، بیابانی، ۱۳۹۰، ص ۴)

۱. دریافت اطلاعات کامل قضایی و هویتی متهم از مرجع قضایی (نوع اتهام، شرح ماوقع جرم، مواد قانونی مورد استناد حداکثر مجازات، نشانی و شماره تلفن احتمالی در خارج از کشور، تاریخ و مکان وقوع جرم)؛
 ۲. استعلام ورود و خروج متهم از کشور از مراجع ذیصلاح؛
 ۳. استعلام مشخصات گذرنامه ای و دریافت عکس متهم و ممانعت از خروج مجدد؛
 ۴. استعلام سوابق کیفری به استناد فایل اسمی؛
 ۵. تکمیل اطلاعات مورد نیاز برابر با معیارهای مورد نیاز در ردیابی متهم؛
 ۶. درخواست شناسایی و دستگیری متهم به منظور استرداد به جمهوری اسلامی ایران از اینترپل در کوتاه ترین ۱/۲۴/۷ کشور مقابل به استناد اطلاعات فوق الذکر و ارسال آن از طریق سیستم ۷ زمان ممکن.
 ۷. صدور بخشنامه بین المللی و ارسال به تمامی کشورهای عضو، به منظور هشدار و همچنین درخواست ردیابی و شناسایی و دستگیری حسب اهمیت پرونده
 ۸. ردیابی و شناسایی متهم و اعلام موضوع به مرجع قضایی؛
- در ادامه به شرایط استرداد در قوانین جمهوری اسلامی ایران و همچنین مقررات برخی کشورها اشاره می شود. (همان)

مطلب اول: دولی که حق تقاضای استرداد دارند

۱. جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضا کننده به وسیله اتباع آن دولت یا اتباع دولت دیگر انجام گرفته باشد.
۲. جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضا کننده به وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت انجام گرفته مشروط بر اینکه جرم ارتكابی مضر به مصالح عمومی کشور تقاضا کننده باشد.
۳. جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضا کننده واقع نشده ولی به وسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد. (همان)

مطلب دوم: مواردی که چند دولت حق تقاضای استرداد دارند

گاهی چند دولت تقاضای استرداد مجرمی را دارند. در این حالت یا درخواست ها در رابطه با جرم واحدی است که چند کشور در رابطه با آن مطرح می کنند یا برای جرایم متعددی است. در حالت اول طبق قانون فرانسه دولتی که جرم در آن واقع شده و دولتی که از جرم مذکور زیان دیده اند، هر دو در یک مقام جای دارند و دولت فرانسه به هر یک از آن دو کشور که صلاح بداند مجرم را تحویل می دهد. اما در حالت دوم و در صورتی که جرایم متعدد باشند دولت مورد تقاضا معمولاً به دولتی که از عمل شخص مجرم زیان بیشتری دیده است تحویل می دهد که به صورت رسمی بین المللی در آمده است. (همان)

مطلب سوم: جرایم غیر قابل استرداد

مطابق ماده هشت قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ در موارد زیر استرداد پذیرفته نمی شود:

۱. جرایم و محکومیت های کم اهمیت
۲. جرایم سیاسی
۳. هرگاه جرم ارتكابی در داخل قلمرو دولت ایران انجام یا چنانچه در خارج واقع شده و مرتکب در ایران مورد تعقیب یا محکومیت واقع شده باشد.
۴. جرایم نظامی
۵. هرگاه طبق قانون ایران یا قانون دولت تقاضا کننده جرم مشمول مرور زمان شده یا به جهتی از جهات قانونی مجرم قابل تعقیب یا مجازات نباشد (لازم به توضیح است که مشمول مرور زمان شدن از قوانین ج.ا. ایران حذف شده است) (همان، ص ۵)
۶. هرگاه جرم ارتكابی به وسیله تبعه ایرانی انجام شده باشد. (عدم تسلیم تبعه) تشخیص این که جرم سیاسی است یا عمومی امری دشوار به نظر می آید و این که ملاک تشخیص چیست یا کدام مرجع صلاحیت و توانایی اظهار نظر دارد مورد سؤال واقع می شود. مؤسسه حقوق بین الملل در سال ۱۹۸۲ جرم سیاسی را چنین تعریف کرده است. "اعمالی که در نتیجه جنگ یا شورش داخلی از طرف این یا آن دسته در حال جنگ و به نفع یکی از این دو، صورت می گیرد." لذا نمی تواند از موارد استرداد باشد. اگر از شرایط زمان و مکان چنین برآید که دولت متقاضی با تقاضای استرداد، هدفی سیاسی را دنبال کرده است استرداد پذیرفته نمی شود. در موارد شش گانه فوق وجود اشکالاتی نیز متصور است یعنی ممکن است مواردی وجود داشته باشد که در کشور تقاضا شونده ایجاد شک و شبهه نماید که در بررسی ها و اعلام دلایل و شواهد جرم از سوی مراجع قضایی کشور درخواست کننده قابل رفع است ولی چنانچه چنین اشکالاتی نشأت گرفته از بهانه ها و فشارهای سیاسی باشد مسئله استرداد ضعیف و کم رنگ می شود. (همان)

مطلب چهارم: وضعیت شخص درخواست شده برای استرداد

در استرداد هدف تحویل گرفتن فردی است از کشور دیگر، لذا موضوع استرداد به وجود آن شخص و موضوعات زیر در رابطه با آن بستگی دارد: اولاً این شخص باید ملیت کشور درخواست کننده را دارا باشد یا اینکه جرم ارتكابی وی ضرر و زیان سنگینی به مصالح کش ور درخواست کننده وارد ساخته باشد. بنابراین چنانچه شخصی که مورد درخواست از ایران واقع شده، ایرانی و جرم وی کم اهمیت باشد عمل استرداد انجام نخواهد گرفت. باید توجه داشت که کلیه مجرمین اعم از مباشر اصلی، شرکا و معاونین آنان نیز قابل استرداد می باشند. زیرا جرایم سنگین به ویژه جرایم سازمان یافته بدون همکاری و معاضدت افراد دیگر به دشواری قابل انجام هستند. در جرایم مورد درخواست کشور ما که مجرمین و مرتکبین آن ها فراری هستند اغلب مواردی مانند کلاه برداری و سرقت وجود دارد که در آن ها شرکای جرم نیز دیده می شوند. اصولاً این امر که مجرمین از موقعیت خود در کشوری که به آن پناهنده می شوند نباید اطمینان خاطر داشته باشند تا حدود زیادی به برقراری نظم جهانی کمک می کند. به طور کلی در یک جامعه کوچک یا در یک کشور یا در سطح جهان هیچ فرد خلاف کار نباید مورد حمایت باشد و در قبال عمل مجرمانه نباید احساس حمایت کند. این امر زمینه های فرار مجرمین و فکر پناهندگی به دیگر کشورها را محدود و نهایتاً ارتکاب جرایم کاهش می یابد. (همان)

گفتار سوم: جلب در حقوق ایران

جلب برای انجام تحقیقات مقدماتی و اجرای حکم است و ممکن است مقارن با وقت محاکمه نباشد. در این صورت سلب آزادی مجلوب بی فایده است که باید فوراً آزاد گردد. بخصوص در جرایم حق الناس که به موجب ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری امکان صدور رأی غیابی وجود دارد و نیازی به جلب متهم برای حضور در مرحله ی محاکمه نیست و قاضی حکم پرونده ی کیفری را صادر می نماید. اما برای جرایم حق الهی همچنان امکان جلب برای مرحله ی محاکمه وجود دارد، زیرا صدور حکم در جرایم حق الهی منوط به حضور متهم است.

مطلب اول: لزوم پایبندی به دستور مقام قضایی

انسان ذاتاً آزاد از قید و بندهای اجتماعی است، اما چون بناچار در اجتماع زندگی می کند اختیارات خود را به جامعه طبق پیمان تفویض می کند که به آن باید پای بند باشد. (نوربها، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲) درواقع پذیرش قانون توسط انسان به حکم عقل عقلی، اطاعت از قوانین دولتی را به عنوان یک وظیفه اخلاقی می پذیرد. حتی اگر محتوای قانونی با اصول و قوانین اخلاقی مطابقت نداشته باشد، (کیوان فر، ۱۳۸۸ ص ۳۲۳) ممکن است جلب افراد برای الزام به کار یا هدف خاصی نباشد، شاید این امر به دلیل بی توجه افراد به دستور مرجع قضایی رخ می دهد. آن جا که افراد نزد مقام قضایی حاضر نشده و عذر موجه خود را به آن مرجع و مقام قضایی اعلام نمی دارند، در صورت عدم رعایت مقررات وضع شده از سوی حکومت این اختیار را قانونگذار به مقام قضایی می دهد تا برابر مقررات قانونی، افرادی را که در جلسه رسیدگی حضور نمی یابند آزادی افراد را سلب نماید، زیرا، گاه عدم حضور افراد در جلسه باعث اطاله دادرسی و تضییع حقوق افراد گردد.

مطلب دوم: حفظ مصلحت اجتماع

زمانی که جرمی ارتکاب می یابد در وهله ی اول به نظم و مصلحت اجتماع که توسط قانونگذار وضع شده است خدشه وارد می گردد، بنابراین نظام عدالت کیفری جامعه برای اعاده ی وضع به حالت سابق وارد عمل می گردد. افراد دخیل را برای جلسه رسیدگی برابر مقررات آیین دادرسی کیفری دعوت می نماید در صورت عدم حضور مرتکب جرم بعنوان متهم بدون عذر موجه وی جلب خواهد شد که همین امر می تواند نشانگر جدیت این دستگاه در رسیدگی به اعمالی باشد که نظم جامعه را دچار خدشه می نماید. تا باعث جلب اعتماد مردم به دستگاه قضا و جلوگیری از تکرار جرم مجرمین و پیش گیری از جرم باشد. وجود فرایند واحد در رسیدگی به جرایم می تواند آثار مثبت بسیاری در جامعه داشته باشد. که مهمتر از همه دلالت بر حیات و یکپارچگی جامعه در برخورد با مشکلات است.

مطلب سوم: احقاق حق شاکی

غالب جرائمی که واقع می گردند به حقوق شاکی لطمه وارد می گردد؛ از همین رو به دنبال احقاق حق خود از نظام عدالت کیفری برمی آید. پس از شکایت وی است که نظام عدالت کیفری دست بکار می گردد. از همین رو است که قانونگذار در جهت احقاق حق شاکی پیش بینی کرده است. از آنجا که عموماً احقاق حقوق شاکی ملازمه با تکلیف متهم یا دیگران دارد، آنها ممکن است حاضر به حضور نزد مقامات دخیل در رسیدگی نشوند. لذا در صورت عدم حضور بدون عذر موجه در جلسه رسیدگی برابر مقررات باید جب شوند. تا بدین وسیله تحقیقات برای احقاق حق شاکی کامل گردد و حقوق افراد پایمال نگردد.

مطلب چهارم: تسریع در رسیدگی

هنگامی که جرم واقع می گردد نیاز به تسریع در احقاق حق و اجرای عدالت است که خود خاصیت پیشگیرانه نیز دارد. اساساً اگر اجرای حق و عداوت بطول بکشد نه اینکه پیشگیرانه نیست بلکه مجرمین و دیگران را در ارتکاب جرم جری و جسور می کند تا بدین گونه یکی از اهداف اجرای قوانین به ویژه قوانین کیفری که برقراری نظم است به وقوع بپیوندد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴) لذا لازم است که هرچه سریعتر رسیدگی بجریان افتد. تسریع در رسیدگی به عنوان یکی از ابزارهای توسعه قضایی در پرونده های کیفری مطرح است. (گلدوست، ۱۳۸۸ ص ۶۵۳) تا کیفر بلافاصله و تعاقب جرم و رسیدگی به اجرا در آید که عادلانه تر و مفیدتر است. (بکاریا، ۱۳۸۹، ص ۸۳)

عموماً تسریع در رسیدگی با وقت در رسیدگی را می توان به دو کفه یک ترازو شبیه کرد. بطوری که بر یکی بیافزائی از دیگری کم خواهد شد. البته که نباید دقت را فدای سرعت در رسیدگی کرد. ولی در هر حال لازم است که رسیدگی در جریان باشد. در غیر این صورت از دستگاه قضا سلب اعتماد عمومی، اشاعه ی فشا و تضییع حقوق افراد دخیل در پرونده می گردد. لذا لازم است مقامات قضایی افراد مورد نظر را که حضور آن ها در جریان رسیدگی ضروری است احضار و الا جلب کنند تا به این گونه جایگاه اصل تسریع در رسیدگی که از خصوصیت یک دادرسی عادلانه است، حفظ گردد.

گفتار چهارم: چگونگی جلب در قانون آیین دادرسی کیفری

شرایط صدور برگ جلب متهم بدون شرایط خاص منوط به: شناسایی متهم، وجود دلیل، صدور جلب متهم از مراجع کیفری، شخص حقیقی بودن متهم، سبق احضاریه، عدم داری بودن عذر موجه، کتبی بودن مندرجات برگ جلب متهم و مندرجات برگ جلب متهم، می باشد.

مطلب اول: شناسایی متهم

جرم را شخص یا اشخاص خاصی انجام می دهند. اگر این افراد قابل مجازات یا مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی باشند تعقیب می گردند تا پس از تحقیق محاکمه و در صورت محکومیت متحمل مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی شوند. به موجب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است:

الف- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی.

ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن.

پ- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس.

ت - اظهار و اقرار متهم.

ث- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر».

در صورتی که جرمی واقع شود ولی مرتکب آن معلوم نباشد هرچند ممکن است پرونده تشکیل گردد ولی بازپرس یا مقام قضایی نباید دستور جلب کسی را صادر نماید، زیرا به موجب ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می دارد: «جلب متهم به موجب برگه جلب به عمل می آید. مضمون برگه جلب که حاوی مشخصات متهم و علت جلب است باید توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود». بنابراین چون لازم است در برگ جلب متهم مشخصات متهم در آن ذکر گردد، در صورت عدم شناسایی متهم نمی توان برگ جلب متهم را صادر و آن را در اختیار ضابطین دادگستری قرار داد. اگر متهم قابل شناسایی نبود طبق بند الف ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی عمل می گردد که مقرر می دارد: «... الف- متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ)، و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می شود...». تا پس از شناسایی جلب گردند.

بنداول: وجود دلیل

یکی از عواملی که مانع از سوء استفاده بازپرس و مقامات قضایی در زمان احضار و جلب افراد می شود ضرورت وجود دلایل متقن در هنگام احضار و جلب افراد است. ممنوعیت احضار و جلب افراد در هنگامی که دلایل متقن وجود ندارد مانع از احضار و جلب افراد به صورت خودسرانه می باشد. اصل برائت ایجاب می نماید که تا هنگامی که دلایل متقن به دست نیامده است از هرگونه احضار و جلب افراد باید اجتناب نمود، لزوم وجود دلیل برای صدور برگ جلب در ماده ۱۶۸ قانون، آیین دادرسی کیفری بیان شده است که مقرر می دارد: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم

احضار یا جلب کند». در صورتی که مقام قضایی کسانی را بدون دلیل احضار یا جلب نماید به موجب تبصره ماده فوق الذکر به محکومیت انتظامی تا درجه ۴ محکوم می گردد؛ همان طور که از قوانین و مقررات فوق پیدا است، تمامی افراد در پرتو اصل برائت قرار دارند و برای سلب آزادی آن ها نیازمند وجود دلیل است. قانونگذار در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ادله ی اثبات امور کیفری را بر می شمارد: «ادله ی اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است». مواردی که به عنوان علم قاضی برای صدور برگ جلب می توان استفاده کرد را قانونگذار در تبصره ی ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صورت تمثیلی بیان نموده است که عبارتند از: نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور است برای مقام قضایی مانند جواب آزمایش DNA.

شاکی یا دادستان زمانی که اعلام جرم می نمایند، باید ادله ی استنادی خود را برشمارند تا بر این اساس صدور برگ جلب متهم متعاقب بررسی وجود دلایل ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد که قابل استناد به متهم است. به موجب نظریه اداره ی حقوقی به شماره ۷/۶۸۴۳ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۴ صرف شکایت شاکی مجوزی برای صدور برگ جلب نخواهد بود. مگر این اظهارات او مورد ثقه باشد و مشخصات شخص را به طور کامل معین کند. از طرفی نیز وجود دلایل در بدو امر به منزله ی احراز جرم نیست. بلکه ممکن است بازپرس یا مقامات قضایی با لحاظ اطلاعات واصله، متهم جلب شده را مجرم شناسند. (Fortson- Rodi (2002), p. 355) بر همین اساس دلیل باید منطقی باشد، (Orfield, Lester (2005), p. 15) که معیار نوعی و عینی دارد، (پرویزی فرد، ۱۳۹۱، ص ۸۰) منشور از نوعی بودن دلیل یعنی آن که افراد معقول جامعه آن را به عنوان دلیل نپذیرند و منظور از عینی بودن دلایل به معنای آن است که واضح و روشن باشد که در صدور برگ جلب باید به آن توجه داشت. اصل برائت در صدور برگ جلب متهم توسط مقام قضایی باید در نظر گرفته شود. در صورتی که بازپرس یا مقامات قضایی برخلاف قانون، آزادی افراد ملت سلب کنند به موجب ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) قابل پیگرد قانونی هستند.

بند دوم: صدور برگ جلب متهم از مراجع کیفری

برگ جلب باید با دستور مقام قضایی منصوب در مرجع قضایی کیفری صادر گردد، به موجب بند ۲ ماده ۱۱ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مقام قضایی کسی است که با این عنوان با ابلاغ رئیس قوه قضاییه در یک مرجع قضایی فعالیت می کند، منظور از مرجع قضایی عل الاطلاق کلیه مراجعی است که به موجب قانون تشکیل شده و به جرایم، دعاوی و اموری که در صلاحیت آن ها است رسیدگی و اقدام به صدور رأی می نمایند. (شمس، ۱۳۸۷ ص ۲۸) مقصود از مراجع قضایی ذی صلاح صدور جلب، دادسرا و دادگاه های کیفری اعم از بدوی و تجدیدنظر است. مراجع قضایی غیر کیفری و مراجع غیرقضایی که از افراد غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرایم دخالت دارند (خالقی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴) مانند اعضای هیأت منصفه، اعضای شورای حل اختلاف و مقامات سازمان تعزیرات حکومتی مجاز به صدور برگ جلب نیستند، شاید این سوال به ذهن برسد که شورای حل اختلاف در رسیدگی های کیفری حکم به

مجازات هم می تواند بدهد. بنا بر ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴^{۱۲} باید در نظر داشت که اعضای شورای حل اختلاف نظر مشورتی برای قاضی شورا صادر می نمایند، بنابراین نمی توانند مجاز به سلب آزادی افراد باشند. از همین رو در رسیدگی کیفری شورای حل اختلاف رسیدگی در پرونده بر عهده قاضی شورا می باشد. وی در رسیدگی های کیفری خود در صورتی جلب متهم را لازم بداند اقدام به این امر می نماید.

ممکن است متهم پرونده مقام قضایی باشد که تعقیب وی از سوی مراجع کیفری منوط به رسیدگی در دادسرا و دادگاه انتظامی قضات است. مستند به ماده ۲ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، مقامات قضایی به کسانی گفته می شود که به عنوان قاضی به حکم رئیس قوه قضاییه به سمت قضایی منصوب می شوند، زمانی که قاضی مرتکب جرم گردد، تعقیب کیفری مقامات قضایی منوط به یک شرایط خاص خود به خود می باشد، زیرا شایسته و منطقی نیست شخصی که قاضی است توسط همکارش که هر دو در شرایط، صلاحیت و اختیارات قانونی یکسانی قرار دارند، مورد تعقیب و جلب یا به عبارتی سلب آزادی قرار گیرند و چه بسا، جلب مقامات قضایی ممکن است در تعارض با انجام وظیفه اش باشد و چون تعقیب کیفری قاضی تنها پس از تعلیق او توسط دادسرا و دادگاه انتظامی قضات ممکن است، هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی را از سمت قضائی را صدور رأی قطعی توسط مرجع ذی صلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلیل تصمیم مقتضی را می گیرد. و به موجب ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ که مقرر می دارد: «هرگونه احضار، جلب و بازداشت قضات و بازرسی محل سکونت، محل کار و اماکنی که در تصرف آنان است، بدون رعایت مواد این فصل ممنوع است و مرتکب به مجازات بازداشت غیرقانونی محکوم می شود». بنابراین احضار و متعاقب آن جلب قضات به عنوان متهم تا تعیین تکلیف در دادگاه انتظامی قضات توسط دادسراها و دادگاه های قضائی کیفری انجام نمی گیرد.

^{۱۲} ماده ۹: در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید:

الف- دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در دادگستری مطرح می باشند.

ب- تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه.

پ- دعاوی تعدیل اجاره بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد.

ت - صدور گواهی حصر وراثت، تحری ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن.

ث- ادعای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ج - دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (الف) در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشند. چ - تأمین دلیل.

ح- جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت باشد.

تبصره ۱- بهای خواسته براساس نرخ واقعی آن تعیین می گردد. چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوی اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در صلاحیت شورا باشد، یا قاضی شورا نسبت به آن تردید کند قبل از شروع رسیدگی رأساً یا با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین می کند.

تبصره ۲. شورای حل اختلاف مجاز به صدور حکم شلاق و حبس نمی باشد.

تبصره ۳- صلاحیت شوراها حل اختلاف روستا مستقر در روستا صرفاً صلح و سازش می باشد.

گفتار پنجم: محاکمی که حق صدور جلب را در ایران دارند

مطلب اول: صدور برگ جلب متهم از دادسرا

در حقوق ایران صدور برگ جلب از سوی دادسرا توسط دادسرا عمومی و انقلاب و یا از سوی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، دادرسی ویژه روحانیت و دادرسی نظامیان صادر خواهد شد. که صدور برگ جلب توسط هریک از این دادسراها را در این بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند اول: صدور برگ جلب متهم از دادرسی عمومی و انقلاب

تحقیقات مقدماتی الاصول باید توسط بازپرس به عمل آید ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص بیان می دارد: «تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند». در این گونه موارد که پرونده در اختیار بازپرس است، مطابق با ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری دادستان حق تعلیم و نظارت بر اقدامات بازپرس را دارد، مطابق با ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه دادستان تحقیقات را کامل نداند تکمیل آن را می تواند از وی بخواهد و بازپرس مکلف به انجام آن است، در حالی که در پرونده هایی که متعاقباً پس از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری ۲ ارسال خواهد شد دادستان خود می تواند برگ جلب متهم را صادر نماید، زیرا درخصوص این قبیل پرونده ها که در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است به موجب ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان در صورت نبودن بازپرس، انجام تحقیقات مقدماتی و جابه جایی پرونده ها از شعبه ای به شعبه دیگر دارای اختیار است و می تواند برگ جلب متهم را صادر نماید. باید بیان داشت درخصوص جرایم ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری به دلیل آن که این جرایم مستقیماً در دادگاه رسیدگی می گردند همین مرجع صلاحیت دارد که دستور جلب متهم را صادر نماید. رسیدگی به جرایم نظامیان در دادرسی نظامیان براساس قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳ است که به قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ الحاق و از سال ۱۳۹۴ لازم اجرا گردد و جلب نظامیان در مراجع قضایی نظامی در عمل به آن است.

تبصره ی ۱ ماده ی ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، مقرر می دارد: «حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی ز شهرهای بزرگ» حوزه قضایی هر دادگاه محدود به مکان معینی است (مدنی، ۱۳۹۰ ص ۳۱۰) و مقام قضایی تنها در محدوده ی فعالیت خود حق صدور برگ جلب متهم را دارند و در خارج از این محدوده، به موجب ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری،^{۱۳} نیازمند اعطای نیابت قضایی به حوزه ای می باشند که متهم حضور

^{۱۳}. ماده ۱۱۹- هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه قضایی محل مأوریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضائی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آنها را از بازپرس محل، تقاضا می کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطائی، موضوع نیابت را انجام می دهد و اوراق تنظیمی را پس از

دارد. اگر مرجع صدور نیابت دستور جلب متهم را برخلاف قانون برای مرجع نائب صادر نماید، مرجع نائب مکلف به انجام آن نخواهد بود. مثل آن که مرجع نائب تشخیص دهد که مرجع صادر کننده برگ جلب صلاحیت ذاتی ندارد که در این صورت مکلف به انجام آن نخواهد بود، ولی اگر دستور جلب متهم با ظاهر قانون مغایرت نداشته باشد، قاضی نائب موظف به اجرای آن است و هرگونه مسئولیت ناشی از آن بر عهده مقام قضایی منوب عنه است که چنین دستوری را صادر نموده است.

بازپرس یا سایر مقامات قضایی در صورتی که موارد رد دادرسی در ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری را دارا باشد باید از رسیدگی امتناع نمایند، باید به این امر توجه داشت که هرچند منظور از رسیدگی، رسیدگی ماهوی و شکلی می باشد ولی مقررات رد دادرسی در رسیدگی ماهوی است که متعاقب آن اظهارنظر ماهوی در خصوص انتساب یا عدم انتساب جرم می باشد؛ شاید به همین خاطر بوده است که موارد رد در تبصره ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری از انجام تحقیقات مقدماتی یاد نکرده است. یعنی تحقیقات مقدماتی هرچند ملازم با اقدامات و تصمیمات ماهوی است داخل در موارد رد دادرسی نمی گردد و در صورت وجوب موارد مذکور در ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقامات دادسرا به تحقیقات مقدماتی ادامه خواهند داد. لیکن تحقیقاً محل تأمل است. زیرا که این تصمیمات و اقدامات چنانچه ناشی از تعصب و جانبدارانه باشد، مسیر پرونده را از بی طرفی خارج و آماده اتخاذ رأی علیه ذی حق می گرداند که با اصول دادرسی عادلانه در تعارض است.

اگر افراد خارجی مقیم در ایران قوانین جزایی ایران را نقض نمایند به مانند افراد ایرانی مورد تعقیب کیفری قرار خواهند گرفت. از همین رو به موجب ماده ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری احضار و در صورت عدم حضور متهم در موعد مقرر و نبود عذرهای مذکور در ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری به موجب ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری جلب خواهد شد مگر اینکه از مصونیت های مقرر قانونی برخوردار باشد.

بند دوم: صدور برگ جلب متهم از سوی دادرسی اطفال و نوجوانان

یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری شکلی، آیین دادرسی رسیدگی به جرایم اطفال است. (خالقی، همان، ص ۳۰۹) که باید به همراه آئین دادرسی کیفری نوجوانان مورد توجه خاص واقع شود از همین رو در ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان اشاره شده است. اطفال و نوجوانان سرنوشت و آینده جامعه را رقم می زنند، از همین رو اطفال و نوجوانان علاوه بر تمام تضمینات دادرسی عادلانه حقوقی که نسبت به بزرگسالان اعمال می شود، مستحق بهره مندی از حمایت های خاص فوق العاده هم هستند. (اشراقی، ۱۳۹۰، ص ۶۱) درخصوص این که طفل چه کسی می باشد تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری طفل را کسی می داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، منظور از حد بلوغ شرعی در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ذکر می کند. این ماده مقرر می دارد: «سن بلوغ در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است».

امضاء به همراه سایر مدارک به دست آمده نزد مرجع نیابت دهنده می فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت دهنده اعلام می دارد. تبصره ۱- انجام نیابت قضائی در حوزه قضائی بخش به عهده رئیس یا دادرسی علی البدل دادگاه آن محل است. تبصره ۲- در مواردی که افراد متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادر کننده رأی الزامی است.

اگر در بالغ بودن شخصی تردید واقع شود، اصل عدم حدوث است و نباید شخص را بالغ شرعی دانست، مگر این که به کمک ظواهر مسلم یا با جلب نظر پزشکی قانونی که دلالت بر بلوغ دارد این امر را احراز گردد. (آقائی جنت مکان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳) افراد نابالغ که طفل به حساب می آیند به طفل ممیز و غیر ممیز قابل تقسیم می باشند. اگر اعمالی از آن ها سر بزنند که جرم تعزیری باشد مستند به ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی تا قبل از سن نه سال شمسی مسئولیت کیفری نخواهند داشت؛ در تعلیل آن برخی معتقدند فقدان تمیز، عامل عدم مسئولیت آن ها است نه صغارت، (کاستانید، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷) هر چند اطفال کمتر از نه سال شمسی در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت جزایی هستند، عدم مسئولیت جزایی طفل بدین معنا نیست که طفل را رها کنند، (نوربها، همان، ص ۳۰۰) چه بسا ممکن است بخاطر ارتکاب جرم موجب حد یا قصاص مستند به ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی قرار می گیرند.

با توجه به مطالب فوق و این که اطفال و نوجوانان با بیش از نه سال و کمتر از پانزده سال هم در صورت ارتکاب جرائم تعزیری یا حد و قصاص مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی قرار می گیرند، آیا امکان جلب آنها وجود ندارد؟ در این خصوص باید گفت بدهتاً اجرای هر حکم محکومیت اعم از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی متوقف بر دادرسی و تحقیقات است که از جمله آنها تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع می باشد. که انجام این اقدامات جز با احضار و در صورت عدم حضور با جلب ممکن نیست. لذا در صورت ارتکاب جرم توسط طفل برای انجام تحقیقات امکان احضار و جلب طفل وجود دارد. هر چند در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات خاصی برای جلب طفل و نوجوان پیش بینی نشده است، در ماده ۵۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می دارد: «مواردی که مقررات ویژه ای برای دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان و نیروهای مسلح مقرر نگردیده تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است». از همین در صورت ارتکاب جرم توسط طفل در هر سنی که قاضی وی را مستحق تحمل هر محکومیتی بداند به موجب ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری احضار و در صورت عدم حضور به موجب ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری جلب خواهد شد.

بند سوم: صدور برگ جلب متهم از دادسرای ویژه روحانیت

یکی از دادگاه های اختصاصی که در کشور ایران تشکیل شده ست، دادگاه ویژه روحانیت است، ویژگی خاص این نهاد عدم تقنین آن توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان است. بلکه تأسیس و فعالیت آن تحت نظر مقام رهبری می باشد؛ هر چند در ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به آن اشاره شده است.^۴ مستند به ماده ۱۶ آیین نامه دادسرا و دادگاه های ویژه روحانیت روحانی کسی است که دارای تحصیلات حوزوی و یا در حین تحصیل در حوزه علمیه است و یا کسی است که دارای تحصیلات حوزوی نیست ولی در عرف به وی روحانی گفته می شود، در صورت ارتکاب جرم توسط روحانی دادگاه و دادسراهای عمومی و انقلاب صلاحیت رسیدگی به جرایم این افراد را دارای نمی باشند. به موجب ماده ۱۳ آیین نامه ویژه روحانیت صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت به این شرح است:

^۴. ماده ۵۲۸ - دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت، رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) تشکیل گردیده طبق اصول پنجم (۵) و پنجاه و هفتم (۵۷) قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را مصلحت بداند به جرائم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضائیه می باشد.

۱. کلیه جرایم روحانیون
۲. کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون (حتی اگر در قوانین موضوعه جرم تلقی نشده باشد).
۳. کلیه اختلافات محلی محل امن عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
۴. کلیه اموری از سوی مقام رهبری برای رسیدگی به آن ارجاع می شود. پس از کشف جرم توسط ضابطین جرم و اطلاع آن به دادستان و ارجاع پرونده به بازرس پس از آن که مشخص گشت متهم روحانی است، احضار و جلب متهمی که روحانی است به دلیل آن که رسیدگی به جرایم این افراد در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت است در دادگاه و دادرهای عمومی و انقلاب قانونی نیست. احضار و جلب آن ها در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت صورت خواهد پذیرفت. از همین رو به موجب ماده ۲۸ آیین نامه ویژه روحانیت صدور برگ جلب متهم منوط به دستور دادستان و دادیاران دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت خواهد بود و این تشکیلات دارای بازپرس نخواهد بود. باید توجه داشت به موجب ماده ۳۱ آیین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت جلب و تعقیب شرکا و معاونین و افراد مرتبط با متهم روحانی هم توسط این دادگاه انجام می گیرد. حتی در صورتی هم که شخص روحانی به عنوان نماینده شخص حقوقی موجب شود که شخص حقوقی مرتکب جرم شود وی برای پاسخگویی به دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت احضار می گردد در صورتی عدم حضور بودن عذر موجه توسط همان دادگاه جلب می گردد، در این خصوص جلب وی توسط دادگاه های عمومی یا انقلاب صورت نمی گیرد، در این صورت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که به جرم روحانی رسیدگی می کند. چرا که به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع از مسئولیت کیفری شخص حقیقی نیست به جرم شخص حقوقی نیز رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

بند چهارم: صدور برگ جلب متهم از دادسرا نظامی

به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، اعم از نیروی نظامی یا انتظامی، دادسراها و دادگاه های نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، اعم از نیروی نظامی یا انتظامی، دادسراها و دادگاه ها نظامی تشکیل شده است. مقامات قضایی دادسراهای نظامی دادستان، معاون دادستان، دادیار و بازپرس هستند. دادسراهای نظامی در معیت دادگاه های نظامی انجام وظیفه می کنند. تعقیب و تحقیق از مرتکبین جرایم داخل در صلاحیت دادگاه های نظامی بر عهده دادسراهای نظامی است. این دادسراها در مراکز استان ها و شهرهایی تشکیل می شود که رئیس قوه قضائیه لازم بداند حدود وظایف، اختیارات و نحوه رسیدگی آنها به شرحی است که در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳ که در سال ۱۳۹۴ لازم اجرا گشت، مشخص شده است، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ بصراحت متن ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ملغی گردید و قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ نیز با تصویب بخش هشتم آیین دادرسی نیروهای مسلح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به موجب ماده

^{۱۵}. ماده ۱۴۳- در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منابع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

۶۹۸ قنون فوق الذکر به جز مواد ۴ و ۸ و ۹ این قانون ملغی گردیده است.^{۱۹} از آن جایی که در بخش هشتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که ناظر به آیین دادرسی نیروهای مسلح است بحثی از شرایط صدور و شرایط اجرای جلب متهم نظامی در به میان نیامده است جلب نظامیان به موجب ماده ۵۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری در عمل به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ توسط دادسرا یا دادگاه های نظامی به عمل خواهد آمد، براین اساس شخص نظامی به موجب ماده ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه به موجب ماده ۱۷۹ این قانون جلب خواهد شد.

در خصوص موارد مذکور در ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری امکان صدور برگ جلب از ابتدا وجود خواهد داشت. هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد به موجب ماده ۶۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری متهم نظامی به وسیله آگهی احضار می گردد. این ماده مقرر می دارد: «هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد وین امر به طریق دیگری هم مقدور نباشد با موافقت رئیس سازمان قضایی استان یا معاون وی، متهم یک نوبت به وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار کشوری یا محلی و با درج مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می شود، چنانچه متهم پس از انقضای مهلت مقرر حضور نیابد، رسیدگی طبق مقررات ادامه می دهد». در این جا باید به این موضوع اشاره نمود احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح و متهمان وزارت اطلاعات براساس دستورالعملی است که به موجب تبصره ۱ ماده ۶۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب فرماندهی کل قوا رسیده است.

مطلب دوم: صدور برگ جلب متهم از سوی دادگاه های کیفری

دادگاه های کیفری به موجب ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی قابل تقسیم و تفکیک می باشند.

بند اول: صدور برگ جلب از سوی دادگاه کیفری دو

پس از انجام تحقیقات مقدماتی از متهم و صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست توسط دادسرا و ارسال پرونده به دادگاه جهت رسیدگی و یا در صورتی که جرم از جرایم مذکور در ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری باشد (که مستقیماً باید در دادگاه به آن رسیدگی شود) این دادگاه خود باید تحقیقات را به عمل بیاورد. دادگاه کیفری دو صلاحیت

^{۱۹} . قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴

ماده ۴- دادگاه نظامی یک مرکب است از یک رئیس یا دادرس علی البدل و یک مشاور که حق رأی با رئیس دادرس علی البدل دادگاه است. تبصره - در دادگاه نظامی یک. رئیس یا دادرس علی البدل اعم از این که نظامی باشد یا غیرنظامی مشاور از میان حقوقدانان نظامی تعیین می گردد. و مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده و نظرات خود را مستنداً به صورت کتبی اعلام نماید. ماده ۸- در کنار هر دادگاه نظامی، یک دادسرا مرکب از یک دادستان و به تعداد کافی بازپرس و دادیار و کارمند دفتری زیر نظر دادستان کل کشور وجود خواهد داشت. اولویت در تصدی سمت های قضایی در دادگاه های نظامی یا حقوقدانان نظامی است. تبصره - در هر جایی که دادگاه نظامی تشکیل شده شورای عالی قضایی می تواند در صورت لزوم شعبه و یا شعبی اضافه نماید. ماده ۹- نیروهای نظامی و انتظامی بنا به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی مکلف به انتقال حقوقدانان نظامی و پرسنل مورد لزوم بهین سازمان هستند.

رسیدگی به تمامی جرایم را دارا می باشد. مگر آن دست از جرایمی که به موجب ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، یا شخص متهم به ارتکاب چندین جرم باشد که حداقل یکی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است. در خصوص صدور برگ جلب متهم از سوی دادگاه ماده ۳۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشد و دادگاه حضور وی را لازم بداند، علت ضرورت حضور در احضاریه ذکر می گردد و با قید این که نتیجه عدم حضور جلب است، احضار می شود. هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه همچنان حضور وی را ضروری بداند، برای روز و ساعت معیت جلب می شود. چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع جنبه حق الهی نداشته باشد بدون حضور وی رسیدگی و رأی مقتضی صادر می شود». بر همین اساس برگ صدور جلب متهم از سوی دادگاه منوط است به عدم حضور متهم بدون عذر موجه است این معاذیر در تبصره و ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری بیان گردیده است. چنانچه دادگاه حضور متهم را در جلسه دادگاه ضروری بداند وی را با قید عدم حضور جلب احضار می نماید و هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشد قاضی دستور جلب متهم را برای روز و ساعت معین صادر می نماید که این امر ممکن است باعث متواری شدن متهم گردد. زیرا متهم یا وکیل وی که دسترسی به پرونده داشته باشد و از زمان تشکیل جلسه دادگاه آگاه باشد. متهم خود را در آن زمان معین از دسترسی ضابطین دادگستری خارج خواهد کرد، هرچند این ماده مقرر می دارد عدم دسترسی به متهم مانع روند رسیدگی در جرایم حق الناس نخواهد بود. از این رو نباید با لحاظ اینکه به متهم با ارسال احضاریه امکان دفاع داده می شود خود از آن استفاده نمی کند و با لحاظ اینکه اگر حکم غیابی صادر شود امکان دفاع متهم همچنان محفوظ است نباید به متهم فرصت داد که از اجرای دستور قانون یا قاضی سوء استفاده کند و با عدم حضور خود در دادگاه یا عدم دسترسی دستور قاضی را به چالش بکشد.

بند دوم: صدور برگ جلب از سوی دادگاه کیفری یک

دادگاه کیفری یک، یک دادگاه اختصاصی که به جرایم موضوع ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی می نماید. بعلاوه در صورتی که متهم به زنا یا لواطی باشد که مجازات آن سلب حیات است تحقیقات مقدماتی این جرائم مستقیماً در دادگاه کیفری یک صورت می پذیرد. در این دادگاه جلب برای رسیدگی به موجب ماده ۳۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری صورت می پذیرد. در صورتی که متهم احضار گردد برای حضور در دادگاه و حاضر نگردد بدون عذر موجه جلب می گردد. البته اگر حضور وی برای رسیدگی ضروری نباشد و از جرایم حق الهی نباید دادگاه به رسیدگی ادامه خواهد داد.

بند سوم: صدور برگ جلب از سوی دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرایم مذکور در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری را دارا می باشد. رسیدگی در این دادگاه براساس قانون آیین دادرسی کیفری به عمل می آید. این دادگاه می تواند برابر مقررات قانونی متهم را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه به موجب ماده ۳۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری برگ جلب متهم را صادر نماید و متهم به موجب این ماده جلب خواهد شد.

بند چهارم: صدور برگ جلب متهم از سوی دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان در راستای رسیدگی ویژه به جرایم اطفال و نوجوانان تشکیل می شود، این دادگاه پس از تحقیقات مقدماتی به جرم ارتكابی توسط نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال توسط دادرسیا به موجب ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به جز جرایم موضوع ماده ۳۴۰ و ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری که مستقیماً در دادگاه رسیدگی می گردد؛ شروع به رسیدگی خواهد نمود. بعلاوه به موجب تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری این دادگاه به جرایم افراد نابالغ زیر پانزده سال هم رسیدگی می کند که مستقیماً در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می شود، متهمین این دادگاه در صورت احضار و عدم حضور برای رسیدگی به موجب ماه ۳۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری جلب خواهد شد، البته مقررات خاصی در این خصوص در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان پیش بینی نشده است. قانونگذار در ماده ۵۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته در صورت عدم پیش بینی مقررات خاص برای دادرسی اطفال و نوجوانان، این دادگاه تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است، از همین رو جلب اطفال و نوجوانان منع قانونی نخواهد داشت.

بند پنجم: صدور برگ جلب از سوی دادگاه نظامی

به استناد ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از دادگاه های کیفری دادگاه نظامی است و به موجب ماده ۵۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه نظامی به دادگاه نظامی یک و دو و دادگاه تجدیدنظر تقسیم می گردد. در ماده ۵۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و دادگاه تجدیدنظر نظامی همان صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و دادگاه تجدیدنظر استان است.

درخصوص افراد مشمول صلاحیت دادگاه های نظامی، ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ افراد مشمول این قانون را بر می شمارد. در عین حال، ملاک صلاحیت، داشتن سمت های فوق در زمان ارتكاب جرم است. بنابراین اگر مرتكب در زمان ارتكاب جرم یکی از سمت های فوق را داشته باشد مشمول صلاحیت دادگاه نظامی خواهد بود، هرچند که بعداً این سمت را از دست بدهد، به عبارت دیگر «رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرایم زمان اشتغال نمی شود» این امر در تبصره ۲ ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ذکر شده است. در صورتی دادگاه نظامی حضور متهم را در دادگاه برای رسیدگی ضروری تشخیص دهد افرادی که به عنوان متهم معرفی می گردد به موجب ماده ۳۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری احضار و در صورت عدم حضور به موجب همین ماده جلب خواهد کرد.

اما درخصوص نحوه احضار و جلب متهمینی که از فرماندهان و مسئولین نظامی تبصره ۱ ماده ۶۱۵ هستند منوط به اجرای دستورالعملی است که به تصویب مقام قضایی رسیده است. در این خصوص «دستورالعمل نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ مقام معظم رهبری» در مورد نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولین نظامی وضع شده است که برای کلیه مراجع قضایی لازم الاتباع است. مطابق این دستورالعمل کارکنان نیروهای مسلح از جهت نحوه احضار و جلب به دو گروه تقسیم می شوند:

الف – فرماندهان و مسئولین مشمول ماده ۳۲ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسیا و دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ که عبارتند از:

۱. فرماندهان تیپ های مستقل و بالاتر و همپراز آن تیپ ها در نیروهای هوایی، دریایی، نیروی مقاومت بسیج و نیروی قدس.
۲. شاغلین در محل های سازمانی سرلشکری به بالا.
۳. وزیر دفاع، جانشین و معاونین وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و روسای سازمان های وابسته به وزارت دفاع و کارکنان شاغل در محل های سرلشکری و به بالا.
۴. فرماندهان انتظامی استان ها و فرماندهان مناطق مقاومت بسیج.
۵. فرماندهان ارشد استان ها در واحدهای مربوط به ارتش و سپاه.
۶. احار و جلب نظامیان مذکور در بندهای فوق که بازنشسته شده یا به دستگاه دیگر منتقل شده باشد کماکان مشمول دستورالعمل خواهند بود.

احضار و جلب فرماندهان و مسئولین فوق الذکر مطابق مواد ۲ و ۳ و ۴ دستورالعمل مزبور از طریق دفتر ویژه سازمان قضایی نیروهای مسلح در تهران به عمل می آید. به موجب این مواد کلیه مراجع قضایی مکلفند که برای احضار یا جلب فرماندهان نظامی فوق تقاضای خود را به همراه گزارش پرونده و علت احضار به سازمان قضایی نیروهای مسلح تهران (دفتر ویژه) ارسال نمایند. (ماده ۲ دستورالعمل فوق الذکر). رئیس سازمان قضایی نیز قبل از تقاضای احضار یا جلب فرماندهان از طریق دفتر مقام معظم رهبری از طریق مکاتبه، لایحه دفاعیه فرماندهان مزبور را دریافت می نماید. (ماده ۳ دستورالعمل فوق الذکر) مگر این که به تشخیص رئیس سازمان قضایی احضار یا جلب فرماندهان ضروری باشد که در این صورت بدون اخذ لایحه دفاعیه، مراتب با شرح کامل و سوابق و ذکر علت احضار یا جلب، جهت کسب اجازه از مقام معظم رهبری به دفتر ایشان تقدیم می گردد. (ماده ۴). همچنین در موارد ضروری و فوری که بنا به تشخیص رئیس سازمان قضایی یا دادستان نظامی تهران، تأخیر در رسیدگی موجب خسارت جانی یا زیان های سنگین می گردد و یا بیم فرار یا تبانی در رابطه با موضوع می رود. دفتر ویژه می تواند رأساً اقدام به احضار یا جلب فرماندهان مزبور نماید که در این صورت موظف است مراتب را همراه گزارش کامل جهت استحضار مقام معظم رهبری به دفتر ایشان تقدیم نماید. (ماده ۸) در هر حال با موافقت مقام معظم رهبری مبنی بر احضار یا جلب فرماندهان نظامی کلیه اقدامات اجرایی آن فقط از سوی دفتر ویژه صورت می گیرد. (ماده ۵) جلب سایر کارکنان نیروهای مسلح مطابق ماده ۱۳ دستورالعمل مزبور، احضار و جلب سایر اعضای نیروهای مسلح برابر مقررات از طریق سلسله مراتب فرماندهی است.

مطلب چهارم: صدور برگ جلب متهم از سوی مرجع تجدیدنظر

مراجع تجدیدنظر حسب مورد دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور می باشند که حسب مورد نحوه صدور برگ جلب متهم در این دادگاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند اول: صدور برگ جلب متهم از سوی دادگاه تجدیدنظر استان

پس از آن که آراء دادگاه در خصوص متهم صادر می گردد ممکن است واکنش هایی در جهت اعتراض به این حکم وجود داشته باشد که منظور از این واکنش اعتراض به آراء دادگاه به محکومیت متهم یا براءت وی است. به موجب ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری طرفین پرونده می توانند نسبت به آرای صادره از مرحله بدوی درخواست تجدیدنظر نمایند، پرونده پس از وصول به دادگاه تجدیدنظر استان به ترتیب در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه و رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی در این واحد شماره دفتر ثبت و به وسیله رئیس کل دادگستری استان یا معاون او یا یکی از رؤسای شعب به انتخاب وی با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول از طریق سامانه رایانه ای در حوزه قضایی که در حوزه قضایی که سامانه ای دارند رجوع می شود. در صورتی که پرونده شرایط مذکور در بند الف، ب، پ و ت ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری دارا نباشد به موجب بند ث این قانون دادگاه تجدیدنظر بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین و تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری بداند صادر می کند. طرفین می توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست.

در خصوص جلب متهم دادگاه تجدیدنظر استان مستند به ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مطابق با قواعد و مقررات مرحله نخستین عمل خواهند نمود. بنابراین در صورت احضار متهم و عدم حضور وی در جلسه رسیدگی وی جلب خواهد شد. دستور جلب متهم در دادگاه تجدیدنظر با حداقل دو قاضی این دادگاه اتخاذ می گردد. این امر مستفاد از ماده ۳۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری است که اشعار می دارد: «در دادگاه کیفری یک و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش بینی شده است رأی اکثریت تمام اعضا ملاک است...». ممکن است گفته شود که جلب در مرحله تجدیدنظر بی معنی است. زیرا اگر متهم در جلسه دادرسی حاضر نشود حکم غیابی صادر می شود. لذا این فرصت برای متهم است که از حکم غیابی و اخواهی کند. این نظر قابل تأمل است زیرا لزوماً وجود پرونده در مرحله تجدیدنظر به این معنی نیست که متهم در هیچ جلسه دادگاه بدوی و نیز حداقل یک جلسه از دادگاه تجدیدنظر شرکت نکرده باشد و چون حکم دادگاه باید مطابق با واقع باشد چه بسا نیاز است که از متهم تحقیقات بیشتری بعمل آید که در این صورت ابتدا و در صورت عدم حضور جلب خواهد شد. در واقع جلب متهم در دادگاه تجدیدنظر به این معنی است که تحقیقات انجام شده از متهم کافی برای محاکمه نیست. و چون با ابلاغ احضاریه نزد قاضی حاضر نمی شود لزوماً باید جلب گردد، مخصوصاً در جرائم حق الهی که محاکمه متهم جز با حضور متهم ممکن نیست، لذا وقتی که در دادگاه حاضر نمی شود، باید متهم را جلب کرد. در اینصورت این سوال مطرح است که با فرض جلب متهم می توان بدون محاکمه علیه متهم حکم صادر کرد؟ که بنظر از نظر ادبیات دینی مانعی در اینخصوص نیست. ولی اگر جلب برای محاکمه باشد، مانعی برای صدور حکم در این نوع جرائم علیه متهم نیست. ولی اگر جلب برای محاکمه نباشد و متهم در این نوع جرائم در هیچ جلسه محاکمه شرکت نکند، نباید علیه متهم حکم صادر کرد. مگر اینکه متهم در حداقل یک جلسه دادگاه بدوی شرکت کرده باشد.

بند دوم: صدور برگ جلب متهم از سوی دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور به عنوان یک مرجع تجدیدنظر در حقوق ایران مطرح است. در صورتی که پرونده از جمله موارد مندرج ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری باشد توسط افراد مذکور در این ماده قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور خواهد بود. پرونده ها به ترتیب وصول، در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد یارانه در این واحد با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی ثبت می شود و توسط رئیس دیوان یا معاون او و در غیاب آنان، توسط یکی از رؤسای شعب دیوان به انتخاب رئیس دیوان عالی کشور و از طریق سامانه رایانه ای با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول به یکی از شعب دیوان ارجاع می شود. رسیدگی فرجامی در دیوان به موجب ماده ۴۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری بدون احضار طرفین دعوی یا وکلای آنان انجام می گیرد، مگر آن که شعبه رسیدگی کننده حضور آنان را لازم بداند. عدم حضور احضار شوندگان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست. در دیوان عالی کشور مستفاد از بند ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی شکلی است. (یعنی تطبیق رأی با پرونده و قانون که در صورت انطباق رأی تأیید خواهد شد. والا رأی نقش می شود) لذا امکان جلب محکوم علیه بدوی وجود نخواهد داشت.

درخصوص اعاده دادرسی مستقیم یا غیرمستقیم از طریق رئیس قوه قضائیه که از طرق خاص اعتراض به تصمیمات قطعی مراجع رسیدگی کننده به پرونده های قضائی است، رسیدگی بدون حضور طرفین پرونده صورت می گیرد.

در همین خصوص ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می دارد: «درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) این قانون، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی، ارجاع می دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر می نماید». بنابراین امکان صدور برگ جلب متهم در اعاده دادرسی وجود نخواهد داشت. مگر اینکه پس از پذیرش اعاده دادرسی پرونده در دادگاه همعرض صادر کننده رأی بدوی مطرح شود و این دادگاه یا مرجع قضایی نایب آن ضرورت ببند که نیاز به تحقیقات بیشتری منفرداً از متهم بدون تشکیل جلسه رسیدگی باشد که در این صورت ابتدا متهم احضار و اگر حاضر نشود جلب می شود.

مطلب پنجم: صدور برگ جلب به اعتبار اشخاص خاص

در این قسمت به موارد پرداخته می شود که صدور برگ جلب متهم از مراجع کیفری منوط به اعتبار اشخاص است که تحت عنوان: اتباع خارجی مقیم در ایران، مرکز استان و تهران پرداخته خواهد شد.

بند اول: دادسراها و دادگاه های مراکز استان

قانونگذار برای جلوگیری از سوء استفاده از نفوذ در دادگاه ها بر صلاحیت محلی دادگاه استثناء قائل شده و رسیدگی به آن جرایم را بر عهده ی دادگاه دیگری قرار می دهد که ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از موارد است تا عدالت و حق افراد به راستی رعایت گردد، این ماده مقرر می دارد: «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمانها، شرکتها و مؤسسه های دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه ها، سازمانها، ادارات

دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی استانها و شهرستانها، رؤسای دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آن که رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد». از همین رو نیز تعقیب کیفری اعم از احضار و جلب نیز توسط این دادسراها و دادگاه های مرکز استان صورت می پذیرد. چرا که با صلاحیت دادگاههاست که دادسراهای وابسته به آنها صلاحیت پیدا می کنند. بنابراین در صورت احضار و عدم حضور بدون عذر موجه توسط فوق الذکر به دستور بازپرس یا دیگر مقامات قضایی دادسرا و دادگاه مراکز استان جلب خواهند شد.

بند دوم: دادسراها و دادگاه های تهران

موارد صلاحیت انحصاری دادگاه ها و دادسراهای تهران که با تعیین صلاحیت ذاتی این دادسراها و دادگاه ها نیز است ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری است که استثنائاً مواردی را از صلاحیت دادسرا و دادگاه های محل وقوع جرم خارج و آنها را در صلاحیت دادسراها و دادگاه های تهران قرار داده است؛ این ماده مقرر می دارد: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه های کیفری تهران است، مگر آن که رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است». بر همین اساس در صورتی که اشخاص فوق احضار و بدون عذرهای مذکور در تبصره و ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری در جلسه رسیدگی در دادسرا یا دادگاه تهران حاضر نشوند به دستور مقام قضایی جلب خواهند شد.

بند سوم: جلب متهم بدون احضار در مرحله محاکمه

قانونگذار ایران در تبصره ماه ۳۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مواردی را به عنوان جلب متهم بدون احضار ذکر می نماید که تنها در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است. آنها عبارتند از بند الف، ب، پ و ت ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری^{۱۷}

^{۱۷} . ماده ۳۰۲ - به جای زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود:

الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات

ب- جرایم موجب حبس ابد

پ - جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دبه کامل یا بیش از آن.

ت- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر.

باشند. باید در نظر داشت که دستور جلب در این ماده اختیاری و منوط به تشخیص قضات دادگاه کیفری ۱ می باشد. از این ماده باید تفسیر مضیق و آن را در موارد محدود به محاکمه در دادگاه کیفری ۱ به عمل آورد که اعم از اینکه دادگاه بخواهد تحقیقات مقدماتی کند یا اینکه جلب برای محاکمه باشد که خیلی خوشبینانه است که متهم دقیقاً در موعد محاکمه جلب شود. در این خصوص نباید گفت قضات دادگاه کیفری ۱ نمی توانند برای محاکمه برای متهمین جرایم مذکور در ماده ۱۸۰ این قانون جلب بدون احضار پیش بینی شده باشد، چرا که موارد مذکور در ماده ۱۸۰ این قانون کلی و برای همه مقامات قضائی است که در حدود صلاحیتشان جلب بدون احضار متهم صادر کنند. ولی موارد مذکور در ماده ۳۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری خاص صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

پس از طی روند رسیدگی به جرایم و صدور حکم قطعی از سوی مراجع کیفری ذی صلاح نوبت به اجرای کیفر می رسد. قانونگذار در ماده ۵۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری محکوم علیه را برای اجرای کیفر برابر با مقررات فصل ششم این قانون احضار می نماید و در صورت عدم حضور محکوم علیه به وثیقه گذار یا کفیل اخطار می شود تا محکوم علیه را برای اجرای رأی حاضر کند و این امر مانع از صدور همزمان دستور جلب محکوم علیه نیست. اما تبصره این ماده به قاضی اجرای حکم این اجازه را داده است تا در صورت بیم فرار یا مخفی شدن محکوم علیه با ذکر دلایل در پرونده از ابتدا دستور جلب محکوم علیه را صادر نماید؛ دلایل استنادی برای صدور برگ جلب بدون احضار، با توجه به سابقه ی محکومیت کیفری محکوم علیه، شخصیت اجتماعی و اهمیت جرم ارتكابی توسط محکوم علیه است، جلب بدون احضار در مرحله اجرای حکم می تواند برای تمامی جرایم توسط قاضی اجرای حکم در نظر گرفته شود، همچنانکه اداره حقوقی دادگستری در نظریه مشورتی به شماره ۷/۸۰۲۲ مورخ ۱۳۸۰/۸/۳۰ جلب محکوم علیه برای اجرای حکم لازم الاجرا ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ را بلافاصله بعد از ابلاغ دادنامه فاقد اشکال قانونی دانسته است. در نظریه مشورتی دیگر این اداره به شماره ۷/۸۷۵۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۰ آمده است که می توان محکوم علیه را احضار و در صورت عدم حضور دستور جلب وی را صادر کند و یا آن که بلافاصله پس از ابلاغ دادنامه در اجرای حکم دستور جلب محکوم علیه را صادر نمود. حال آن که هر دو روش مجاز و بلااشکال است و هیچ کدام تکلیف برای مقام قضایی مجری حکم نیست. که بی توجهی به آن ها موجب ضمانت اجرایی برای وی باشد.

گفتار ششم: درخواست جلب متضمن درخواست استرداد توسط اینترپل

ایران جزو قدیمی ترین اعضای سازمان بین المللی پلیس جنایی به شمار می آید. قبل از ادغام نیروهای انتظامی دفتر ارتباط اینترپل ایران یکی از دوائر اداره کل تشخیص هویت شهربانی کل کشور محسوب می شد و وظیفه آن ارتباط و همکاری با مراکز پلیسی بین المللی جنایی کشورها و دبیرخانه کل اینترپل و واحدهای مختلف پلیس ایران و سایر دستگاه ها بود. همچنین امور مربوط به دستگیری و تعقیب تبهکاران بین المللی را به عهده داشت و با ارتباط دائمی و مستمری که با مراکز اینترپل در

دیگر کشورهای عضو داشت، نسبت به تعقیب و استرداد مجرمین بین المللی اقدام سریع به عمل می آورد. (مخدوم، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰) اینترپل تهران بعد از ادغام نیروهای انتظامیو تشکیل نیروی انتظامی واحد با توجه به اهمیت وظایف محوله به صورت یک اداره کل تحت تابعیت معاونت تحقیقات و کشف جرائم وقت ناجا سازماندهی شد. از مردادماه سال ۱۳۷۷ نیز با صلاحدید مسئولان ناجا ساختار سازماندهی اداره کل گسترش یافته و به صورت یک اداره کل مستقل با پنج اداره تخصصی انجام وظایف محوله را عهده دار شد. بی شک گسترش ساختار سازمانی اینترپل تهران در سالیان اخیر نشان دهنده اهمیت نقش اینترپل در مبارزه علیه جرائم و توجه مسئولان به این امر مهم است. (همان، ص ۱۰۱)

همانگونه که پیشتر بیان گردید جلب به واسطه استرداد انجام می گیرد. تقاضای استرداد باید از طریق سیاسی انجام شود. بدین ترتیب که از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال شود. چون تسلیم یک مجرم از کشوری دیگر با اعمال حاکمیت و روابط بین المللی دولت ها سر و کار دارد لذا دخالت وزارت امور خارجه ضروری است. مطابق ماده ۱۲ قانون استرداد ۱۳۳۹ بر طریق سیاسی تأکید شده است. برابر رویه های موجود طبق ماده مذکور درخواست استرداد باید حاوی جریان اتهام و چگونگی ارتکاب جرم و همچنین آثار آن باشد. موارد زیر به درخواست مذکور پیوست می باشد: (کریمی، محمدرضا، یبابانی، غلامحسین، منبع پیشین ص ۵۶)

۱. حکم محکومیت یا قرار جلب به محاکمه و برگ جلب یا توقیف

۲. دلایل و مدارک جرم و کیفیات قضیه

۳. رونوشت کلیه موارد استناد

۴. مشخصات کامل شخص مورد درخواست

۵. مستندات قانونی مقامات قضایی کشور درخواست کننده

در پروسه درخواست استرداد از ایران باید مشخصات کامل فرد درخواست شونده نیز موجود باشد. نام و نام خانوادگی کامل، تاریخ تولد، نام والدین، جنسیت، عکس، آدرس در ایران (در صورتی که مشخص باشد)، نام مستعار (در صورتی که داشته باشد)، نشانی محل سکونت در خارج از کشور (چنانچه موجود باشد)، شماره و محل صدور گذرنامه، نشانه ممیزه خاص، جریان اتهام یا محکومیت، شماره و کلاسه پرونده، تاریخ و محل وقوع جرم، آثار انگشتان متهم یا مجرم (در صورت موجود بودن)، مشخصات کامل برگ جلب، دلایل و مدارک جرم، نام قاضی رسیدگی کننده، مشخصات مرجع قضایی، نتیجه مراحل تحقیق و جریان اتهام، مشخصات شاکی یا زیان دیدگان از جرم و نشانی محل سکونت آنان. در هر حال به نظر می رسد که استرداد فرد در خواست شده متناسب با قوانین ایران و معاهدات دو جانبه انجام خواهد گرفت و ایران به خودی خود خود را متعهد به استرداد نخواهد دانست.

اگر ایران نیز در خواست جلب شخصی خارج از ایران داشته باشد نیز باید توسط اینترپل تهران وبه همین شکل عمل نماید. در این صورت باید به نکات زیر توجه گردد: (همان، ص ۸۷)

۱. اعلام موضوع به مرجع قضایی و درخواست عین حکم جلب بنام متهم و با عنوان مقام قضایی کشور مورد

نظر و ترجمه شده به زبان رسمی آن کشور؛

۱. مهر و امضا برگ جلب فوق الذکر از طریق مرجع تعقیب کننده متهم؛

۲. ارسال مدارک فوق توسط مرجع قضایی به اینترپل تهران؛
۳. ارسال برگ جلب واصله از طریق سیستم امن رایانه ای اینترپل به اینترپل مربوطه و درخواست بازداشت متهم به منظور استرداد؛
۴. ۵ دریافت اطلاعات مربوط به بازداشت متهم و اعلام به مرجع قضایی و اداره کل حقوقی و امور مترجمین قوه قضائیه و وزارت امور
۵. خارجه به منظور تهیه و ارسال مدارک استرداد به کشور مورد نظر از طریق مجاری دیپلماتیک؛
۶. پیگیری و ارسال تصویری از مدارک استرداد به اینترپل کشور مورد نظر به منظور تسریع و تسهیل در امر استرداد؛
۷. اعلام تاریخ و شماره نامه و مرجع تحویل گیرنده مدارک استرداد به استناد اعلام وزارت امور خارجه؛
۸. اعزام مأمورین بدرقه متهم که آشنایی به زبان آن کشور را داشته باشند به کشور مورد نظر اعزام می شوند؛
۹. تحویل متهم و صورت جلسه آن با مأمورین پلیس آن کشور؛
۱۰. دلالت متهم به مرجع قضایی خواهان؛

نتیجه گیری:

در حکومت اسلام آنچه که به نظر می رسد در سیاست سیاسی آن در روابط خارجی اهمیت بسزایی داشته است حفظ اصل استقلال می باشد. اصل استقلال به مفهوم کلی خود به معنای تسلط مسلمین بر سرزمین و اتباع خودشان می باشد که در هر حال اشخاص تابع حکومت اسلامی نیز باید جزئی از این استقلال در روابط حکومت اسلامی با دیگر حکومت ها ملاک عمل قرار بگیرد. به طور متناوب و بارها پیش آمده که بزهکاران پس از ارتکاب یا انجام بزه از کشور محل ارتکاب بزه گریخته اند. در عصر حاضر نیز با گسترش وسایل حمل و نقل، پیچیده و به روز شدن شیوه ی مجرمین در جعل بر گه های هویتی و اسناد سجلی، زیاد شدن باندهای مافیایی در خارج کردن غیرقانونی افراد از مرزهای کشورها و... فرار مجرمان شاید سهولت بیشتری پیدا کرده باشد. کشورها نیز همواره در پی آن بوده اند که مجرمین فراری را به کشور بازگردانده و عدالت را در مورد متهمان با مجرمان به اجرا دریاورند.

نظم و امنیت عمومی یا به بیانی بهتر احساس امنیت در میان شهروندان و اجرای عدالت در تمام زمینه ها و به طور مساوی و یکسان میان تمامی آنان بزرگترین خواسته ی افراد ساکن در یک کشور از حاکمیت آن کشور می باشد. با فرار مجرمین یا متهمین به ارتکاب جرمی در یک کشور به واقع می توان گفت که شهروندان از ارتکاب مجدد جرایم و تکرار آن احساس خطر و هراس خواهند کرد.

بازگرداندن مجرمان و سپردن آنان به دست عدالت، از طرفی تامین امنیت خواسته شده را به ارمغان خواهد آورد و از طرفی دیگر از تبدیل شدن کشور پناهنده به پایگاه مجرمین و به خطر افتادن نظم و امنیت مقررات حاکم بر آن کشور نیز ممانعت خواهد نمود. پس از این نظر نیز می توان به نقش جلب و استرداد آنان را در پیشگیری از وقوع جرایم و حفظ و گسترش امنیت و دفاع از قوانین و مقررات حاکم بر کشورها پی برد. بنابراین اصل حاکمیت دولت ها ایجاب می کند که هر دولتی در پی اقدامی موثر برای تعقیب مجرمینی که در قلمرو کشورش مرتکب جرمی می شوند باشد و اجازه ندهند که بزهکاران با فرار از کشوری که جرم را در آنجا مرتکب شده اند از مجازات معاف شوند و جدایی از این برای یک همکاری جهانی در مبارزه با مجرمین و جرایم سازمان یافته بین المللی مشارکت نمایند.

اینترپل سازمانی است که به کشورهای عضو خود در این راستا و جهت ایجاد هماهنگی کمک شایانی می نماید. یکی از مهمترین چالش های فقه اسلامی با این سازمان در کلیت خود بحث قاعده نفی سبیل است. قاعده نفی سبیل هر گونه تسلط و استیلا بر مسلمانان را توسط کفار منع می نماید اما باید دانست که اینترپل یک سازمان بین المللی فارغ از نام تعریفی کفر یا وجود یک حکومت کافر می باشد. سازمان بین المللی پلیس جنایی یک سازمان بین المللی غیردولتی است. یک سازمان مستقل است بدین معنا که وابسته به هیچ دولت یا کشوری نیست و اعضای آن را هیچ کشوری تعیین، استخدام یا اخراج نمی کند بنابراین نمی تواند مصداق عنوان کافر از این بابت باشد. در موارد اعلامی و یا معاضدت با اینترپل می توانیم بگویم که سلطه ای وجود ندارد چرا که درخواست جلب فرد در ایران باید بر اساس مصادیق قانونی ما نیز صورت گرفته باشد و همانگونه که در ماهیت نیز شرح داده شد این جلب در قالب استرداد انجام خواهد گرفت و در برخی موارد استرداد ممنوع می باشد. در قانون

اثین دادرسی کیفری تعریفی از جلب نیامده است اما بر اساس تعارف مختلفی که در تحقیق نیز بیان گردید درخواست جلب باید از طریقی محکمه صالح قضایی و در چهارچوب قانون انجام گردد و در درخواست جلب از سوی اینترپل نیز در صورت رعایت قانون بر اساس کشور مورد درخواست و تطبیق آن بر قوانین کیفری ما جلب مشکلی نخواهد داشت و در تعارض با قاعده نفی سیل نیز قرار نخواهد گرفت. تنها مشکل زمانی است که این تحویل برای کشوری غیر اسلامی باشد که همانگونه که اشاره گردید به نظر می رسد قاعده نفی سیل در این مورد جاری گردد مگر اینکه خود شخص به این جلب راضی باشد. همکاری و معاضدت قضایی و پلیسی مابین ایران و اینترپل در سال های اخیر بسیار بیشتر بوده است و در موارد بسیاری این معاضدت مثمر ثمر بوده است مخصوصا در مورد قاچاقچیان مواد مخدر و اختلاس گران اقتصادی که در جلب و استرداد این افراد به ایران جهت عدالت قضایی، اینترپل بسیار همکاری نموده است.

منابع:

کتاب

قرآن

نهج البلاغه

- ۱- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، نشر سمت، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۱
- ۲- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن انگلیسی به فارسی، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۸
- ۳- آقائی جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، ج ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱
- ۴- اردبیلی، محمدعلی، معاضدت قضایی و استرداد، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲
- ۵- اشراقی، لیلا، طه، فریده، دادرسی عادلانه، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰
- ۶- امام خمینی، تحریر الوسیله، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ج ۱، ۱۳۹۲
- ۷- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، میزان، ۱۳۸۹
- ۸- پرویزی فرد، آیت الله، «دستگیری بدون دستور قضایی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله ی دانشگاه تهران، دوره ی ۴۲، ۱۳۹۱
- ۹- تقی زاده انصاری، مصطفی، سازمان جهانی پلیس جنایی (اینترپل)، تهران: انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۸۸
- ۱۰- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین، ج ۱، چاپ سوم، دراک، ۱۳۸۷
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران: نشر بی تا، ۱۳۸۲
- ۱۲- جعفری هرنندی، محمد، ۱۳۹۴، رابطه استفاده از قیاس و دلیل عقل در استنباط احکام، مجله فقه مقارن، شماره ۶
- ۱۳- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، شهردانش، چاپ هجدهم، ۱۳۹۶
- ۱۴- رحمانی، محمد، ۱۳۸۲، قاعده نفی سبیل از منظر فریقین، مجله طلوع، شماره ۶
- ۱۵- عباسی، محمود، استرداد مجرمین، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۳
- ۱۶- علی بن محمد بن حبيب ماوردی، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۸۳
- ۱۷- فلسفی، هدایت الله، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، جلد دوم، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱
- ۱۸- قربان حسینی، علی اصغر، استرداد مجرمین و نقش سازمان پلیس جنایی بین المللی، قسمت دوم، مجله نگهبان انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، سال اول، شماره پنجم
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر؛ فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۷، ۱۳۹۳
- ۲۰- کاستانید، ژوسلین، مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، ترجمه دکتر شهرام ابراهیمی، چاپ اول، انتشارات سنا، تهران، ۱۳۸۱

- ۲۱- کیوان فر، شهرام، اخلاقی بودن وظیفه اطاعت از قانون، فصلنامه مطالعات حقوق، ۱۳۸۸
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، نشر جهان آرا، ج ۲، ۱۳۸۷
- ۲۳- گارو، محمدعلی، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزای، مترجم، دکتر سید ضیاءالدین نقابت، جلد اول، نشر سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، تهران، ۱۳۹۲
- ۲۴- گلدوست، رجبعلی، توسعه قضایی و حقوق متهمان، علوم جنایی، میزان، ۱۳۸۸
- ۲۵- مدنی، سید جلال الدین، آئین دادرسی مدنی، نشر پایدار، چاپ ۲، ۱۳۹۰
- ۲۶- محمدحسن بن باقر نجفی، حیدر دباغ، جواهر الکلام، ناشر: الجماعة المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی، ج ۳۹، چاپ اول، ۱۳۹۲
- ۲۷- محمدبن حسن، حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ناشر: اسلامیه، ج ۱۷، چاپ نهم، ۱۳۸۷
- ۲۸- محمد بن علی ابن بابویه، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۴۱۳، ۴۰۵ ق.
- ۲۹- مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، نشر: قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع، ۱۳۸۳
- ۳۰- نجابتی، پلیس علمی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲
- ۳۱- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، ۱۳۸۴

مقالات

- ۳۲- بیابانی، غلامحسین، پاییز، جرائم سازمان یافته و همکاریهای جنایی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال دوم. ۱۳۸۸
- ۳۳- جعفری مجد، محمد، احکام دعوی جلب ثالث در دیوان عدالت اداری، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
- ۳۴- حسینی، سید علیرضا، ناظری، محمدرضا، تاثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین المللی مسلمانان، دو فصل نامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- ۳۵- فروغی، فضل الله، میرزایی، محمد، معاضدت های حقوقی و پلیسی در مقابل جرایم فراملی با تاکید بر نقش اینترپل، فصل نامه کاراگاه، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۴
- ۳۶- فرهنگ دلیر، مهدی، تبیین دلالت قاعده نفی سبیل بر وجوب مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دومانهنامه اقتصاد پنهان، دوره جدید، شماره ۱۰ و ۱۱، شماره پیاپی ۲۴ و ۲۵، آبان تا اسفند ۱۳۹۷،
- ۳۷- کریمی، محمد رضا، بیابانی، غلامحسین، اینترپل و نقش آن در استرداد مجرمان، مجله ی اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ۱۳۸۷
- ۳۸- کریمی، محمد رضا، بیابانی، غلامحسین، پلیس بین الملل و پی جویی جرائم، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، دوره ۲، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۰،

- ۳۹- کرم زاده، سیامک، فیض، زهرا، قاعده‌ی نفی سیل و الحاق ایران به کنوانسیون بی‌الملل لی‌مقابله با تأمین مالی تروریسم، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب- سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸،
- ۴۰- کشکولیان، اسماعیل، پیشگیری از جرایم سازمان یافته، رویکردی اسناد بین‌المللی و اینترپل، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، گرجستان، خرداد.
- ۴۱- مخدوم، حمیدرضا، نقش اینترپل در زمینه استرداد مجرمین و راههای بهینه کردن آن، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، شماره ۴، ۱۳۸۷
- ۴۲- محمدی کرجی، رضا، آیه نفی سیل و استرداد مجرم مسلمان به کشور غیر مسلمان، مجله قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵،
- ۴۳- یوسفی میانجی، عبدالرضا، جامعه جهانی و مواجهه با نسلکشی و جنایت علیه بشریت، ماهنامه پژوهش مل، دوره دوم، شماره ۲۲، مهر ۱۳۹۶

پایان نامه ها و جزوات

- ۴۴- پلیس در جوامع توسعه یافته، نشر یافته توسط دفتر: مطالعات سیاسی، اردیبهشت ماه ۱۳۸۴، قابل مشاهده در:
file:///C:/Users/adel_pc/Downloads/7344.pdf
- ۴۵- فرخاری، محمدعلی، مطالعه عوامل موجهه در بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروی انتظامی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دامغان، زمستان ۸۸
- دریافت برای نامه الملل، پایان عرصه بین در تروریسم با مبارزه در اینترپل جهانی سازمان عملکرد ۴۴. لاله، هاشم، بررسی مرکز، تابستان ۱۳۹۵ تهران اسلامی، واحد آزاد حقوق، گرایش حقوق بین‌الملل، دانشگاه رشته ارشد کارشناسی درجه

منابع انگلیسی

- 46-Shanks, Jacobson, and Kaplan (1996). Also note the important role played by nonstate actors in establishing IOs (Archer 2001:43; McNamara 2002)
- 47-Fortson- Rodi (2002) , misuse of drugs and drug trafficking offence, Sweet & Maxwell
- 48-Orfield, Lester (2005) , Criminal Procedure from arrest to appeal, the Law book Exchange LTD
- 49-UN Convention Against Illicit Trafficking in Narcotic Drugs and Psychotropic substances (Viena-1988)
- 50-UN treaty on mutual Assistance in criminal matters, network, 19 December 1990, Rome, of the international criminal court (Rome, 1998),
- 51-UN convention against ltlieit trafficking inter narcotic Drags and psycho tropic sub stances (Viena 1998)
- 52- Convention of the setting up of a European police office (Europol) Brussels, 1995 , Article 92/2.

- 53-Convention on Mutual Assistance and cooperation between customs Administration , brussels T 1997
- 54- Draft international convention for the suppression of terrorist Financing (1999) (A. C. 6/58/C.16)
- 55-Convention on Transfer of proceeding sin criminal matters (Strasburg , 1992).

سایت ها

- 56- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D9%84%DB%8C%D8%B3>
- 57-[http:// www. interpol. int/ Public/ Drugs/ cocaine/ default. asp.](http://www.interpol.int/Public/Drugs/cocaine/default.asp)
- 58-[http:// www. interpol. int/. Public/ Terrorism / default. asp.](http://www.interpol.int/Public/Terrorism/default.asp)
- 59-[http:// www. interpol. int/. Public/ Crimes Against Humanity/ default. asp](http://www.interpol.int/Public/CrimesAgainstHumanity/default.asp)
- 60-[http:// www. interpol. int/. Public/Wanted/ fugitive Invest Serv. Asp](http://www.interpol.int/Public/Wanted/fugitiveInvestServ.asp)
- 61-<https://fa.alalamtv.net/news/3828981/>

Abstract:

Governments have always sought to maintain the security of their citizens and establish respect for laws and regulations throughout their territory. It has happened many times that criminals have fled the country of the perpetrator after committing the crime and fled to a country other than the place where the act was committed or omitted. With the advancement of technology , expansion of means of transportation and getting methods of committing crimes more complicated by criminals and their escape to and fro , the need for an international organization for the cooperation and coordination of countries to extradite criminals and ensure the security of their domestic rights was increasingly felt. The international criminal police organization is an organization that was established not by the initiative of the countries of the world but in a coordinated and coherent effort by police officers and a group of lawyers. The international criminal police organization plays an undeniable role in the prosecuting , arresting detaining and extradition of criminals in the exchange of news and information and police –judicial assistance. in the present study , by explaining the structure of the international police organization and examining the concept and manner of arrest in Iranian law , we will examine the nature of this arrest in Islamic jurisprudence with the performance of this institution.

Key word : Interpol , arrest , detain , rejection , of foreign influence (aka nafye sabil) rule , criminal jurisprudence



Islamic School University

College of Jurisprudence and law

The thesis for a master's degree in the field of contemporary jurisprudence and Islamic criminal law

Thesis topic

The performance of the international police in attracting individuals from the perspective of criminal jurisprudence of Islamic religions and Iranian law

Supervisor

Mohammad Jafari harandi

Advisor

Mahmoud veysi

Writing by

Ghazal parvizi

2/November/2020